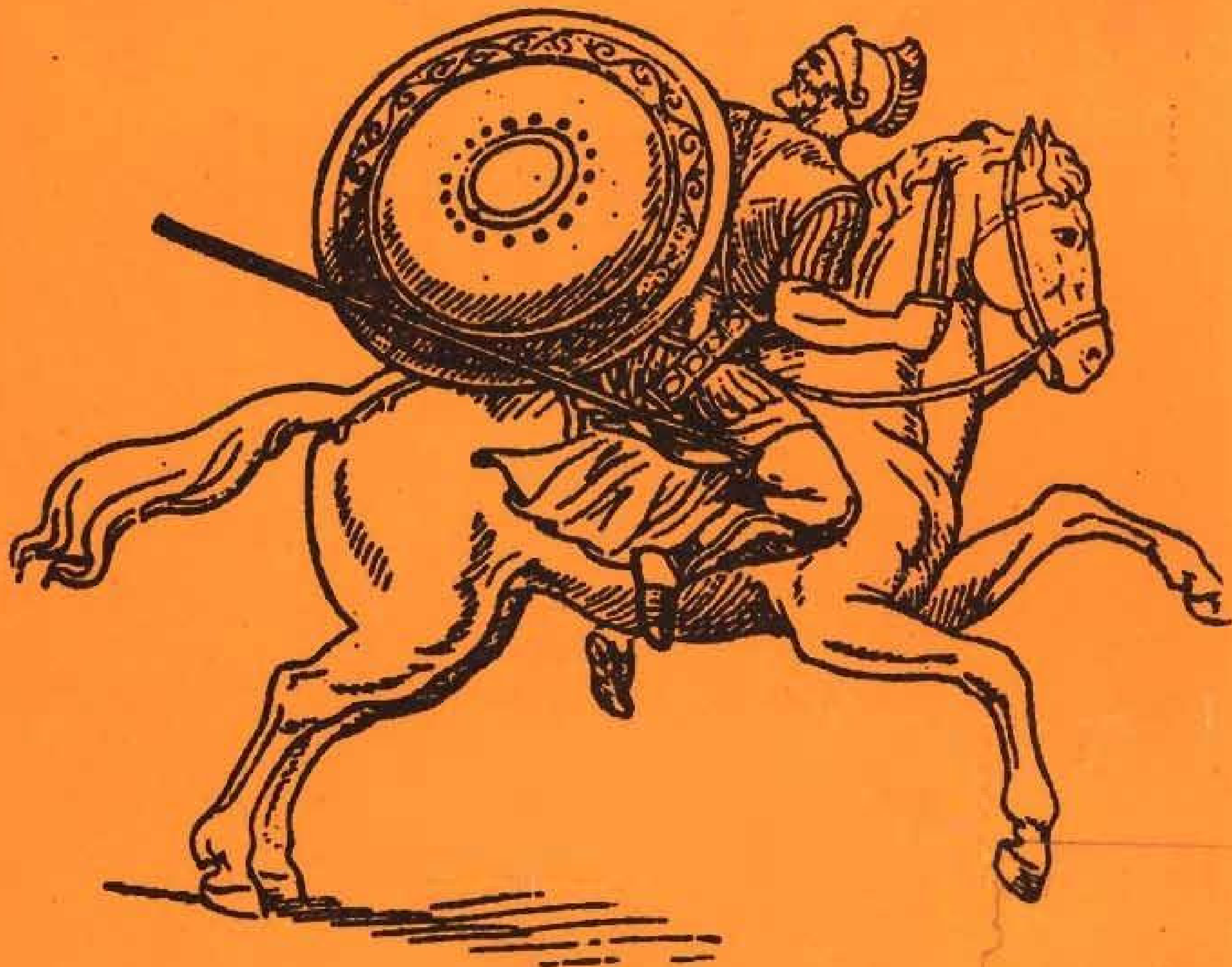
تاریخ
روم باستان

فئودور . پ . کوروفکین



غلامحسین متین

کتابی که‌در دست شماست
حاوی اطلاعات‌تاریخی
از نظام اجتماعی، آداب
ورسوم روم باستان‌است.
نویسندهٔ این کتاب‌آقای
فئودورپتروویچ‌کوروفکین
اهل مسکو، درسال ۱۹۰۳
بدنیاآمد.
وی‌بعدهابه دلیل لیاقتی
که در ارائه روش های
آموزشی از خود نشان
داد نامزد دکترای علمی
در "علوم‌متدهای‌آموزشی"
شده ونشان رسمی "آموزگار
شایسته" را دارا شد.



انتشارات محور

شابک: ۹۶۴-۶۷۹۶-۰۶-۰

قیمت: ۷۰۰ تومان

تاریخ روم باستان

ف. پ. کورفکین

غلامحسین متین

تاریخ

روم باستان

ف. پ. کوروفکین

ترجمه
غلامحسین متین



انتشارات محور
بهمن ۱۳۷۹

کاروفکین، فئودور پتروویچ
Korovkin, Fedor Petrovich
تـــاریخ روم بـــاستان/ فـــئودور کـــوروفکین؛
ترجمه غلامحسین متین.ـ تهران: محور، ۱۳۷۸.
۱۶۷ ص.: مصور، نقشه، جدول.
Isbn 964 - 6796 - 06 - 0:
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
۱. روم ـ ـ تاریخ. ۲.روم ـ ـ تمدن. ۳. روم ـ ـ
تـاریخ ـ ـ پـرسشها و پـاسخها. ۴.روم ـ ـ تـمدن ـ ـ
پرسشها و پاسخها. الف. متین، غـلامحسین، ۱۳۱۸ -
۱۳۷۵، مترجم.ب. عنوان. ۹۳۷/۰۱
DG۲۰۹ ۲ت۲ک
۱۳۷۸
کتابخانه ملی ایران ۲۰۴۲۹ـ۷۸م



تهران صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۴۳۸ تلفن ۶۴۹۹۲۵۱

تاریخ روم باستان

فئودور. پ. کوروفکین

غلامحسین متین

چاپ اول ۱۳۷۹
تیراژ ۳۰۰۰
چاپخانه سپیده‌احرار

شابک ۰ - ۰۶ - ۶۷۹۶ - ۹۶۴

فهرست مطالب

فصل سوم. سقوط جمهوری و آغاز دورهٔ امپراطوری

فصل چهارم. معیشت و فرهنگ روم

فصل پنجم. انحطاط امپراطوری برده‌دار

سخنی با خواننده

برای خواننده محترم مخصوصا نوجوانان عزیز این نکته بسیار آموزنده و شیرین است، که بداند بشری که امروز به پله‌های رفیعی از تکنولوژی و دانش رسیده **است**، از کجا و چگونه شروع به زندگی کرده و در ساختن و پرداختن خود و جهان پیرامون خویش چه قدمهای را پیموده ودر این رهگذر در می‌یابد که می‌شود تا به کجا رسید!؟

با انتشار **تاریخ روم باستان** سومین کتاب‌ازمجموعه (تاریخ دنیای قدیم) تریلوژی تاریخی ما نیز به‌پایان می‌رسد. حتماً می‌دانید که کتاب اول از این مجموعه به‌**تاریخ شرق باستان** وکتاب دوم به‌**تاریخ یونان باستان** اختصاص دارد. لیکن برای آن عده از دوستان عزیزی که احتمالا تاکنون موفق به‌مطالعه‌ی این دو جلد نشده‌اند، ضروری می‌دانیم چند کلمه‌ای شرح بدهیم.

درکتاب "تاریخ شرق باستان"، ابتدانظام جماعتی نخستین (دام‌پروری و شکار، خانواده و پیدایش مذهب

و گاه‌شماری) و سپس کشورهای شرقی قدیم‌که شامل: مصر، میاندورود(بین‌النهرین)، هند و چین می‌باشد، مورد بررسی دقیق نویسنده قرار می‌گیرد.
دومین کتاب "تاریخ یونان باستان" است. به‌خاطر اهمیتی که یونان کهن در سرنوشت آتی بشر دارد، تنها به‌این کشور تخصیص یافته، شما را در جریان وقایعی قرار می‌دهد که هنوز هم درگوشه وکنار جهان می‌توانید مشابهش را پیدا کنید. این شباهت، یک پدیده‌ی غیر طبیعی است، زیراکه بعید است امروزه ما شاهد وقایعی باشیم که هزاران سال پیش از میلاد هم روی می‌داده است. و همین، تبدیل به‌اهرمی می‌شود برای تحرک فکری ما.

چرا باید در دنیای امروز، موارد مشابه زیادی با صدها قرن پیش، وجود داشته باشد؟ از این‌جاست که ما ریشه‌های عقب‌ماندگی را از زیر گرد و خاک قرون بیرون می‌کشیم، به‌آن عمیقاً می‌نگریم و درک می‌کنیم‌که چرا گروهی، از زمانشان پیشتر رفته‌اند و گروهی درجا زده‌اند، آن چنان در جایی که گویی نه در این عصر شکوفایی خرد و دانش **انسان**، بلکه در دوره‌ی نادانی و ناتوانی **آدم**، زندگی می‌کنند.

از مطالعه‌ی تاریخی که هدف نجیبانه‌ی لمس واقعیات زندگی را دنبال می‌کند، در می‌یابیم که برای ساختن آینده، شناختن گذشته ضروری است. در جریان این کار است که پدیده‌های نامطلوب و

غیرطبیعی را درک می‌کنیم.

از خود می‌پرسیم که اگر آن دنیای کهن، با تمام رنج‌ها و بدبختی‌ها و زرق و برق‌هایش محکوم به‌نابودی بوده، پس چرا هنوز بقایای آن باقیست؟ آیا این امر طبیعی است که همه چیز یک باغ - هم درختان و جویبارانش و هم درودیوارهایش - از بین برود و فقط یک بوته‌ی خشک و خالی از آن باقی بماند؟

با مطالعه‌ی این تریلوژی ساده، ولی واقع‌گرا می‌فهمیم که آرمان‌های بشر دوستانه‌ای که امروزه دنیای ما را احاطه کرده‌اند، پدیده‌های نوی نیستند. این آرمان‌ها از چکیده‌ی تجارب انسان طی تمامی زندگیش در طول تاریخ ریشه می‌گیرند و رشد می‌کنند و تناور می‌شوند. و نیز درک می‌کنیم که انسان، از همان هنگامی که پا به‌عرصه وجود گذاشت، محکوم به‌پیشرفت و تکامل بود. و اگر غیر از این بود، اینک هیچ چیز وجود نداشت و برای استحکام هرچه بیشتر راه تکامل است که مطالعه‌ی عمیق تاریخ را یک امر حیاتی تلقی می‌کنیم: **باید بدانیم که بودیم تا بتوانیم به‌آن که می‌خواهیم بشویم، برسیم.**

مترجم

از این کتاب چگونه باید استفاده کرد؟

مطالب این کتاب به‌چند بخش، هربخش به‌چند فصل و هرفصل به‌چند بند تقسیم شده است. «فهرست» کتاب را باز کنید، خواهید دید که کتاب در باره‌ی چه چیزهایی گفت‌وگو می‌کند و از چه قسمت هایی تشکیل یافته است. هربند به‌چند ماده تقسیم شده، عنوان ماده‌ها نمودار خلاصه‌ی مطالب آنهاست.

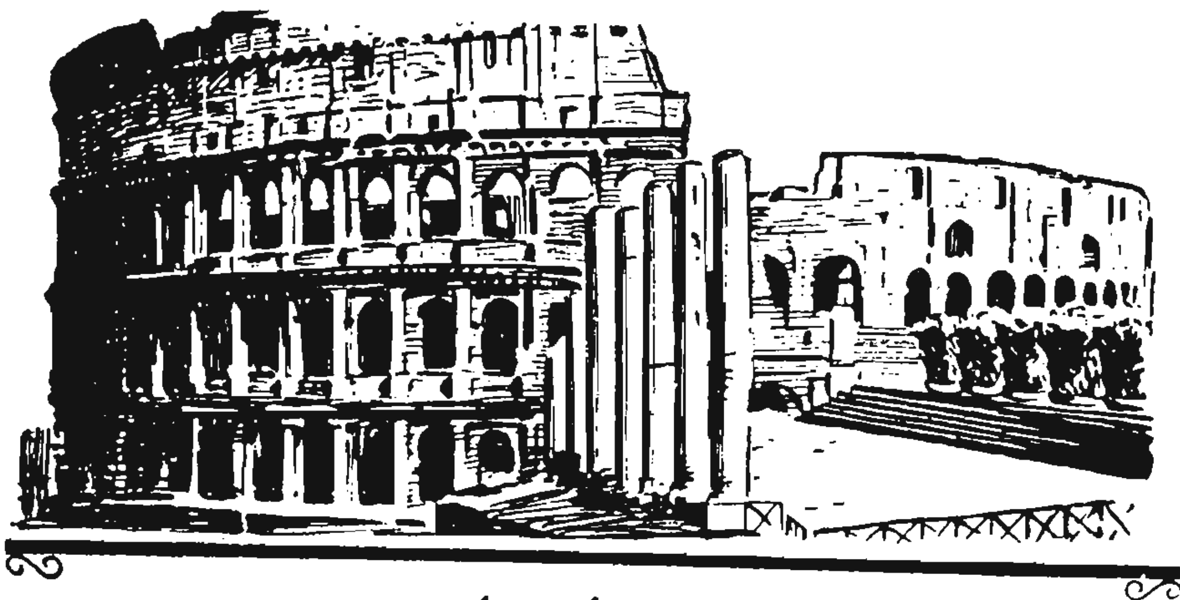
اگر بیش از هربند سؤالی درکتاب هست، خودتان در باره‌اش فکر کنید و پاسخ آن را بیابید. این موضوع نه تنها باعث می‌شود که شما آنچه را قبلاً خوانده‌اید، به‌خاطر بیاورید، بلکه می‌تواند شما را در پی‌بردن به‌مطالب جدید راهنمایی کند.

هربند را بطور کامل و با دقت بخوانید. اما به‌مطالبی که برجسته چاپ شده، توجه بیشتری بکنید. به‌تصویرهای کتاب هم به‌دقت نگاه کنید. دریاها، رودخانه‌ها، کشورها و حتی شهرهایی را که نامشان در کتاب هست، در روی نقشه پیدا نمایید.

پس از خواندن هربند به‌سؤالاتی که در پایان آن نوشته شده، پاسخ بدهید. خود را امتحان کنید، ببینید آیا نتیجه گیریها و تعریف‌هایی راکه خوانده‌اید، فهمیده‌اید؟

مطالب هربند را با بیان خودتان شرح بدهید، ابتدا ماده‌ی اول را بخوانید و شرح بدهید. سپس در مورد هرماده به‌ترتیب اینکار را انجام دهید. آنگاه تمام بند را به‌طور یکجا برای خود بازگو کنید.

هنگام خواندن کتاب، به‌پرسشها بطور کتبی پاسخ دهید و پاسخها را در دفترچه‌ای به‌ترتیب پاکنویس کنید تا پس از مطالعه بتوانید دریافتهای خود را از کتاب مورد ارزیابی قرار دهید.



روم باستان

فصل اول

تشکیل دولت برده‌دار روم

بند اول

پیدایش شهر رم

۱ـ طبیعت شبه جزیره‌ی آپنین[1]

در دریای مدیترانه، در غرب یونان، شبه جزیره‌ی آپنین واقع شده است. در امتداد تمامی شبه‌جزیره، سلسله‌جبال کوهی قرار گرفته که به‌سلسله جبال آپنین یا کوه‌های آپنین شهرت دارد. سلسله جبال آپنین، از کوه‌های صخره‌ای یونان کم‌شیب‌تر و قابلیت عبورش بیشتر

1- Apennine

است. بین کوه‌ها و دریا، جلگه‌های ساحلی دامـن گسترده و به‌همین جهت، حتی درایام باستان نیز به‌آسانی ممکن می‌شد از یك بخش‌شبه جزیره، به‌بخش دیگر رفت.

دربخش مرکزی سلسله‌جبال‌آپنین، رودخانه‌ای به‌نام تیبر[1] جریان دارد. رود از میان کوه‌ها سرچشمه می گیرد. تیبرضمن جاری شدن از کوه، ازطریق‌یك‌جلگه‌ی پست، آبهای‌تیره‌ی خود رابدریا فرومی‌ریزد.

در سواحل غربی و جنوبی شبه‌جزیره، خلیجی قرار دارد کـه بـرای لنگر انـداختن کشتی‌ها بسیار مناسب است. معـذلك در بستر دریاهائی که شبه جزیره‌ی آپنین را در احاطه دارند، جزایر کـوچك قلیلی وجود داردکه این امر، دردورانهای باستان، توسعه‌ی کشتی‌رانی را با دشواری روبرو می‌ساخت.

کـوه‌های سربفلك کشیده‌ی آلپ[2]، شبه جـزیره‌ی آپنین را از بادهای سرد شمالی، در امان میدارد. بدین سبب شبه جـزیره، دارای آب وهوای گرم است. در این‌جا بیش از یونان باران می‌بارد. خاك نواحی ساحلی و دامنه‌های کوهستانی، بسیار حاصـل‌خیز است. در دامنه‌های آپنین، مراتع زیادی بچشم می‌خورد کـه سرشار و پوشیده از علف‌های انبوه بلند است.

جزیره‌ی سیسیل[3] که‌آب وهوایش بازهم گرم‌تر است و ازلحاظ سرسبزی غنی‌تر می‌باشد، ادامه‌ی شبه‌جزیره‌ی آپنین بشمار می‌رود.

۲ـ سکنه‌ی شبه‌جزیره

در اواسط هزاره‌ی اول قبل از میلاد، در شبه‌جزیره‌ی آپنین،

1- Tiber   2- Alps   3- Sicily

حداقل دوازده ملیت زندگی می‌کردند که به‌زبان‌های مختلف سخن می‌گفتند.

در نواحی ساحلی شبه‌جزیره و درخاور سیسیل، کولونی‌های یونانی واقع شده بود. (بخاطر آورید که درچه قرن‌هائی بود که اکثر کولونی‌های یونانی بنیاد گرفت؟ بند ۹، ماده‌ی ۳ و ۴، جلد دوم). یونانی‌ها، شبه‌جزیره را، **ایتالیا**[1] مینامیدند. بعدها این نام به‌تمام شبه جزیره اطلاق شد.

در سواحل بخش سفلی رودخانه‌ی تیبر، **لاتین‌ها**[2] بسرمی‌بردند. این قوم نقش بزرگی در تاریخ ایتالیای باستان ایفا نمود.

۳- شهر روم در قرن ششم قبل از میلاد

تقریباً در آغاز قرن ششم قبل از میلاد بود که در محل سکونت لاتین‌ها ، شهرکی بوجود آمد بنام روم. روم درساحل چپ رودخانه‌ی تیبر قرار داشت و ۲۵ کیلومتر از مصب آن دور بود.

روی تپه‌ی تندشیبی که بالای رودخانه گردن کشیده بود، دژی بچشم می‌خورد که در موقع هجوم و یورش دشمنان، اهالی شهرك به پشت دیوارهای آن پناه می‌بردند و مخفی می‌شدند.

روی تپه‌ی همجوار، کلبه‌های گلی و چوبی‌ای قرار داشت که بام‌هایشان یا باحصیر و یا با سفال پوشیده شده بود. بین کلبه‌ها، معابر تنگ و پر از پیچ‌وخمی قرار داشتند. در جلگه‌ی بین تپه‌ها، میدانی بعنوان بازاروجود داشت که به‌زبان لاتینی **فروم**[3] یامحل تجمع نامیده

1- Italia 2- Latin 3- Forum

می‌شد. مسگران و کفاشان و سایر پیشه‌وران، مستقیماً در گوشه و کنار معابر وفروم بکار اشتغال داشتند.

اکثر اهالی این شهرك زارع وپیشه‌ور بودند.



تصویر شماره‌ی ۲

رومیان هنگام یورش دشمنان در این دژ پنهان می‌شدند، از بالای پرتگاه سمت راست محکومین به‌مرگ را به‌پایین پرت می‌کردند.

۴ـ چه کسانی پاتریسین‌ها[1] نامیده میشدند؟

در دوران باستان سکنه‌ی رم بصورت قبیله‌ای زندگی‌میکردند. اراضی متعلق به‌قبایل «مـزرعه‌ی اشتراکی» نامیده می‌شد.

قبایل از چند خانـواده و یا بزبان لاتینی از چند فامیل[2] تشکیل می‌شدند. فرزندان سکنه‌ی قدیم رم، خود را پاتریسین می‌نامیدند. این عنوان از واژه‌ی لاتینی «پاتر»[3] که به‌معنای پدر است، گرفته شده‌بود. پاتریسین‌ها از این امر بخود میبالیدند که پدرانشان بنیادگذار شهررم

1- patricina 2- Family 3- pater

بوده‌اند. هریك از فامیل پاتریسین‌ها، قطعه‌زمینی در مزرعه‌ی‌اشتراکی برای خود داشت، ولی احشام خویش را برای چرا به «مرتع عمومی» می‌برد.

در مزارع متعلق به‌پاتریسین‌ها، بردگان بکار مشغول بودنـد، ولی تعداد آنها زیاد نبود. معمولاً خود پاتریسین‌ها نیز درصحرا ودر خانه، بهمراه بردگان خویش کار می‌کردند. مکرر اتفاق می‌افتاد که آقا وبرده‌پشت یك میزغذا می‌خوردند. بردگان، عضو خانواده‌شمرده می‌شدند.

خانه‌ی پاتریسین‌ها بسیار ساده بود وآرایشی معمولی داشت.

درهریك از این خانه‌ها، یك اتاق بیشتر وجود نداشت.

وسط اتاق، یك حوض آب واقع شده بود کـه در بالای آن، توی سقف، روزنه‌ای چهار ضلعی دیده می‌شد. از طریق این روزنـه، آب باران از روی بام به‌درون حوض فرومی‌ریخت. ایـن‌روزنه‌بمثابه وسیله‌ای برای روشن‌کردن خانه نیزمحسوب می‌شد.

ریش سفیدان پاتریس، شورائی تشکیل می‌دادند کـه «شورای شیوخ» و یا بـزبان لاتینی «سنا[1]» نامیده می‌شد. شورای شیوخ بـرای بررسی و مذاکره پیرامون مسایل مهم‌تر، از مردان پاتریس دعوت‌می‌کرد تا مجلس ملی را تشکیل دهند.

۵ - پله‌بین‌ها[2]

سکنه‌ی رم پیوسته رو به‌افزایش داشت. اهالـی سایر شهرها و

1- Senate 2- Plebeian

ایالات ایتالیانیزدر روم اقامت می کردند.

رومی‌ها، شهرهای همجوار را تسخیر کرده و بخشی‌از اهالی این شهرها را در روم اسکان می‌دادند. درضمن آنها بهترین اراضی همسایگان خویش را نیز تصرف می کردند و به«مزرعه‌ی اشتراکی» پیوند می‌زدند.

اهالی غیربومی روم و فرزندانشان را «پله‌بین» مینامیدند. اکثر آن‌ها زارع و پیشه‌ور بودند. قطعات زمینی که به‌پله‌بین‌ها میرسید، بسیار کوچك بود. ولی درمیان آنها نیز افراد ثروتمند وجود داشتند. آنها عبارت بودند از تجار ومالکان کشتی‌ها.

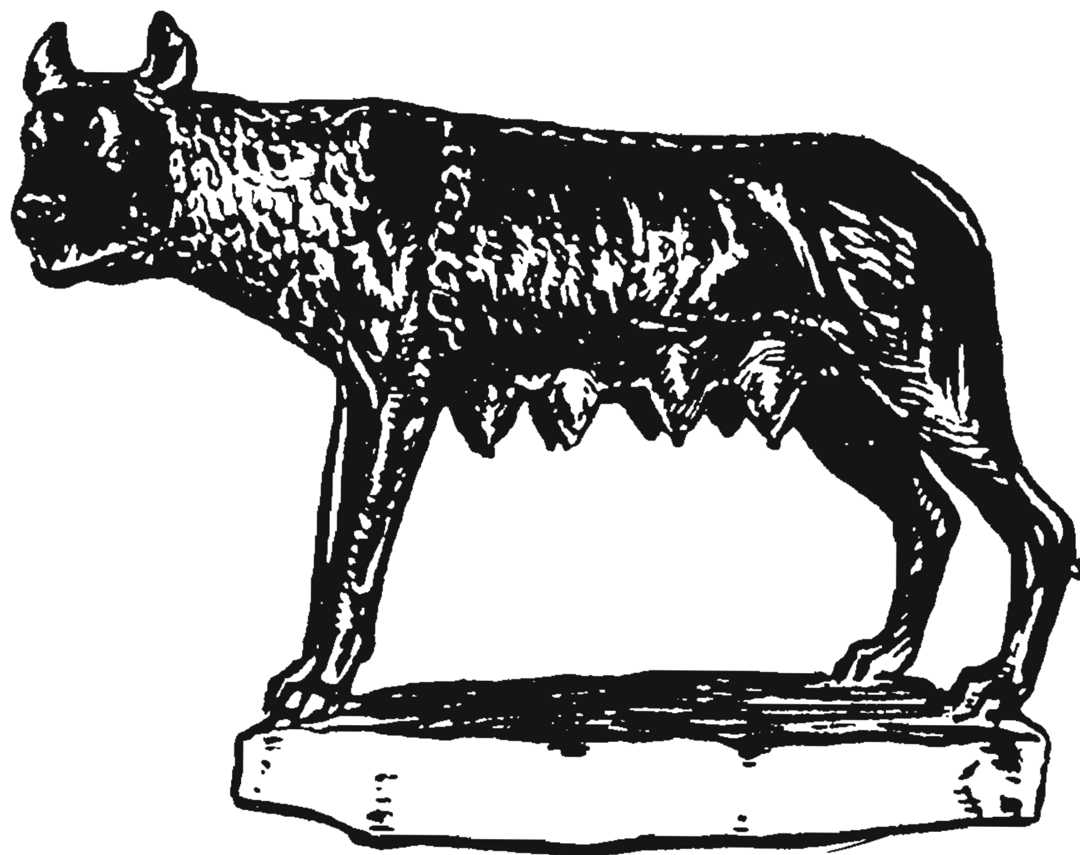
پله‌بین‌ها، کاملاً، از برخورداری از هرگونه حقوقی محروم بودند. آنها نصیبی از «مزرعه‌ی اشتراکی» نمی‌بردند. و درمجلس‌ملی نیز حق شرکت نداشتند. آن عده از پله‌بینهائی که مدیون بودند و بموقع دیون خود را نمی‌پرداختند، توسط پاتریسین‌ها به‌بردگی گرفته می‌شدند.

افسانه‌ی پیدایش شهرروم

زمانی دراز پس از پیدایش‌شهرروم، افسانه‌ای بوجود آمدمبنی براینکه این شهرچگونه وبوسیله‌ی چه کسی ساخته‌شد. برطبق این افسانه، شزار یکی از شهرهای لاتینی دستور داد فرزندان خواهرزاده‌اش رومولو[1] و رما[2] را به‌رودخانه‌ی تیبر افکنند. زیرا از این می‌ترسید که چون بزرگ شدند، وی را از تخت بزیر آورند. کودکان در نقطه‌ی کم‌آبی از رودخانه فرو

1- Romulus 2- Remus

افتادند و ماده گرگی آنها را نجات داده و با شیر خودایشان را سیرمی‌کرد. سپس چوپانی آندوکودك را یافت، بخانه برد و بزرگ‌کرد. برادران که‌بزرگ شدند، بجان هم افتادند، رومولو رمـا را کشت. و سپس شهرروم را در همانجائی کـه چوپان ایشان را یافته بود، بنا کرد و سزار آن شد.



تصویر شماره‌ی ۳

سمبل روم

ماده گرگ، مجسمه‌ای از برنز، متعلق به‌قرن ششم قبل از میلاد که در روم قرار داشت.

لابد رومولو و رما هیچ گاه‌وجود نداشته‌اند، لیکن رومیان این افسانه را باور کرده، حتی مبدأ تاریخ را از سالی حساب می کردند که

گویا در آن رم ساخته شد.

این سال مطابق سال ۷۵۳ قبل از میلاد است. در رم مجسمه‌ی گرگی به‌علامت سمبل شهر نصب شده بود.

پرسش و تمرین:

۱ـ بین طبیعت ایتالیا و یونان چه تفاوتی وجود داشت؟

۲ـ طبیعت ایتالیا چه تأثیری مساعدی در زمینه‌ی مشاغل سکنه داشت؟

۳ـ چگونه و چرا اهالی به‌گروه‌های پاتریس وپله‌بین تقسیم شدند؟

۴ـ چه چیز زندگی اشراف یونان در دوره‌ی هرمر با زندگی پاتریسین‌ها در نخستین قرن‌های موجودیت رم، شباهت داشت؟

۵ـ سال افسانه‌ای پیدایش رم به‌چه قرنی و به‌کدام نیمه‌ی آن قرن مربوط می‌شود؟ در واقع شهر رم در چه سالی بوجود آمد؟

بند دوم

تشکیل جمهوری اشراف در رم

بخاطر آورید: دریونان، به‌چه‌کسی تبعه گفته می‌شد؟ (بندهای ۶و۷،ماده ۹، جلد دوم). چه‌کسی آریستوکرات نامیده می‌شد؟(بندهای ۶ و ۷، ماده ۵ جلد دوم).

۱- برقراری جمهوری

روایات باستانی حکایت از آن دارند که در اواخر قرن ششم پیش از میلاد، سزار خونخواری در رم حکومت می‌کرد.

درسال ۵۰۹ قبل از میلاد، سزار بی‌رحم از شهر رانـده شد و رژیمش نابود گردید.

حکومت رم،انتخاباتی شد. بدین ترتیب که مجلس ملی‌هرساله دو تن ازپاتریسین‌ها را بعنوان حاکم ـ کنسول[1] ـبرمیگزید. کنسول‌ها

1- Consul

برساکنان روم‌حکمیت نموده، بموقع‌جنگ فرماندهی ارتش را بعهده میگرفتند و در زمان صلح مجبور بودند که در تمام اموربا‌سنا مشورت کنند.

سنا نفوذ وقدرت عظیمی داشت. امورنظامی وخزانه‌ی‌حکومت را اداره می‌کرد، اعلام جنگ میداد، صلح مینمود.

سنا مجلس ملی را دعوت به‌تشکیل می‌کرد و تصمیماتی را که قبلاً گرفته‌بود، به‌آن پیشنهادمی‌کرد. مجلس ملی‌تقریباً همیشه‌تصمیمات سنا را تأئید میکرد.

رومیان حکومت خود را «حکومت عموم مردم» مینامیدند که بزبان لاتینی «جمهوری» یا «رس‌پوبلیکا[1]» خوانده می‌شد. («رس» یعنی امر، کار و«پوبلیك» یعنی همه‌ی خلق، عموم مردم). نام حکومت‌های جمهوری کنونی‌ای که توسط افرادی اداره می‌شوند که برای دوره‌ی معینی انتخاب شده‌اند نیز از همین واژه سرچشمه گرفته است.

۲ـمبارزهٔ پله‌بین‌ها با پاتریسین‌ها و پیروزی پله‌بین‌ها

در جمهـوری روم، پلـه‌بین‌ها کلیه‌ی وظائف یك تبعه را انجام می‌دادند: یعنی‌هم درارتش خدمت می‌کردند وهم مالیات میپرداختند. ولی بسان گذشته، بازهم از کلیه‌ی حقوق محروم بودند. آنها تقاضا داشتند که مثل پاتریسین‌ها شمرده شوند و مثل آنها، از حقوق واحدی برخوردار گردند.

آنها تهدیدمی‌کردند که اگر با پاتریسین‌ها حقوق مساوی نداشته

1- Respublica

باشند، ازخدمت وظیفه‌ی‌سربازی‌امتناع خواهند نمودویا اینکه روم را ترك‌خواهندکرد. پاتریسین‌ها که ازتضعیف سپاه می‌هراسیدند، ناگزیر برای ایشان امتیازاتی قایل شدند.

ابتدا پله‌بین‌ها موفق گردیدند حق انتخاب مدافع خود را که **تریبون خلق**[1] نامیده میشد، به‌دست آورند.



تصویر شماره‌ی ۴

یک تن از اشراف روم. لباس رسمی یک اشراف‌زاده‌ی رومی در آن زمان عبارت بود از پارچه‌ای یک تکه از پشم که در حالی که دست راست آزادانه از آن بیرون می‌آمد، به‌دور بدن پیچیده می‌شد.

1- Tribun رجل برجسته وناطق پرشور

یك «تریبون» می‌توانست دستور کنسول‌ها و سنا را که به‌پله‌بین‌ها مربوط می‌شد، لغو کند. برای لغو دستور آنها کافی بود که واژه‌ی «وتو[1]» را برزبان آورد، که به‌زبان لاتینی «منع می کنم» معنی می‌دهد. طی تمامی‌دوره‌ای که تریبون به‌نمایندگی برگزیده می‌شد، میتوانست از حق وتو استفاده کند. در خانه‌ی یك تریبون، شب وروز باز بود تاپله‌بین‌ها بتوانند هرموقعی که لازم بود،با مدافع خودملاقات کنند. قتل یك سخنور ـ تریبون‌ـ مجازاتی بس سنگین بدنبال داشت. مبارزه‌ی پله‌بینها با پاتریسین‌هاقریب ۲۰۰ سال‌طول کشید وسرانجام،با پیروزی کامل پله‌بین‌ها، تمام شد. در آغاز قرن سوم پیش ازمیلاد بود که پله‌بین‌ها از حقوق کامل یك تبعه‌ی روم برخوردار شدند: آنها با برابر شدن باپاتریسین‌ها، دراداره‌ی جمهوری روم شرکت می کردند وازاراضی «مزرعه‌ی اشتراکی» استفاده می‌بردند. بردگی‌ایشان‌بخاطر دیون از بین‌رفت ولغو شد.

۳ـ بقدرت رسیدن آریستوکرات‌ها

پس از پیروزی پله‌بین‌ها گفته شد که هریك از اتباع روم می‌تواند برای هرپست دولتی، انتخاب شود.

با وجود این درقبال تصدی پست‌های دولتی هیچ پولی،حقوقی پرداخت نمی‌شد. بدین‌سبب، تصدی پست‌های دولتی برای فقیران یك امر غیر قابل حصول بود. فقیری که در تمام مدت‌روز در مزرعه و یا در کارگاه مشغول بکار بود، حتی به‌دشواری وقت پیدا می کردتا در

1- Veto

مجلس ملی شرکت جوید.

پاتریسین‌ها و پله‌بین‌هائی که از خود دارای ملك و برده‌بودند، پست‌های کنسولی و دیگر پست‌های دولتی را اشغال می‌کردند. در قرن سوم پیش از میلاد دیگر ثروتمندان رومی در املاك خویش کار نمیکردند. اراضی آنها را بردگانی عمل می‌آوردند که تعدادشان بتدریج بخاطرسرازیر شدن سیل آنها ازسایرایالات ایتالیا وکشورهای



تصویر شماره‌ی ۵
گارد محافظ سناتورها و
شخصیت‌های رومی

آن سوی دریاها، فزونی یافته بود.

تا قرن سوم پیش ازمیلاد، دیگر: چند ده‌فامیل‌پاتریسین‌وپله‌بین، که از فامیل‌های دیگر ثروتمندتر شده بودند، در جامعه مشخص‌تر گردیده،حکومت جمهوری را تیول‌خود می‌دانستند. سالیان سال‌افراد این هزار فامیل پست‌های دولتی را یکی بعداز دیگری به‌اشغال در آورده، دست به‌دست می کردند. نمایندگان سنا نیز از میان افراد این هزار فامیل انتخاب می‌شدند. برای رومی‌های دیگر بدست آوردن پست‌های کنسولی ویا سناتوری تقریباً غیرممکن شده بود.

بدین ترتیب، طبقه‌ی اشراف ـ صاحبان ملك و دارائی و برده‌ـ بوجود آمده وحکومت را اداره می کرد. به‌همین جهت، جمهوری روم، به‌معنای حکومت برده‌داران و آریستوکرات‌ها بود.

۴ـ تسخیر ایتالیا توسط رم

آریستوکرات‌های رومی درپی آن بودند که اراضی جدیدی را به‌اشغال درآورند. بدین سبب دایماً با همسایگان خویش جنگ میکردند و دوسوم اراضی و مراتع مغلوبان را تصاحب مینمودند و بخش اعظم این اراضی را نیز آریستوکرات‌ها صاحب می‌شدند.

جنگ رم‌بخاطرتسخیر ایتالیابیش ازدویست‌سال بطول‌انجامید. در آغاز قرن سوم پیش از میلاد بود که رومی‌ها دیگر برتمامی شبه جزیره‌ی آپنین مسلط شده بودند. سنای رم میکوشید میان ملت‌های‌به انقیاد در آمده، تفرقه اندازد. قانون سنای رم این بود: «**تفرقه‌بیفکن و حکومت کن**».

پرسش و تمرین:

۱ـ روی نقشه سرحدات دولت روم را در قرن چهارم قبل از میلاد و در اواسط قرن سوم قبل از میلاد نشان بدهید.

۲ـ در قرن ششم قبل از میلاد و تا فرن سوم قبل از میلاد چه تحولاتی در دولت روم صورت گرفت؟

۳ـ به‌چه نوع حکومتی «رس‌پوبلیکا»؟ رژیم جمهوری چه تفاوتی با رژیم سلطنتی دارد؟

۴ـ آیا اصلاحات سالون در آتن زودتر صورت گرفت یا برقراری رژیم جمهوری در رم؟ فاصله‌ی زمانی این دو واقعه را معین کنید.

فصل دوم

تبدیل جمهوری روم به‌نیرومندترین دولت برده‌دار ناحیه‌ی مدیترانه

بند سوم

آغاز مبارزه بین روم وکارتاژ بخاطر استیلا بر مدیترانه‌ی غربی

۱ـ رقابت روم و کارتاژ

پس از آن‌که برده‌داران رومی شبه‌جزیره‌ی آپنین را به‌تسخیر در آوردند، تلاش آنها متوجه اشغال اراضی دیگری شد که درسواحل دریای‌مدیترانه قرارداشت. برای آنها تسخیرجزیره‌ی‌سیسیل،مخصوصاً یك موضوع وسوسه‌انگیز و جذاب بود. در سیسیل اراضی مرغوبی وجود داشت، انگور بعمل می‌آمد وسرشار از درختان پرتقال وزیتون بود و درنواحی ساحلی آن شهر کولونی‌های ثروتمند یونانی واقع

شده بود.

برده‌داران کارتاژ ـ یعنی دولت نیرومندی که در ساحل جنوبی دریای مدیترانه قرار داشت ـ نیز درپی تسخیر غنایم سیسیل بودند.

۲ـ شهر کارتاژ ومتصرفات آن

شهر کارتاژ در روی یك دماغه‌ی سنگی‌ای که تا مسافتی‌دردریا پیش میرفت، بناشده بود و در قرن سوم پیش از میلاد، بندر اصلی تجارت در تمامی دریای مدیترانه‌ی غربی بشمار می‌آمد. در لنگرگاه عمیق و مناسب کارتاژ، کشتی‌هائی که از مصر، یونان، اسپانیا وسایر کشورهای واقع درحوضه‌ی مدیترانه می‌آمدند، تخلیه و بارگیری می‌شدند. درسواحل کارتاژ انبارهای بزرگی پر از کالاهای گوناگون و نیز تعمیرگاه‌های کشتی قرار داشت.

کارتاژ پر از برده بود. بردگان‌درکشتی‌ها پارومیزدند، کیسه‌ها و محمولات سنگین را تخلیه و بارگیری می‌کردند، و در حالیکه یك زنجیر چندتن از ایشان را بهم می‌پیوست، در مزارع و تاکستان‌ها، مشغول بکار بودند.

کارتاژ دارای نیرومندترین ناوگان دریای مدیترانه بود. دریانوردان کارتاژ به‌کشتی‌هائی که از آن حول وحوش می‌گذشتند، حمله میکردند و به‌روستاهای ساحلی یورش می‌بردند و مردم را برای فروش در بازار بردگان اسیر می‌کردند.

دیوارهائی محکم و سنگی که دارای برج‌هائی برای مراقبت بودند،شهررا از گزند دیگران محفوظ میداشتند. کارتاژ سپاه‌نیرومندی

در اختیار داشت که بطور کلی از افراد مزدور[1] تشکیل میشد.



تصویر شماره‌ی ۶

دماغه‌ای که کارتاژ در دوران‌های باستان روی آن احداث شده بود.

اهالی کارتاژ املاك وسیعی را درنواحی ساحلی و در جزایر دریای مدیترانه تصاحب کرده بودند. (روی نقشه ـ تصویر شماره‌ی۷ متصرفات کارتاژ را در نیمه‌ی اول‌قرن سوم پیش از میلاد، پیدا کنید).

کارتاژ که ثروتی عظیم وسپاهی نیرومند دراختیار داشت،رقیب ـ خطرناکی برای روم بشمار می‌آمد.

۳ـ سپاه روم در قرن سوم پیش ازمیلاد

ارتش روم، برخلاف نیروی نظامی کارتاژ، بطور کلی از

1- Mercenary

تصویر- نقشه‌ی‌شماره‌ی ۷

آغاز مبارزهٔ بین رم و کارتاژ به‌خاطر تسلط بر مدیترانه‌ی غربی. فلش‌های بزرگ در نقشه، برنامه‌های توسعه‌طلبانه‌ی دو اشغالگر بزرگ - روم و کارتاژ - را نشان می‌دهند.

دهقانانی تشکیل می‌شد که به‌خدمت وظیفه‌ی‌سربازی، احضار میشدند. در روم، فقط کسانی حق داشتند وارد ارتش شوند که از خود دارای قطعه زمینی بودند.

ارتش روم به‌لژیون[1]هائی تقسیم می‌شد که در هر کدام ۴۵۰۰ سپاهی خدمت می‌کرد. هرلژیونی نیز به‌چندین واحد کوچکتر تقسیم

1- Legion

می‌شد. این واحدها نه‌تنها قادر بودند درزمین هموار، بلکه در کوه‌ها و جنگل‌ها ومعابر شهرها نیز بجنگند (بخاطر آورید فالانژهای یونانی درچه نقاطی قادر به‌جنگ بودند و درچه نقاطی قادر نبودند).

نبرد را سپاهیان سبك‌اسلحه (تصویر شماره‌ی۸) آغاز مینمودند. آنها ضمن تیراندازی با کمان و پرتاب سنگ و نیزه بـرروی دشمن، می‌کوشیدند صفوف آن را بهم بزنند. سپس عقب مـی‌نشستند، میدان را برای حمله‌ی سپاهیان سنگین اسلحه خالی می‌کردند.



سپاهیان جمهوری روم (از راست به‌چپ) ۱ـ سپاهی سبک اسلحه
۲ـ لژیونر سنگین اسلحه ۳ـ سواره نظام

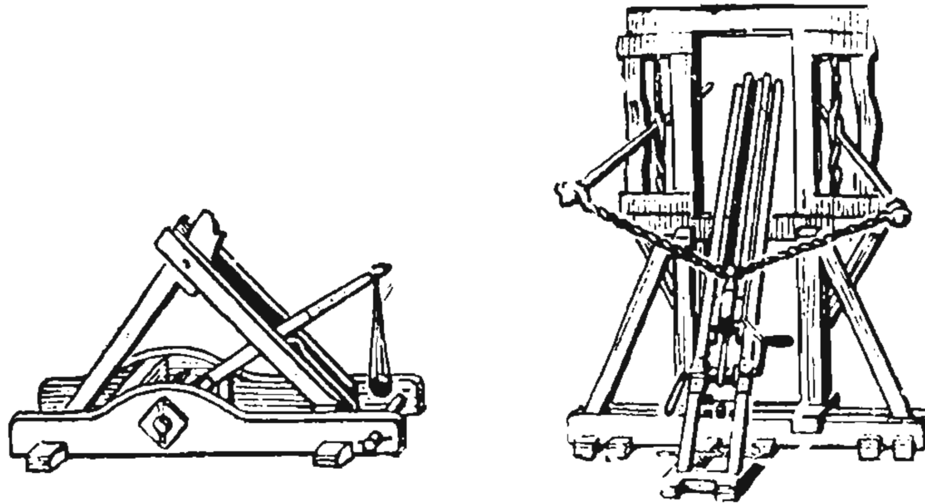
سربازان پیاده‌ی سنگین اسلحه ـ نیروی اصلی لژیون راتشکیل می‌دادند.

لژیونرها درحالیکه بارانی از نیزه برروی دشمن میباریـدنـد، بسرعت با شمشیرهای آخته، به‌آن حمله می‌کردند. شمشیرهای کوتاه آنها درنبردهای تن به‌تن بلای مهلکی بود.

اسواران‌ها در موقع جنگ، پیاده نظام را از جناحین حفاظت می‌کردند و در موقع پیروزی، دشمن درهم‌شکسته‌ی پابه‌گریزراتقعیب

مینمودند.

رومیان دارای منجنیق‌هائی بـرای پرتاب سنگ و نیزه و تیر و سلاح‌های دیگری برای محاصره‌ی قلعه‌ها بودند. (تصویرهای شماره ۹ و ۱۲)



تصویر شماره‌ی ۹

منجنیق. از این وسیله در موقع دفاع و محاصره‌ی دژها استفاده می‌شد. آن‌ها را در کشتی‌ها نیز نصب می‌کردند. برای انتقال منجنیق‌ها از جایی‌به‌جای دیگر، از حیوانات که آن‌ها را می‌کشیدند، استفاده می‌شد.

۴ـ پیروزی در نخستین جنگ‌پانیک[1]

درسال ۲۶۴ قبل از میلاد بود که ارتش روم به‌سیسیل یـورش برد. بین‌روم و کارتاژ جنگ شروع شد و کارتاژ شکست خـورد. از آن جهت که رومی‌ها، اهالی کارتاژ را پانیک‌ها می‌نامیدند، این‌جنگ به‌نبرد پانیک مشهور شد.

لژیونرهای رومـی، معمولا در خشکی، سپاه کارتاژ را درهـم

1- Punic

می‌شکستند، ولی کارتاژها در دریا مسلط بودند.

رومی‌ها مخفیانه پل‌های متحرکی را که دارای قلاب‌های تیزی بودند، در کشتی‌های خود نصب میکردند. به‌اینگونه پل‌ها «راون[1]» می‌گفتند. بدینسان رومی‌ها چون کشتی‌های دشمن نزدیک می‌شدند، پل‌ها را بسوی عرشه‌ی کشتی‌ها پرتاب کرده و قلاب پل به‌بدنه‌ی کشتی گیر میکرد و آنگاه سپاهیان رومی از طریق پل، بدرون کشتی‌های دشمن یورش می‌بردند. در عرشه‌ی کشتی خصم، جنگ تن به‌تن وحشتناکی درمیگرفت. بدین‌ترتیب بود که کارتاژها در دریا نیزچندبار با شکست روبرو شدند.

رم در نخستین جنگ پانیك، که بیش ازبیست‌سال طول کشید، پیروز شد و جزیره‌ی سیسیل و جزایر ساردین[2] و کورسیکا[3] رابه‌اشغال درآورد، ولی نیروهای کارتاژ بطور قطعی درهم شکسته نشدند. هردو دشمن درخفا خود را برای مصاف جدیدی آماده می‌کردند.

پرسش و تمرین:

۱ـ روی نقشه‌ـ تصویر شماره‌ی ۷، آن قسمت از اراضی‌ای که کارتاژ در نتیجه‌ی جنگ پانیک از دست داد، و نیز آن قسمت از اراضی‌ای را که پس از جنگ به‌اشغال درآورد، نشان بدهید.

۲ـ علل نخستین جنگ پانیک را بگویید؟

۳ـ ارتش کارتاژ چه تفاوتی با ارتش روم داشت؟

۴ـ تفاوت یک لژیون با یک فالانژ چه بود؟

بند چهارم

دومین جنگ پانیك

(به‌نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰ و نقشه - تصویر شماره ی ۱۴ توجه کنید).

۱- آغاز نبرد

کارتاژها ضمن تدارك نبرد با روم، ارتشی بـزرگ در اسپانیا فراهم‌آوردند. هانیبال[1] جوان - سردار سپاه-براین ارتش فرماندهی میکرد. او ازهمان دوران کودکی سوگند یادکرده بودکه همیشه‌نسبت به‌رم نفرت بورزد. استعداد نظامی ودلاوریش حتی زبانزد رومیان‌بود. (به‌تصویر و ضمیمه‌ی این بند توجه‌کنید). هانیبال مردی بود سنگدل وپرانرژی. مزدوران را وادارمیکردکه بدون چون وچرا ازوی‌اطاعت کنند.

اشغال اراضی اسپانیا توسط کارتاژ بهانه‌ای شد بـرای رومیان به‌منظور آغازیدن جنگ. درسال ۲۱۸ قبل از میلاد بودکه نماینده‌ای در سنا، بنام رم، آغاز جنگ با کارتاژ را اعلام کرد. بدینسان،دومین

1- Hannibal

جنگ پانیك شروع شد.

۲ـ حملهی هانیبال بهایتالیا

کنسولهای رمخود را برای گسیل داشتن قوا بهاسپانیا و آفریقا آماده کرده بودند. ولی هانیبال پیشدستی نمود و با یورش به ایتالیا، آنها را غافلگیر کرد.

سپاه کارتاژ موفق شد بههنگام پائیز از کوههای آلپ بگذرد، افراد مجبور بودند از کوره راههای یخبستهی کوهستانی عبور کنند. اسبها وسپاهیان بهپرتگاهها سقوط می کردند. بدانسان که وقتعبور از آلپ، نیمی از سپاه کارتاژ نابود شد.

آنچه ازسپاه هانیبال باقی ماند، بهدشت حاصلخیز رودخانهی «پو[1]» در ایتالیای شمالی رسید.

در اینجا قوم گال[2] زندگی می کرد که کمی پیشتر، بهاطاعت ازروم وادار شده بود. پس گالها بههانیبال پیوستند. واین امرموجب شد که سپاه ناتوان شدهی او، تقویت شود.

کارتاژدرچندنبرد خونین، لشکریان رمرا که بهمصافش فرستاده شده بودند، سرکوب کرد.

هانیبال با سپاهش تمام شمال ایتالیا را درنوردید، و در حالیکه با بیرحمی تمام اکثر نواحی را بهویرانهای مبدل میکرد، بهجنوب ایتالیا رسید. سپاه کارتاژ خانهها را آتش میزد، باغها و تاکستانهارا ریشه کن می کرد، مزارع را لگدمال مینمود و احشام را با تیر از پای

1- Po 2- Gaul

در می‌آورد.



تصویر شماره‌ی ۱۰

هانیبال

مجسمه ـ نیم تنه‌ی رومی

۳ـ جنگ کان[1]

در سال ۲۱۶ قبل ازمیلاد، در حومه‌ی روستائی بنام کان ارتش های خصم بهم رسیدند. ارتش رم از ۸۰ هزار پیاده و ۶ هزار سواره تشکیل می‌شد.

کارتاژها فقط ۴۰ هزارپیاده دراختیار داشتند، اما ازلحاظ‌سواره نظام برتر بودند: ۱۴ هزارنفر.

کنسول‌های رم می‌خـواستند با یك یورش سریع واحـدهای بیشمار پیاده‌نظام خود، دشمن را درهم شکنند. آنها پیاده نظام خویش را بشکل مربع‌های عظیمی‌آرایش داده بودند واسواران‌ها ازجناحین پیاده دفاع می‌کردند. (جریان نبرد در نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰ ترسیم شده است).

هانیبال‌به‌حدس، نیت رومیان‌را دریافت. او میدانست که‌سپاهش نمی‌تواند در مقابل این یورش‌ایستادگی کند، ولی این را نیزمیدانست که پیاده‌نظام رومی، اگرمجبور به‌دفاع از جناحین وپشت جبهه‌ی‌خود بشود، قادر به‌تجدید سازمان سریع نیست.

هانیبال نقشه‌ی جسورانه‌ای طرح کرد: محاصره‌ی ارتش رم. او تعدادی از افراد پیاده نظام خـود را به‌مقابله با دشمن فـرستاد، در جناحین بهترین واحدهای پیاده و سوار خود را مستقر نمود.

تمام توده‌ی عظیم‌پیاده‌نظام رم، بطور تهدیدآمیزی پیش‌می‌آمد. گال‌ها که در مرکز سپاه کارتاژ قرار گرفته بودند ، تحت فشار پیاده‌ـ نظام رم، مشغول عقب‌نشینی شدند. پیاده‌نظام رم سینه‌ی سپاه کارتاژ را شکاف داد، و با این‌کار جناحین خود را خالی‌کرد. درهمین هنگام‌بود

1- Cannae

که واحدهای گـزیده‌ی کارتاژ به پیاده‌نظام رم حمله کـردند. ضمناً همزمان با ایـن حمله، اسواران‌های کارتاژ نیز سواره‌نظام روم را پراکندند و از پشت جبهه به‌پیاده‌ی آن یورش آوردند.

رومی‌ها مجبور به‌عقب‌نشینی شدنـد. صفوف منظم آن‌ها درهم ریخت، لشکر به‌توده‌ی به‌نظم و ترتیبی مبدل شد که درحلقه‌ی‌محاصره‌ی دشمن اسیر شده بود. قتل‌عام بی‌رحمانه‌ی رومیان آغاز شد. کارتاژ قریب ۷۰ هزار سپاهی را نیز اسیر کرد.

۴ـ جنگ فرساینده

پس از پیروزی سپاه کارتاژ در حومه‌ی کان، بخشی ازشهرهای ایتالیا جانب کارتاژ را گرفت. وضع رم بسیار وخیم شد، لیکن هنوز نیروی عظیمی در اختیار داشت.

رومیان تمامی مردانی را که به‌درد خدمت می‌خوردند، به‌ارتش احضار کردند. قریب ۲۵۰ هزار سپاهی گرد آمد. دهقانان که ازیورش بی‌رحمانـه‌ی هانیبال رنج می‌کشیدند، با میل و رغبت میرفتند تا بـا کارتاژ بجنگند.

اینک سپاه کارتاژ به‌رم نزدیك شده بود ولی هانیبال آن‌چنان نیروئی دراختیار نداشت تا شهر را محاصره کند و به‌رم که با دژها و دیوارهای بلند درمیان گرفته شده بود، یورش برد؛ پس بسوی جنوب ایتالیا عقب‌نشینی کرد.

هانیبال پیشنهاد کرد مذاکرات صلح بعمل آید، ولی سنای رم حتی حاضر نشد سخنان نماینده‌ی او را بشنود.

رومیان مـردانه، لیکن با احتیاط وارد عمل شدند. آن‌هـا از نبردهای پردامنه و بزرگ اجتناب میکردند. به‌واحدهای کوچک دشمن حمله مینمودند و شهرهائی را که ازجانب کارتاژ گـرفته بودند، به‌محاصره میکشیدند. این جنگ فرساینده، برای هانیبال کشنده بـود. او تقریباً هیچ قوای کمکی‌ای از کارتاژ دریافت نمی کرد و درعین‌حال، همچنانکه رم نیروئی فزون‌تر کسب مینمود، نیروی سپاه کارتاژ سال‌به‌سال بیشتر از پیش تحلیل میرفت.



تصویر شماره‌ی ۱۱

نقشه‌ی دومین و سومین جنگ پانیک

۵- نبرد نهائی

دوازده سال پس از جنگ کان، رومیان بقدری نیرومند شده بودند که تصمیم گرفتند ارتشی به‌آفریقا گسیل دارند. اگرچه‌هانیبال حتی با یك شکست هم روبرو نشده بود، ولی مجبور بود ایتالیا را ترك‌کرده و برای دفاع از کارتاژ بشتابد.

نزدیك شهر زاما[1] جنگ بزرگی در گرفت. این رومیان بودند که از لحاظ سواره‌نظام برتری داشتند.

در موقع جنگ بین پیاده‌ی روم و کارتاژ، اسواران‌های رومی از پشت جبهه به‌کارتاژها یورش‌آورده و ارتش هانیبال‌درهم‌شکست.

کارتاژ نتوانست قوای جدیدی برای ادامه‌ی نبرد گردآورد. در سال ۲۰۱ قبل از میلاد جنگ بطور نهائی خاتمه یافت. کارتاژمجبور شد ناوگان خود را به‌رم بدهد، غرامت کلانی به‌آن بپردازد، و تقریباً از کلیه‌ی متصرفات خویش چشم‌پوشی کند.

دهقانان رومی که صفوف ارتش روم را پرمیکردند، و مردانه با دشمن می‌جنگیدند، در پیروزی رم نقش قاطعی بعهده داشتند.

نظر یك مورخ باستانی روم راجع به‌هانیبال

مورخ رومی به‌کدام یک از صفات بد و خوب هانیبال اشاره می‌کند؟

به‌همان اندازه که هانیبال شجاع بود و تن به خطر می‌داد، به‌همان اندازه نیزدرمواقع خطر محتاط بود. کاری وجود نداشت که بدان دست زند و از آن

1- Zama

خسته شود و یا سرسری انجامش دهد. چه تابستان و چه‌زمستان یك تن‌پوش ساده میپوشید. از رختخواب نرم‌پرهیزمیکرد وبا همان لباس رزم، درمیان‌سپاهیان نگهبان‌می‌خفت.اولین‌نفری‌بودکه بمیدان نبرد می‌رفت و آخرین نفری‌بودکه میدان را ترك می‌گفت. سپاهیان تحت فرماندهی هیچ سردار دیگری بجز هانیبال‌نمی‌توانستند تابدین حد اعتماد به‌نفس داشته باشند و از خود شجاعت بی‌نظیر نشان بدهند. ولی او خصال وحشتناکی هم داشت: بیرحمی وقصاوتش تا حد غیرانسانی اوج می‌گرفت و عهدشکنی‌اش، بی‌وفائی مشهور اهالی کارتاژ را تحت‌الشعاع قرار میداد.

پرسش و تمرین:

۱ـ روی نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰ راهی که سپاه هانیبال در سال ۲۱۶ ـ ۲۱۸ قبل از میلاد نمود و نیز محل دو نبرد اصلی جنگ دوم پانیک را مشخص کنید.

۲ـ علت پیروزی رم بر کارتاژ چه بود؟

۳ـ داستانی درمورد جنگ کان با استفاده از نقشه‌ی عملیات رزمی تهیه و تنظیم نمایید.

۴ـ دومین جنگ پانیک چند سال پیش شروع شد، چند سال پیش پایان یافت؟ قبلاً چه حوادثی صورت گرفته بود؟ دومین جنگ پانیک یا لشکرکشی اسکندر مقدونی به‌آسیا؟ فاصله‌ی زمانی این دو واقعه را بیان کنید.

بند پنجم

متصرفات و پیروزیهای روم در قرن دوم پیش ازمیلاد

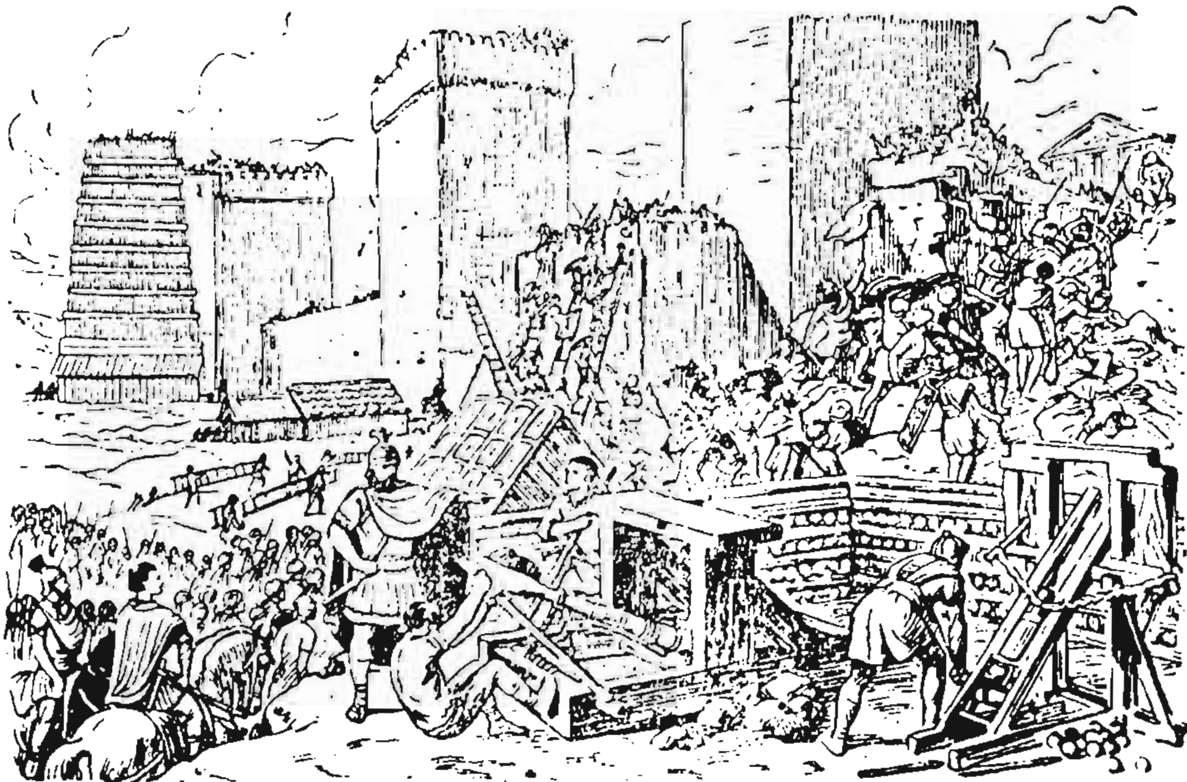
بخاطر آورید: پس از سقوط حکـومت اسکندر مقدونی چـه دولت‌هائی بوجود آمدند؟ (بند ۱۹، ماده ۵. جلددوم، نقشه‌شماره۸). پیاده نظام مقدونی چگـونه مسلح می‌شد و درنبرد چگونه صف‌آرائی می‌کرد؟ (بند ۱۸، ماده ۵: جلد دوم).

۱- ویرانی کارتاژ

پس از دومین جنگ پُ‌نیك، روم حاکمیت مطلق خویش را بر - مدیترانه‌ی غربی استوار ساخت. دیگر کارتاژ قدرتی نبود کـه رم را تهدیدکند، چرا که هم ناوگانش را از کف داده بود وهم ارتشش‌را. با وجود این کارتاژ همچنان دادوستد دریائی وسیعی داشت و بیشتر

ثروتش را برای خود، حفظ کرده بود. آریستوکـرات‌ها و تجار رم، بر آن بودند که شهر کارتاژ را که چشم دیـدنش را نداشتند، نابـود کنند و ثروتش را بالا کشند.

در اواسط قرن دوم پیش از میلاد بود که لشکرهای رم‌باردیگر در آفریقا پیاده شدند و کارتاژ را به‌محاصره کشیدند. اگرچه نیروی



تصویر شماره‌ی ۱۲

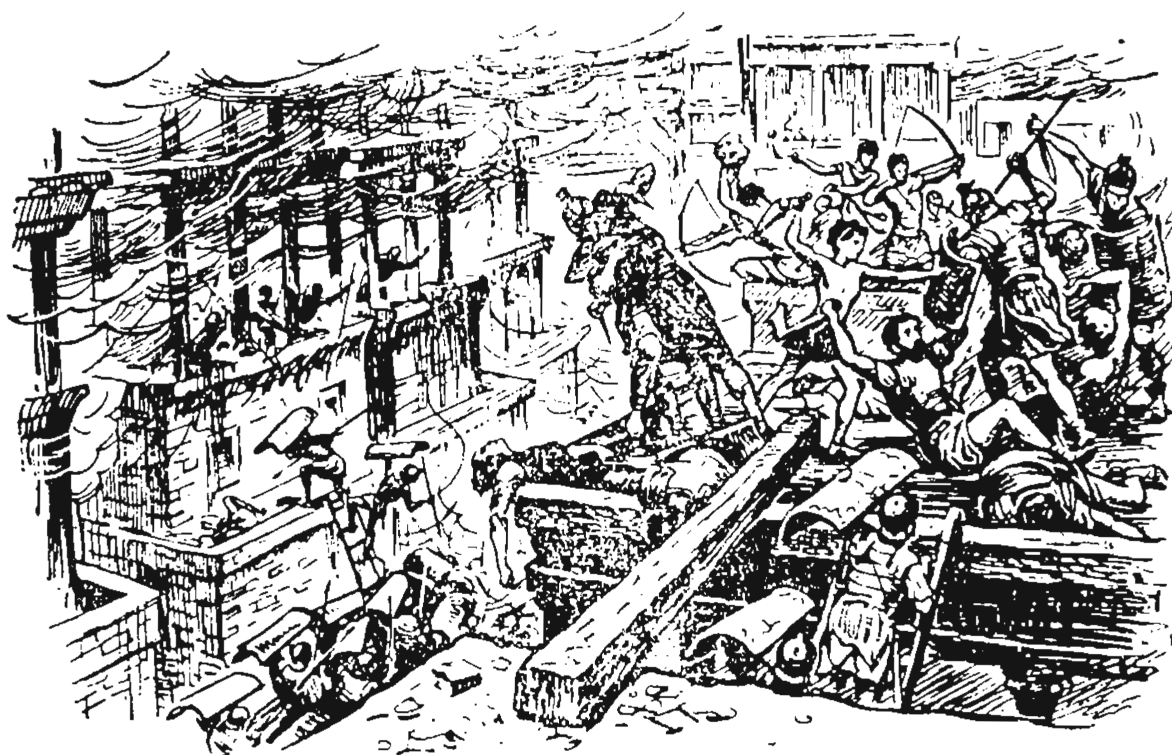
در قسمت جلو، منجنیق‌ها دیده می‌شوند. بخشی از دیوار دژ به‌وسیله‌ی منجنیق ویران شده. در شکاف دیوار، جنگ بی‌امانی جریان دارد. طرف چپ منجنیق‌ها، «لاک‌پشت‌شان» ـ سپاهیانی دیده می‌شوند که با سپرها دیواری در مقابل خود ساخته و دیگر افراد تحت حمایت ایشان، یورش می‌برند. محاصره کنندگان به‌وسیله‌ی منجنیق برج را ویران می‌کنند. از دور، یک برج مخصوص تخته‌ای که روی چرخ حرکت داده می‌شود و با ورقه‌های فلزی پوشیده شده، به‌چشم می‌خورد. این برج را به‌دیوار دژها نزدیک می‌کردند و به‌وسیله‌ی پل‌های متحرک می‌کوشیدند که بدان راه یابند.

کارتاژ بمراتب کمتر بود، ولی هرچه که بود، قاطعانه عزم داشت‌از زادوبوم خویش دفاع کند.

دردوجنگ نخستین پانیك،رم وکارتاژ، هردوخصلتی‌اشغالگرانه داشتند: آنها می‌کوشیدند که اراضی دیگران را تصاحب کنند.

در سومین‌جنگ پانیك، اهالی‌کارتاژ از میهن زادگاهی‌خویش، از استقلال خود دفاع می‌کردند. برای آنها، این جنگ ـ یك جنگ عادلانه بود.

پس محاصره‌ی کارتاژ، سه‌سال طـول کشید. اهالی محاصـره



تصویرشماره‌ی ۱۳

در قسمت جلو، سمت راست، نبرد بر بام خانه‌ای ادامه دارد. خانه‌های شهر چنان تنگ بغل هم ساخته می‌شدند که رومی‌ها می‌توانستند از بامی به‌بام دیگر ببرند. طرف چپ، سپاهیان رومی به‌خانه‌ای یورش می‌برند. مدافعان خانه اگر چه شعله‌های حریق به‌آن‌ها نزدیک می‌شود باز هم دست از مقاومت برنمی دارند.

شده سلاح‌ها ساخته،دیوارهای دژرا تعمیرنموده، از دژ دفاع میکردند. زنها گیسوان بلند خویش را چیده بودند تا برای بکاربردن در منجنیق، مورد استفاده‌ی سپاهیان کارتاژ قرار گیرد.

تنها پس از آن که اهالی کارتاژ از شدت گرسنگی و بیماری ضعیف شدند، رومیان توانستند به‌دژ رخنه کنند. آن‌ها شهر رابه‌آتش کشیدند. ولی مدافعان شهر، در پشت‌بام‌ها و در خیابان و معابر نیز که سرشار از دود حریق بود، به‌نبرد و مقاومت ادامه می‌دادند. نبرد در شهر تقریباً یك هفته دوام یافت. حتی شب‌ها نیز جنگ قطع نمی‌شد: دو دشمن، در نور تند بناهای شعله‌ور، به‌جنگ ادامه می‌دادند.

طبق تصویبنامه‌ی سنای رم، کارتاژ می‌بایست از عرصه‌ی خاك پاك شود: بدین جهت رومیان در موقع یورش به‌کارتاژ، بناهارا نابود کرده و ۵۰ هزار نفر از اهالی شهر را به‌بردگی گرفتند.

۲- پیروزی ومتصرفات روم در مدیترانه‌ی شرقی

رومیان که از حاکمیت مطلق خود برمدیترانه‌ی غربی راضی نشده بودند، به‌شبه‌جزیره‌ی بالکان یورش آوردند.

لژیونهای رومی در یك نبرد سرنوشت با فالانژهای مقدونی درگیر شدند. شاهدان این نبرد، آن را «جانور وحشتناکی» توصیف کرده‌اند «که موی بدن انسان را سیخ‌میکرد.» فالانژها شروع به درهم فشردن لژیونرهای رومی کردند. ولی در موقع حمله،آرایش آنهابهم ریخت وبدین ترتیب رومیان‌توانستند درصفوفشان رخنه‌کنند. نیزه‌های بلند مقدونی‌ها بلااستفاده ماند و فالانژها درهم شکسته شدند.

پس از ایـن نبرد، رومیان دولت نیرومند مقدونی را خـرد کردند و سپس، در اواسط قرن دوم پیش از میلاد، یـونان را تصرف کردند.

پیشروی رومیان‌بسوی‌خاور، منجربه‌برخورد بین آنها وحکومت پادشاهی سوریه، که خود از بزرگترین دول مدیترانه‌ی شرقی بـود، گردید. هنوز مقدونیه بطور کامل به‌تسخیر رومیان در نیامده بود که جنگ بین روم و سوریه در گرفت.

پادشاه سوریه ارتش عظیمی در اختیار داشت، که افرادش را ملل‌به‌انقیاد در آمده‌ی سوریه تشکیل می‌دادند. این ارتش کلان، ارتشی بود نامنظم که افرادش بزبان‌های گوناگـون سخن مـی‌گفتند. سپاه سوریه در نبرد با رومیان، تارومار شد. شاه سوریه به‌موجـودی مبدل شد که بدون اجازه‌ی رم آب هم نمی‌خورد. بزودی حکومت‌پادشاهی سوریه خرد گردید، و به‌چند حکومت کوچکتر تقسیم شد. دراواسط قرن دوم پیش از میلاد بود که رم حاکمیت خود را بسان مـدیترانه‌ی غربی، برمدیترانه‌ی شرقی مستقر ساخت.

۳ـ غارت کشورهای شکست‌خورده

رومیان با بی‌رحمی تمام کشورهای شکست خـورده را غارت میکردند. سردار سپاهی که شهری را می گرفت، معمولا آن را بـرای چپاول در اختیار سپاهیانش قرار میداد. بخشی از غنایم غارت شده به خزانه‌ی روم سرازیر می‌شد ومابقی بین فرماندهان وسپاهیان تقسیم‌می‌گردید.

اسیران نیزغنیمت جنگی بحساب می آمدند. بدین سبب، بدنبال ارتش، تجار برده نیز وارد می‌شدند تا مردم اسیر را برای فروش در بازار برده فروشان، خریداری کنند. تنها پس ازیکی از اردوکشی‌های رومیان، ۱۵۰ هزار اسیر، بعنوان برده، فروخته شدند.

کشورهائی که بوسیله‌ی رم اشغال میشدند، **ایالت**[۱] نام میگرفتند. این ایالات بوسیله‌ی **حاکم**[۲] اداره می‌شد، حکام نیز از میان اشراف رومی بوسیله سنای رم منصوب میگردیدند. حکام در این ایالات از اختیارات نامحدود برخوردار بودند.

رومیان، معادن‌ومؤسسات استخراج نمك و تعمیرگاه‌های کشتی و جنگل‌ها و بهترین اراضی قابل شخم ومراتع ایالات را برای خود برمیداشتند. آنها سکنه‌ی ایالات را وادار می‌کردند که مالیات‌های کلانی بپردازند.

کسانی که قادر به‌پرداخت مالیات نبودند، با تمامی افراد خانواده‌شان به‌بردگی رومیان گرفته میشدند.

۴ـ تری یومف[۳]

غنایمی که از راه غارت حاصل میشد، بهنگام تری‌یومف در معابر رم به‌نمایش در می‌آمد، تری یومف به‌معنای ورود رسمی و با شکوه سرداری به‌رم، پس از پیروزی در جنگ بود. سردار پیروز، سوار بر ارابه‌ای که چهار اسب سفید آن را می‌کشیدند، وارد شهر می‌گردید. سردار لباسی سرخ برتن، تاج گلی برسر و عصائی کوتاه

1- Province 2- Praetor 3- Triumph

بدست داشت که از عاج فیل درست شده و مجسمه‌ی کوچك عقابی سر آن را تزئین مینمود. پیشاپیش سردار پیروز، غنایم با ارزش‌تـر را که در جنگ، از راه چپاول حاصل شده بود، حمل میکردند واشراف‌زادگان اسیر را در زنجیر، میبردند. درمیان اسیران، زن‌ها و کودکان نیز مشاهده می‌شدند.

***

دولت برده‌دار روم، که ارتش نیرومند وناوگانی قوی دراختیار داشت، تقریباً در تمامی مدت موجودیت خود، سرگرم جنگهای اشغال‌گرانه ـ غارتگرانه بود. مخصوصاً این برده‌داران بودندکه از جنگها نفع می‌بردند و با استفاده از سیلاب پیوسته جاری بردگان جـدیـد، ثروت خود را فزون‌تر می‌کردند: گاهی از طریق استفاده از بـردگان جدید بجای بردگان مرده وزمانی ازطریق استفاده از آنها برای‌وسعت دادن مزارع و اقتصاد خویش.

شرح پلوتارخ درمورد تری‌یومف پس از پیـروزی روم بـر مقدونیه

برمبنای شرح ذیل، هدف‌های رومیان را از عملیات جنگی چگونه ترسیم می‌نمایند؟

مردم، تمام معابر، هرجائی را کـه می‌شد از آن‌جا مراسم را دید، پرکرده بودند.
روز اول، از صبح تا غروب، مجسمه‌ها و تابلوهائی را بوسیله‌ی دویست وپنجاه کالسکه می‌آوردندکه به‌غنیمت گرفته شده بود.
روز بعد، ارابه‌های بیشماری در حرکت بودند کـه

زیباترین و گرانبهاترین سلاح‌های مقدونـی را حمل مینمودند. سلاحهاکه فقط از مس وآهن درست‌شده بودند، میدرخشیدند. تـوده‌ی شمشیرها و نیزه‌هـای مقدونی، موی‌تن‌انسان را سیخ‌میکرد. پس از عرابه ـ های حامل سلاح، سه‌هزار نفر سکه‌های نقره را کـه در هفتصد و پنجاه ظـرف ریخته شـده بـود، حمل مینمودند. هرظرفی را چهار باربر بلندکرده بودند. بدنبال این گروه، گـروه دیگری جام‌ها و سبوهای نقره‌ای را می‌بردند.

روز سوم، همینکه هواروشن‌می‌شد، شیپورچی‌ها، در حالیکه آهنگهای رزم می‌نواختند، به‌خیابان و معابر ریختند.

رومیان با همین آهنگها بـه‌جنگ می‌رفتند، بدنبال شیپورچیان ۱۲۰ گاو نر را کـه شاخ‌هایشان آراسته بود، می‌بردند تا قربانی کنند. بعد در ۷۷ ظرف که به‌بزرگی‌ظروف دیروزبود، سکه‌های طلاحمل میشد. سپس مردانی عبورمی‌کردندکه ظروف طلائی دربار مقدونیه ـ سبوهای ساخته شده‌ازطلای ناب رابروی سرداشتند.

این سبوها با سنگهای قیمتی تزلین شده بودند. بعد کالسکه‌ی خالی شاه،سلاح شخصی او برده میشد.

کمی دورتر ازکالسکه،کودکان شاه ـ دوپسربچه‌ویك دخترکوچولودرحرکت بودند. بقدری آنها کوچك بودندکه هنوزمصیبت‌وحشتناکی‌را که بر ایشان‌نازل شده بود، در نمی‌یافتند. پشت سرآنها خـودشاه، در لباسی‌تیره،گام برمیداشت. ازشدت غمی‌که‌سراپایش را درنوردیده بود،گوئی عقلش را ازکف‌داده‌است. بعد از شاه، چهارصد تاج طلا، که ازطـرف شهرهای دیگر روم بمناسبت پیروزی سردار بوی هـدیه شده

بود، حمل میگردید. خودسردار هم با یك ارابه‌ی با شکوه در حرکت بود و تمام افراد سپاهش، شاخه‌ی درخت غان بدست و ترانه‌خوان، بدنبالش روان بودند.

پرسش و تمرین:

۱ـ به‌طور کلی، سومین جنگ پانیک چه تفاوتی با دو جنگ دیگر داشت؟ احساس خود را از خواندن شرح جنگ سوم بیان کنید. آیا احساس عمخواری می‌نمایید؟ چرا چنین احساسی دارید؟

۲ـ روی نقشه‌ی شماره ۱۰، اراضی اشغالی روم را تا سال ۷۳ قبل از میلاد پیدا نمایید. چرا روم این همه جنگ می‌کرد؟

۳ـ به‌چه چیزی ایالت می‌گفتند؟ وضع ایالات از چه قرار بود؟

۴ـ کدام یک از دولت‌ها که در موقع سقوط اسکندر مقدونی تشکیل شـده بود، توسط رم از بین رفت و یا وابسته به‌آن شد.

بند ششم

برده‌داری در روم قرن دوم پیش از میلاد

بخاطر آورید: چگونه دریونان باستان مردم به‌برده تبدیل می‌شدند؟ (بند ۱۲، ماده ۲ جلد دوم). بردگان دریونان به‌چه کارهائی مشغول بودند؟ (بند ۱۲، ماده ۳ جلد دوم).

۱ - ثروتمندشدن برده‌داران روم

قسمت اعظم ثروتی را که رومیان از راه غارت کشورهای شکست‌خورده بدست می‌آوردند، برده‌داران تصاحب می‌کردند. آنها اراضی ملت‌های شکست‌خورده‌ومعادن‌آنها را تصرف می‌کردند.وقتی که سرداری از جنگ باز می‌گشت، ثروتمندی به‌تمام بود. حکام رم در ایالات می‌توانستند ظرف ۳-۴ سالی که مأموریت داشتند، ثروت کلانی از راه غارت، ذخیره کنند. تجار رومی نیز با تجارت برده جیب خود را می‌انباشتند، در بازار اصلی برده فروشان که در یکی

از جزایر دریای اژه واقع بود، روزانه تا ۱۰ هـزار انسان، بفـروش می‌رفت.

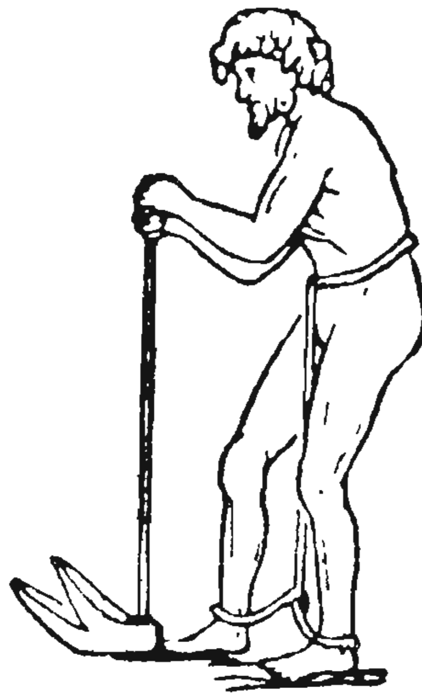
۲ـ کار بردگان شالوده‌ی اقتصاد رم

در قرن دوم پیش از میلاد، ابزار کار در معادن ومزارع وکشتی ها بسیار ابتدائی بود. آدم تعلیم ندیده‌ای نیز می‌توانست با این ابزار کار کند. این امر امکان می‌داد که بطور وسیعی از نیروی کاربردگان استفاده شود.

قریب ۵۰ هزار برده در معادن نقره بکار اشتغال داشتند. ۱۵۰ الی ۲۰۰ برده در هریك از کشتی‌های بزرگ پارو می‌زدند. هریك از پاروها را ۵ الی ۶ نفر به‌حرکت در می‌آورد. علاوه براین، بـردگان در فعالیت کارگاه‌ها و ساختمان‌ها و جاده سازیها نیز شرکت داشتند. در روم، برخلاف شرق و یونان باستان، تعداد بسیاری از بردگان بـه‌کار کشت و زرع مشغول بودند، بـردگان زمین را با گاوآهـن‌های سنگین شخم می‌زدند، با بیل و کلنگ کلوخ را خرد می‌کردند و با آسیاهـای دستی گندم را آرد می‌نمودند و شیره‌ی انگـور را می - گرفتند.

۳ـ زندگی بردگان

بـردگان از صبح تا شب کار می‌کردند. اگـر کاری برای انجام دادن نبود، مباشر ملك، مشغله‌ی دیگری برای آنها می‌تراشید تا فرصت نیابند با هم صحبت کنند. گاهی بر گردن بردگانی که گندم



تصویرشماره‌ی ۱۴

برده‌داری در مزرعه با کلنگ

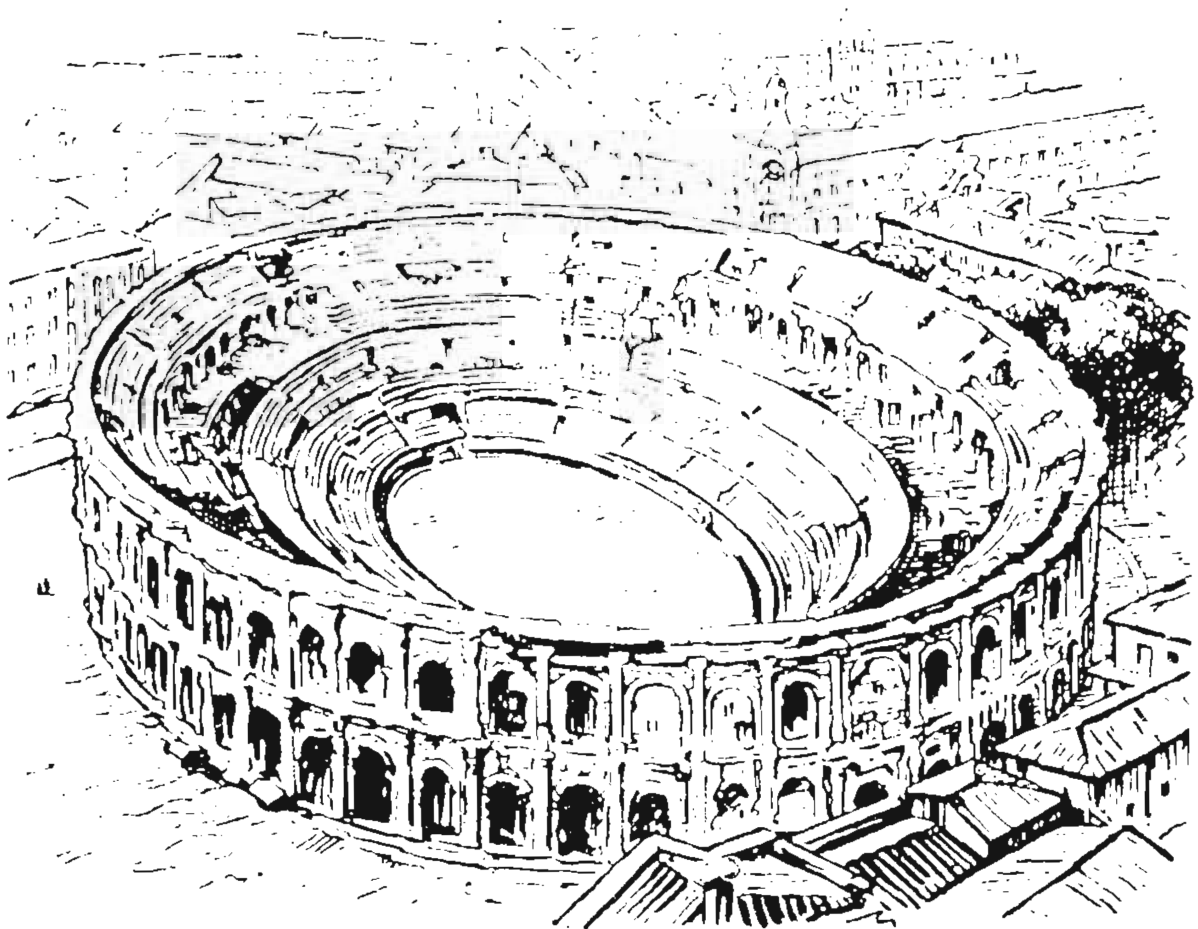
را آرد می کردند، قلاده‌ای چوبی میزدند تا برده‌ی گرسنه نتواند دهان خود را به آرد گندم نزدیك کنند. ارباب سالی یك تن‌پوش به‌برده‌میداد و تا موعد دادن یك تن‌پوش دیگر، تن‌پوش قبلی به کهنه پاره‌ای مبدل شده بود. ولی‌حتی این جل‌وپلاس هم به‌برده‌تعلق نداشت: از آن‌برای درست کردن لحاف چهل‌تکه، استفاده می‌شد.

شبها بردگان را در سیاه‌چال‌هائی که روزنه‌ای کوچك داشت و بلندی سقفش به‌قد یك آدم میرسید، زندانی می کردنــد. بسیاری از بردگان درغل‌وزنجیرهای سنگین کار کرده ومی‌خفتند، غل‌وزنجیرهائی که پوست بدنشان را میسائید و زخمی می کرد.

بدان جهت که بردگان، بسیارارزان فروخته می‌شدند، برده‌داران

تا سرحد مرگ از آنها کار می‌کشیدند. یك برده‌ی جوان و نیرومند پس از مدتی کار به موجـودی مفلوك و چلاق و علیل مبدل مـی‌شد. بردگانی که از توان می‌افتادند و دیگر بدرد کار نمی‌خوردند، دریك جزیره‌ی خشك و بی‌آب و علف رها می‌شدند تا از گرسنگی بمیرند. برده‌داران بجای آنها، برده‌های جوان و نیرومند دیگری می‌خریدند.

برده‌داران رومی برای ترساندن برده‌ها، بـردگان سرکش و نافرمان‌رابطوروحشتناکی‌شکنجه می‌دادند: شلاق‌می‌زدند، میسوزاندند، دست و پایشان را می‌شکستند.



تصویر شماره‌ی ۱۵

آمفی تئاتر

۴ـ گلادیاتورها

رومیان برای سرگرمی خود، بردگان را وادار می‌کردند که با یکدیگر ویا باحیوانات درنده به‌مبارزه و نبرد برخیزند.

چنین بردگانی را گلادیاتور می‌نامیدند. رومیان طرز بکاربردن اسلحه را به‌آن‌ها می‌آموختند ودرزندان از آن‌ها نگاه‌داری‌میکردند.

برای مبارزات گلادیاتوری میدانی درست‌کرده بودند که آمفی تئاتر[1] نام داشت و شبیه سیرك‌های امروزی بود. ابتدا آمفی‌تئاترها از چوب ساخته می‌شدند، ولی بعد رومیان شروع کردند به‌ساختن آن‌از سنگ. در مرکز آمفی تئاتر یك میدان شنی قرار داشت که «آره‌نا[2]» نامیده می‌شد و آره‌نا، یعنی صحنه. اطراف صحنه، پله‌هائی‌برای‌نشستن تماشا گران احداث میگردید.

گلادیاتورها در روزهای جشن، درصحنه‌ی آمفی تئاتر به‌جنگ تن به‌تن مشغول میشدند و گاهی میدیدی‌که تعداد کثیری، جفت‌جفت درحال مبارزه با یکدیگرند. گلادیاتورهائی را که از سردلسردی مبارزه میکردند و یا تمایلی به‌این‌کار نشان نمیدادند، به‌ضرب‌شلاق و نك‌نیزه، بمیدان مبارزه میراندند.

سرنوشت گلادیاتور زنده، ولی شکست خورده را تماشا گران معین میکردند. اگر آن‌ها دستشان را بالا میبردند، گلادیاتور مغلوب، زنده میماند، اگر شست دستشان را پائین می‌آوردند، به‌معنای آن بود که مغلوب بایدبدست گلادیاتور پیروزنابودشود. اجساد گلادیاتورهای مغلوب را با قلاب ازصحنه‌ی آمفی تئاتر خارج می‌کردند.

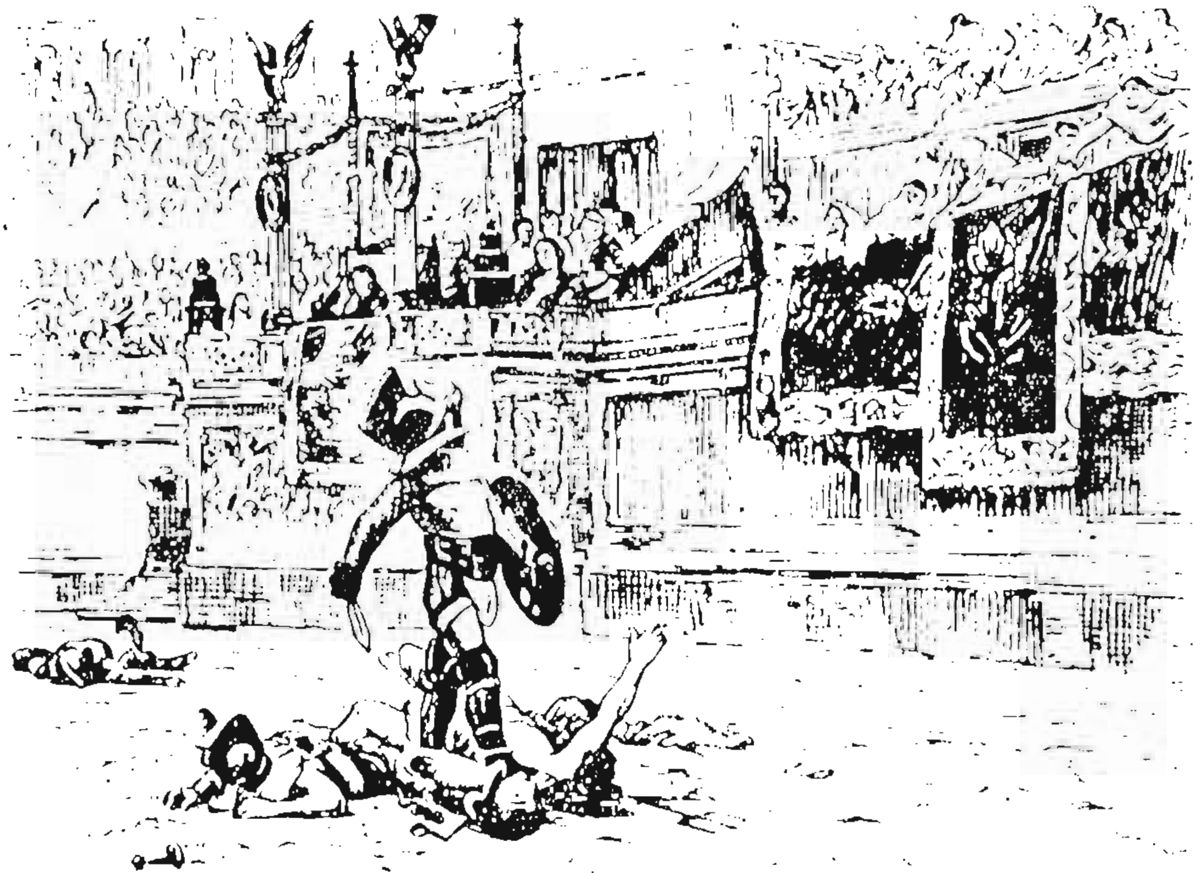
گاهی نیز شیرها، ببرها و سایر حیوانات عظیم‌الجثه‌ی درنده‌را

1- Amphitehatre 2- Arena

بجان گلادیاتورها می‌افکندند.

۵- «برده یک شئی زبان‌دار است».

برده‌داران رم، بردگان را آدم نمی‌دانستند. میگفتند که: برده «وسیله - ابزاری است که سخن میگوید» کسی که به‌بردگی می‌افتاد،

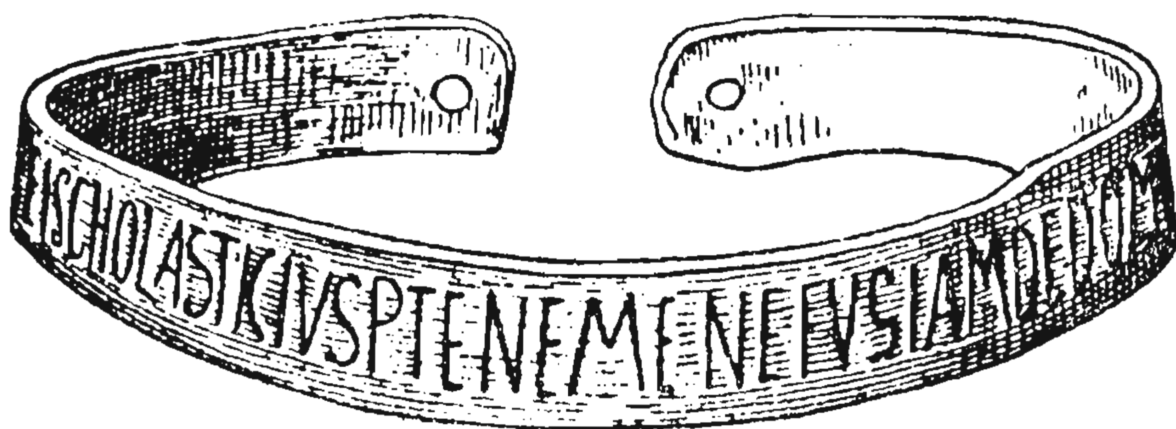


تصویر شمارهٔ ۱۶

نبرد گلادیاتورها در آمفی تئاتر

اینک نبرد تن‌به‌تن بین گلادیاتورها خاتمه یافته. گلادیاتور مغلوب دست التماس به‌سوی تماشاگران بلند کرده و گلادیاتور پیروز در حالی که پایش را به‌روی گردن او می‌فشارد، منتظر تصمیم تماشاگران است. اکثر تماشاگران مرگ مغلوب را طلب می‌کنند. تابلو اصلی به‌قرون اول و دوم میلادی تعلق دارد. حاکم رم در لژ اصلی نشسته است.

نامش را نیز از کف میداد. نام مستعاری به‌او میدادند که اغلب مفهــوم تحقیر آمیزی داشت و یا همینطوری «پــرس» ویا «مصری» صــدایش میزدند.



تصویر شماره‌ی ۱۷

قلاده‌ی بردگان

به گردن برده قلاده‌ای می‌بستند که رویش چنین نوشته شده‌بود: «مرا ببند تا فرار نکنم». در هیچ‌یك از کشورهای جهان باستان، تابدین حــد به‌بردگان ظلم و ستم نمی‌شد و هیچگاه تعداد آن‌ها به‌فــزونــی تعدادشان در روم‌نبود. رژیم برده‌دار روم رشدوتوسعه‌ی زیادی‌حاصل کرده بود.

پرسش و تمرین:

۱ـ چه کسی از متصرفات روم سود می‌برد؟
۲ـ چرا دولت برده‌دار روم، نسبت به‌دول یونان و شرق باستان، وسعت بیشتری حا صل کرد؟
۳ـ از قول یک برده‌ی رومی داستانی در مورد زندگیش تنظیم کنید.

بند هفتم

افلاس دهقانان ایتالیا و مبارزاتشان در راه زمین

بخاطر آورید: چـه کسانی می‌توانستند در ارتش روم خدمت کنند؟ (بند ۳، ماده‌ی ۳). یك تریبون خلق چه‌حقوق و وظایفی‌داشت؟ (بند۲، ماده‌ی۲).

۱ ـ افلاس دهقانان

سرازیر شدن سیل عظیم بردگان به ایتالیا، غارت ایالات توسط حکام رم، برده‌داران را ثروتمندتر، ولی دهقانان را ورشکست نمود.

عمل آوردن اراضی بانیروی بردگان، ارزان‌ترتمام میشد. علاوه براین، غلات ارزان قیمتی را نیز ازایالات وارد ایتالیامی کردند. بدین جهت قیمت غله پائین آمده بود.

دهقانانی که به کار کشت غله اشتغال داشتند، ابتدا فقیر و سپس ورشکست میشدند. برده‌داران ثروتمند، اراضی آن‌ها را با قیمت‌های

نازلی می‌خریدند.

افلاس دهقانان، آن‌ها را مجبور می‌ساخت که برای یافتن کار از روستای زادبومی خود به‌رم و سایر شهرهای ایتالیا مهاجرت کنند. ولی آن‌ها نه در رم کاری می‌یافتند و نه درشهر دیگری، زیرا که تقریباً تمام کارها را بردگان انجام میدادند. در رم ده‌ها هزار بیکار و بی - خانمان گرد آمده بودند.

۲- اضطراب ونگرانی برده‌داران

دهقانانی که بخاطر افلاس، زمین خود را از کف داده بودند، نمی‌توانستند در ارتش خدمت کنند. روزبروز تعداد افرادی که برای خدمت در ارتش واجدشرایط بودند، کمترمیشد. ارتش روم‌روبه‌ضعف و فتور می‌رفت و این نگرانی برده‌داران را برانگیخته بود.

افزایش تعداد بردگان در املاك و معادن، بردگانی که چشم دیدن‌ستم گران را نداشتند، نیزآن‌ها را مضطرب می‌ساخت. قیام‌بزرگ بردگان در سیسیل مخصوصاً آنها را بشدت ترسانده بود. این قیام در سال ۱۳۷ قبل از میلاد زبانه‌کشید. بسیاری از برده‌داران کشته شدند، اموال و ثروتشان توسط شورشیان مصادره و بین‌آنها تقسیم گردید.

رومیان با دشواری توانستند این قیام را سرکوب کنند.

معذلك فقط تعداد قلیلی از برده‌داران توانسته بودند این امررا درك کنند که ورشکستگی دهقانان تاچه حد می‌تواند برای‌آنهاخطرناك باشد. تیبریوس[1] و گایوس گراسوس[2] که اشراف‌زاده‌ی پله‌بین بودند،

1- Tiberius   2- Gaius Gracchus

با شجاعت و به‌آشکار این موضوع را گوشزد می‌کردند.

۳ـ قانون ارضی تیبریوس گراسوس

تیبریوس ـ برادر ارشد ـ بخاطر شجاعتی که در حمله به کارتاژ از خود نشان داده بود، مشهور بود. او نخستین کسی بود که به باروی دژ یورش آورد. پاکی وجدان او که بندرت در ایـن طبقه یافت می‌شد، بازهم برشهرتش افزوده بود. مجلس ملی تیبریوس را بعنوان تـریبون خلق برای سال ۱۳۳ قبل از میلاد برگزید.

در روم قانونی دایر بود کـه برطبق آن هـریک از اتباع روم نمی‌توانست درمزرعه‌ی‌عمومی بیش از ۱۲۵ هکتار زمین داشته باشد. معذلک اشراف برده‌دار روم، بطور غیرقانونی قطعات بسیار بزرگی‌از اراضی را به تصاحب خود درآورده بودند. تیبریوس پیشنهاد کردکه قانون رعایت گردد و اراضی اضافی مستردشود. ضمناً اوپیشنهادنمود که اراضی مسترد شده را بدون حق فروش به‌دهقانان واگذار نموده، بین آن‌ها تقسیم کنند.

تیبریوس با فصاحت تمام از قانون پیشنهادی خـود دفاع کـرد (به‌ضمیمه‌ی همین‌بخش رجوع شود). ولی سنای رم، کـه اعضای آن را برده‌داران ثروتمند تشکیل می‌دادند، به‌تمسخر با پیشنهاد تیبریـوس روبرو شده و آن را رد کرد.

تیبریوس یك‌تن بیشتر نبودویك‌تنه‌هم‌قدرت مقابله باسنای‌نیرومند رم را نداشت، ولی ازحمایت توده‌های خلق برخوردار بـود. همه‌جا، روی دیوارخانه‌ها، روی‌ستون‌ها وحتی‌روی سنگهای مزار نوشته‌هائی

بچشم می‌خورد که فقرا، بدینوسیله، تریبون خلق را دعوت می کردند که با قاطعیت عمل کند و وعده می‌دادند که ازوی‌حمایت خواهند کرد.

مجلس کثیرالعده‌ی ملی که به‌وسیله‌ی تیبریوس دعوت به‌تشکیل گردید، قانون ارضی او را تصویب کرد. کمیسیونی بریاست خود تیبریوس مشغول استرداد اراضی‌اضافی شدو این زمین‌ها را بین‌دهقانان تقسیم کرد. سنای رم، که ازخشم و برآشفتگی توده‌های خلق‌می‌ترسید، جرأت نیافت مستقیماً اراده‌ی ملت را نادیده بگیرد و قانون را نقض کند.

۴ـ قتل تیبریوس و گایوس گراسوس

پس دشمنان تیبریوس این دروغ را پراکندند که «او میخواهد سزار رم شود». آنها در مجلس ملی، بدون اینکه به‌تیبریوس امکان دهند از خود دفاع کند، هیاهوی کرکننده‌ای براه انداختند.

سناتورها، درنزدیکی فروم که مجلس ملی اجلاس کرده بود، درمعبدی گردهم آمدند. آن‌ها با استفاده از بهتانی که به‌تیبریوس‌وارد آمده بود، برآن شدندتا حسابهای کهنه‌ی خود را با وی تسویه نمایند. پس یکی از ارشدترین آن‌ها، از بقیه خواست که «به نجات جمهوری برخیزند». بدین ترتیب، همه به‌فروم ریخته، با تخته‌پاره‌هائی که از شکستن نیمکت‌ها بدست آوردند، تیبریوس بی‌سلاح و ۳۰۰ نفر از هواداران اورابه‌قتل‌رساندند واجساد کشته‌شدگان را به‌درون‌رودخانه‌ی تیبر فروافکندند، یعنی همان کاری راکردند که معمولاً بااجسادجنایت‌کاران انجام می‌دادند.

گایوس گراسوس کوشیدتا راه‌برادر را ادامه دهد. او نیز بعنوان تریبون خلق برگزیده شد. سنای رم که هنوز خود را آسوده نمیبافت، به‌قوای انتظامی و برده‌داران مسلح دستورداد طرفداران گایوس را از میان بردارند. برای سرخود گایوس به‌اندازه‌ی وزنش سکه‌هـای طلا بعنوان جایزه تعیین شده بود. روزی دریك قتل‌عام وحشتناك خیابانی، ۳ هزار نفر از اهالی رم کشته شدنـد. گایوس گراسوس نیز در میان مقتولین بود.

تقسیم اراضی قطع شد. ولی پیش از آن، هشتاد هـزار نفر از فقراتوانسته بودند بزمین برسند. معذلك بزودی قانون جدیدی تصویب شد که اجازه می‌داد اراضی را برای مزرعه‌ی عمومی «خریداری کرد». بدین ترتیب زمین متعلق به‌دهقانان، یکبار دیگر بسان گذشته، به‌چنگ ثروتمندان افتاد.

۵ـ گذار بسوی ارتش مزدور

سرداران نظامی برای پر کردن صفوف ارتش مجبور شدند آن عده از فقیرانی را که قبلاً به‌ارتش پذیرفته نمی‌شدنـد، به مـزدوری بگیرند. در میان افراد فقیر، تعداد کسانی که می‌خواستند بخاطر پـول وارد ارتش بشوند، کم نبود.

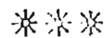
در اواخر قرن دوم و آغاز قـرن اول پیش از میلاد. ارتش روم بار دیگر منظم و مرتب شد. ولی اینك ترکیب آن دیگر عـوض شده بود و بطور کلی از مزدورانی تشکیل می‌شد که حاضر بودند به‌هر کسی که سخاوت بیشتری نشان دهد، خدمت کنند.



از منابع تاریخی

چه چیز اشراف‌زاده‌ای چون تیبریوس را مجبور کرد تا پیشنهاد کند اراضی بین دهقانان تقسیم شود

هیچ‌کس به‌گفتار تیبریوس در این مورد که بردگان بـدرد خدمت در ارتش نمی‌خـورند و همیشه در مناسباتشان با اربابان، اشخاص غیرقابل اعتمادی هستند، توجه نکرد. او خاطرنشان ساخت کـه قبلا اربابان از دست بردگان در سیسیل چه مصایبی متحمل شده و چگونه مدتهای مدید رومیان مجبور شدند با آن‌ها بجنگند واین نبرد چقدر طول کشید و تا چـه حـد خطرناك بود



تیبریوس از نظر پلوتارخ

تیبریوس، هنگامیکه درحضور مردم، مردمی که‌تریبون را احاطه کرده‌بودند، بدفاع‌از بیچارگان‌می‌پرداخت، به‌مردی بس خطرناك و انعطاف‌ناپذیـر مبـدل میشد. میگفت: «حتی حیوانات درنده‌ای که در ایتالیا ول می‌گردند نیز برای خود لانه‌ای دارند تا شب را در آن بسرآورند. ولی آن مردمانی‌که در راه سرزمین ما می‌جنگند و جان‌نثار میکنند، فقط از هوا و نـور

برخوردارند. آن‌ها فاقد یك مسکن دایمی هستند و با زنان وکودکانشان زندگی آواره و دربـدری را میگذرانند. سربازانی‌که برای‌کسب قدرت وتصاحب ثروت بیگانگان جان میبازند، سربازانی کـه اربابان زمین و زمان نام گرفته‌اند، خود فاقد یك قطعه‌زمین شخصی می‌باشند».

پرسش و تمرین

۱ـ چرا پیروزی‌ها و متصرفات روم، ارتش آن را ضعیف کرد؟

۲ـ چرا با وجود فشار و کارشکنی سنای روم، قانون ارضی تصویب شد؟

۳ـ چرا کوشش برادران گراسوس برای تحکیم وضع دهقانان ایتالیا شکست خورد؟

۴ـ چگونگی تغییر ترکیب سپاه روم را در قرن دوم پیش از میلاد، شرح دهید.

۵ـ چند سال از آغاز دومین جنگ پانیک سپری شده بود که تیبریوس به‌عنوان تریبون خلق انتخاب شد؟

بند هشتم

قیام اسپارتاکوس

بخاطر آورید: بـردگان در یونان چگونه با بـرده‌داران مبارزه می‌کردند؟ (بند ۱۲، جلد دوم ماده‌ی ۵).

۱ـ علل و آغاز قیام بردگان

درقرن اول پیش ازمیلاد، تعداد بردگان ایتالیا روزبروزفزون‌تر می‌شد و وضع زندگی آنها، بدتر از پیش می گردید. این امرمنجر به‌ـ آن شد که یکی از بزرگترین قیام‌های بردگان در تاریخ، جامه‌ی عمل بپوشد. فرماندهی این قیام را اسپارتاکوس بعهده داشت.

اهرم قیام بوسیله‌ی گلادیاتورهائی به حـرکت درآمد کـه از سیاه‌چال‌های شهر کاپوا[1]، فرار کرده بودند. گلادیاتورها، مخفیانـه

1- Capua

خود را برای برافروختن شعله‌های این قیام آماده می‌کردند. لیکن فقط چند ده نفر از آن‌ها موفق شدند درهای سیاه‌چال خود را بشکنند و بگریزند. آنها در میان قله‌های صخره‌ای کوه وزو[1] که با تاکستانهای انبوه وحشی پوشیده بود، پنهان شدند.

فراریان، اسپارتاکوس را بفرماندهی خود انتخاب کردند. او از تبار مردم شبه‌جزیره‌ی بالکان بود و بدست رومیان اسیر شده بودو بخاطر کوششی که همیشه برای فرار می‌کرد، گلادیاتورش کرده بودند.

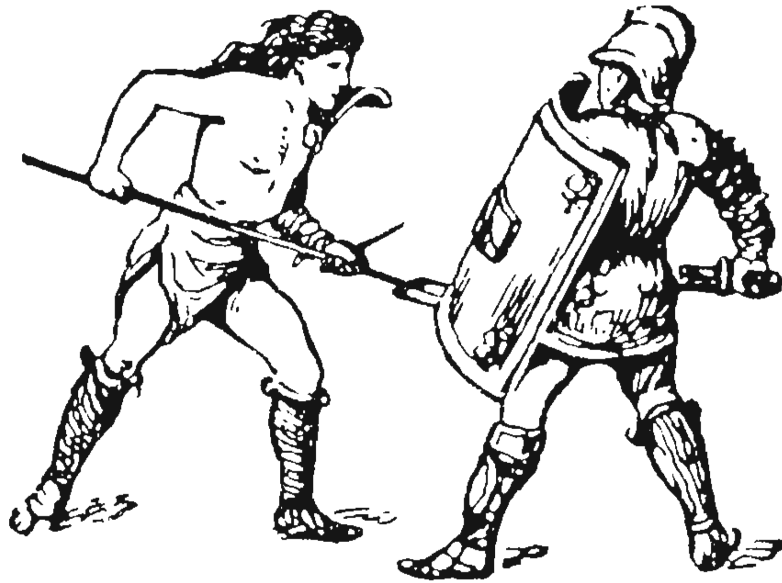
نیروی عظیم جسمانی وهوش وشجاعتش، اسپارتاکوس‌را از دیگران‌متمایز می‌نمود.

ابتدای امر، گلادیاتورها سلاحی جز چوب و کارد آشپزخانه نداشتند. این افراد شجاع، به‌املاك برده‌داران رومی حمله میکردند، سلاح‌های آنها را مصادره می‌نمودند و با آن مسلح می‌شدند. بتدریج بردگانی که در املاك واقع در نواحی شهر بسرمی‌بردند،می گریختند و به‌اسپارتاکوس می‌پیوستند.

روزی یك واحدنیرومند سپاه رم، بردگان شورشی را محاصره کرد. این واحد یگانه کوره راهی را که از میان صخره‌هامی گذشت و به‌دامنه‌ی کوه راه مییافت، اشغال نمود.

رومیان تصور می‌کردند کـه گرسنگی، بـردگان شورشی را وادار به‌تسلیم خواهدکرد. ولی بردگان باشاخه‌های درخت تاك‌پلکانی ساختند و شبانه از شکاف بزرگ وبلندکوه گذشتند. رومیان که فکر میکردند عبور از این شکاف ممکن نیست، نگهبانی در آنجا نگماشته

1- Vesius



تصویر شماره‌ی ۱۸

گلادیاتورها

بودند. شورشی‌ها غفلتاً به‌واحد رومی حمله کردند و آن را نابود ساختند.

۲- ارتش بردگان - نیروی مهیب تهدید

اخبار مربوط به‌پیروزی بردگان در تمام کشور منتشر شد. بردگانی که نمی‌خواستند با زندگی جهنمی خودبسازند، از تمام ایالات ایتالیا می گریختند و به‌اسپارتاکوس ملحق میشدند.

تا پائیز سال ۷۳ قبل از میلاد اسپارتاکوس برچند ده هزار نفر برده، فرماندهی میکرد. در میان بردگان اهالی بسیاری از کشورها - گول‌ها، سوری‌ها، مقدونی‌ها و ملیت‌های دیگر مشاهده میشدند. اسپارتاکوس ازاین توده‌ای که بزبان‌های مختلف سخن میگفت و اغلب اوقات افراد زبان یکدیگررادرك نمیکردند، سپاهی به‌شیوه‌ی ارتش رم

تشکیل داد. آهنگران سپاه، شب و روز دراردوگاه شورشیان به‌ساختن اسلحه مشغول بودند. اسپارتاکوس غارت کردن دهقانان را ممنوع کرده بود و دیسیپلینی شدید در میان افراد سپاه خود برقرار ساخته بود. سپاه شورشیان، اینك بیك نیروی مهیب تهدید کننده، مبدل شده بود.

۳- در آستانه‌ی آزادی

اسپارتاکوس می‌خواست بردگان را از ایتالیا خارج سازد تا بتوانند به‌میهن خود باز گردند. پس سپاه خود را بسوی شمال رهبری کرد. در راه، بردگان املاك برده‌داران را غارت می‌کردند و به آتش می‌کشیدند.

سنای رم دو کنسول را به‌همراه دو سپاه، به‌مقابله با شورشیان فرستاد. کنسول‌ها برآن بودند تا بردگان را محاصره کرده، از میان بردارند. ولی اسپارتاکوس به‌سپاهیان رومی امکان نداد بهم برسند و حلقه‌ی محاصره را تنگ کنند. پس هریك از سپاه‌ها را جداگانه، در هم کوبید.

شورشیان باجنگ‌و گریز سرتاسر ایتالیا را پیموده، از جنوب، به‌شمال آمدند و در دشت رودخانه‌ی «پو» چادر زدند. اینك فقط کوه آلپ بردگان را از آزادی جدا میکرد. ولی در اردوی اسپارتاکوس نفاق‌افتاد. بسیاری از بردگان‌مایل به‌ترك ایتالیانبودند. آن‌هامی‌خواستند که به‌رم لشکرکشی کنند. اسپارتاکوس، ناچار راه بازگشت را در پیش گرفت.

۴ـ قیامیان در دام

خبر باز گشت ارتش بردگان، برده‌داران را غرق در وحشت کرد. پس باشتاب ارتش بزرگی فراهم کردند.

بسیاری از برده‌داران می‌رفتند تا خود با بردگان بجنگند. کراسوس بفرماندهی این ارتش بزرگ منصوب شد. علاوه براین، سنای رم سپاه ایتالیا را از اسپانیا و شبه‌جزیره‌ی بالکان، فراخواند.

اسپارتاکوس که میدید نیروئی درخور محاصره‌ی رم ندارد، سپاه خویش را به‌جنوب هدایت کرد. کراسوس راه را براو بست. ولی بردگان دو لژیونی را که راهشان را سد کرده بود، از میان برداشتند. در بین رومیان چنان ترس و وحشتی ازبردگان دامن گرفت که گاهی یك واحد بزرگ رومی با نزدیك شدن چندده سپاهی شورشی، پا بفرار میگذاشت.

اسپارتاکوس باسپاه‌خودوارد دماغه‌ی جنوب‌غربی شبه‌جزیره‌ی آپنین شد. او میخواست به‌سیسیل برود و بردگان سیسیل را به‌قیام وادارد. پیرات[1]ها وعده دادند که قیامیان را از طریق تنگه، به سیسیل برسانند، ولی وعده‌ی آن‌ها فریبی بیش نبود. خود بردگان کلك‌هائی درست کردند و به‌آب انداختند. ولی‌توفان دریا آنها را درهم‌شکست. با وجود آنکه تاسیسیل راه چندانی نمانده بود، شورشیان نتواستند خود را به‌جزیره برسانند.

کراسوس تصمیم نداشت به‌سپاه اسپارتاکوس حمله کند. ولی برزخی را که دماغه‌ی فوق را باسایر بخش‌های ایتالیا مربوط‌میساخت،

1- Pirate

اشغال کرد. بردگان به‌تله افتادند. درمیان آنها قحطی و گرسنگی پدید آمد.

۵- «مرگ با زخم شمشیر بهتر از مرگ ازگرسنگی است»

اسپارتاکوس، سپاهیان خود را به‌گردهم‌آئی فراخواندوشروع کرد به‌سخنرانی. گفت: بهتر آن است که اززخم شمشیر بمیریم تا از گرسنگی. وبدینسان جرأت افرادرا احیاء کرد، امیدشان‌رابرانگیخت. دریك شب‌بورانی زمستان، سپاه اسپارتاکوس به‌ارتش کراسوس‌حمله کرد. بردگان، در یك ناحیه خط محاصره‌ی کراسوس را شکافته، خاکریزی را به‌اشغال درآورده و از دام جستند.

درمیان بردگان باز اختلاف شدیدی بروز کرد. تعدادی ازآنها از دستور اسپارتاکوس مبنی برغارت نکردن دهقانان، ناراضی‌بودند پس این عده‌ازسپاه اسپارتاکوس جداشدند. کراسوس به‌این گروه‌های مجزا شده، غافل‌گیرانه حمله میکرد و آنها را نابود میساخت.

در این زمان لژیون‌هائی که از شبه‌جزیره‌ی بالکان‌احضار شده بودند، به‌ایتالیا رسیدند. سپاه تحت فرماندهی پمپی[1] نیز که در اسپانیا اقامت داشت، از راه رسید، اسپارتاکوس به‌منظور اینکه مانع الحاق سپاه روم بشود، به‌کراسوس حمله کرد.

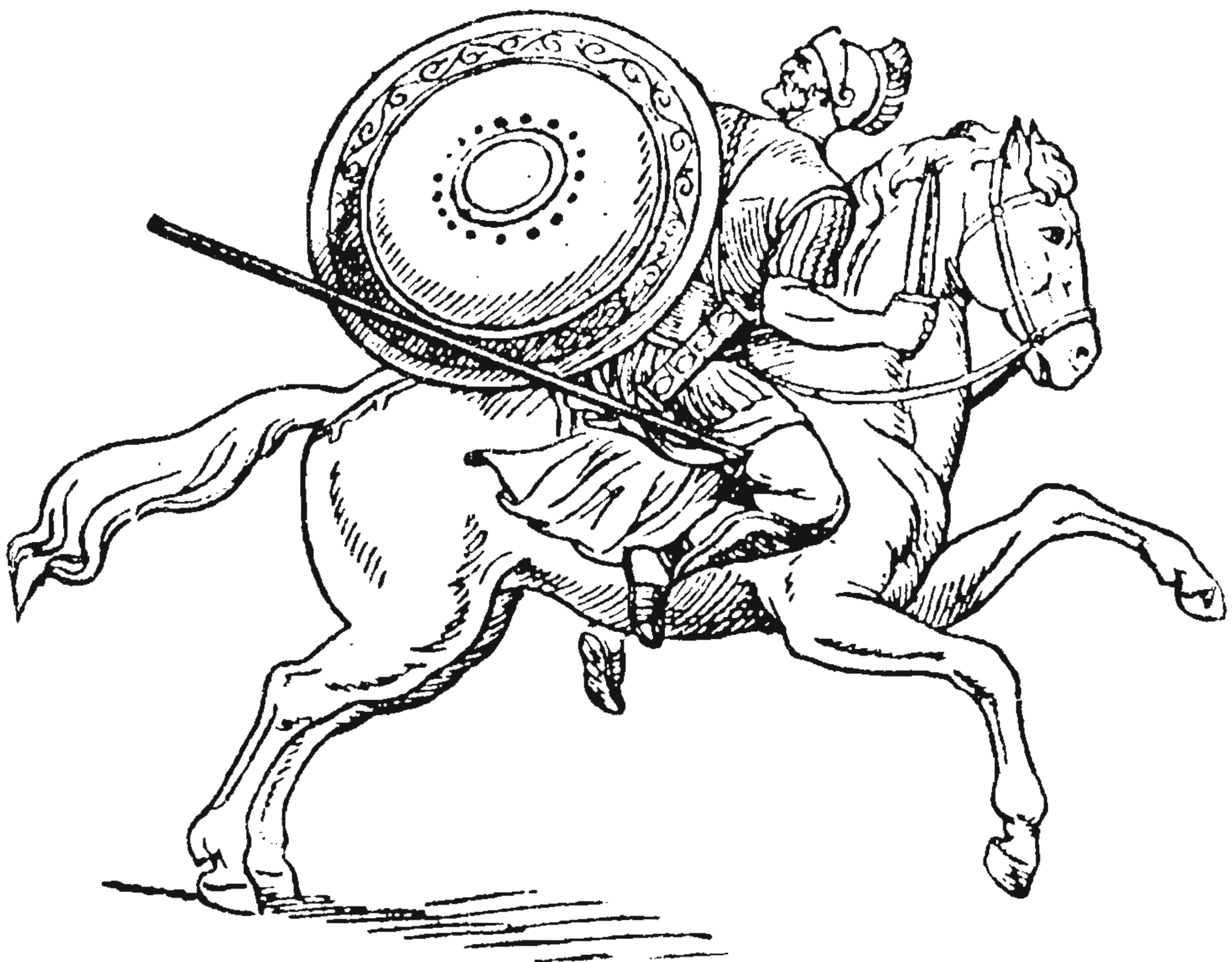
۶- آخرین نبرد

درسال ۷۱ قبل‌ازمیلاد بود که آخرین نبرداسپارتاکوس باورومیان

1- Pompey

صورت گرفت. در این نبرد اسپارتاکوس میکوشید که شخصاً با کراسوس روبرو شده، اورا بکشد تا رومیان از داشتن فرمانده، محروم شوند. او دو تن فرمانده رومی راکشت، ولی نتوانست به‌کراسوس برسد. یك رومی که ظاهراً جرأت نداشت از روبرو با اسپارتاکوس بجنگد، ازپشت نیزه‌ای به‌ران او کوبید.

ولی اسپارتاکوس زخمی، بازهم از نبرد بازنماند، روی یك پا می‌جنگید.



تصویر شماره‌ی ۱۹

اسپارتاکوس زخمی نقاشی روی دیوار پمپی

طبق شهادت رومیان، بردگان شورشی با مردانگی بی‌نظیری جنگیدند، ولی دشمن که از لحاظ نیرو برتری داشت، برسپاه‌بردگان که‌ازتفرقه وانشعاب ضعیف‌شده‌بود، پیروز گردید. رومیان‌اسپارتاکوس را محاصره کردند و وی را قطعه قطعه نمودند. حتی جسدش هم‌پیدا نشد. مابقی سپاه پراکنده شدند.

لژیون‌های پمپی که باشتاب خود را رسانده بودند، بردگانی را که هنوز مقاومت میکردند، از دم تیغ گذراندند، اسیرشان کردند و اسیران را به‌صلیب کشیدند. شش‌هزار صلیب، درحالیکه اسیران‌بالای آن جان داده بودند، شهر کوپوآ را به‌رم متصل میکرد.

***

دولت برده‌دار روم، اگرچه با دشواری، ولی وظیفه‌ی اصلی خود را که عبارت بود از سرکوبی بردگان، انجام داد. زیرا در این زمان هنوز نیروی عظیمی در اختیار داشت.

درروم که رژیم برده‌داری وسعت بیشتری حاصل کرد، مبارزه‌ی بردگان نیز دامنه‌ی وسیع‌تری یافت ومخصوصاً سیمائی بی‌امان‌ومقاوم کسب نمود.

آزادی خواهان برای قیام اسپارتاکوس وخود اوارزش‌بسزائی قایلند و. اولیانوف میگوید:

«اسپارتاکوس یکی از برجسته‌ترین قهرمانان بزرگترین قیام بردگان بود».

اگرچه قیام اسپارتاکوس با شکست مواجه شد، اما پایه‌های برده‌داری را بلرزه درآورد. برده‌داران حتی پس از گذشت سالیان متمادی از سرکوبی قیام، بازهم با بیم‌وهراس، اسپارتاکوس‌وافرادش

را بخاطر می‌آوردند و پیوسته، از ترس قیام‌های جدید، بخود می‌لرزیدند. آنها پس ازقیام اسپارتاکوس بود که میکوشیدند دولت‌روم استحکام بیشتری حاصل کند تا بتواند آنها را ازبلای قیام‌های جدید، در امان دارد.

پرسش و تمرین: (۱)

۱ـ علت قیام بردگان را ذکر کنید. اهرم این قیام از کجا به‌حرکت در آمد؟

۲ـ روی نقشهٔ مسیر لشکرکشی اسپارتاکوس چه گفته است؟

۳ـ و. اولیانوف در باره‌ی اسپارتاکوس چه گفته است؟

۴ـ نمونه‌هایی مثال بزنید که بیانگر مردانگی شورشیان و صفات برجسته‌ی اسپارتاکوس ـ فرمانده قیام ـ باشد.

۵ـ چرا قیام شکست خورد؟

۶ـ چند سال از پایان جنگ دوم پانیک گذشته بود که اسپارتاکوس قیام کرد؟

پرسش و تمرین: (۲)

۱ـ در آغاز قرن سوم پیش از میلاد و در اواسط قرن اول پیش از میلاد، چه تحولاتی در روم صورت گرفت؟

الف) چگونه خاک جمهوری روم وسعت یافت؟

روی نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰ خاک روم را در آغاز جنگ‌های پانیک و سپس در آغاز قرن اول پیش از میلاد پیدا کنید.

ب) چگونه تعداد و وضع بردگان ایتالیا تغییر کرد؟

مبارزه‌ی بردگان با برده‌داران از چه قرار بود؟

ج) چگونگی تغییر وضع دهقانان ایتالیا را بیان نمایید. چه چیزی باعث این تغییرات بود؟

د) دگرگونی ارتش روم را شرح دهید؟ چرا ارتش روم تغییر کرد؟

۲ـ شما کدام یک از حوادث روم را از آغاز جنگ‌های پانیک تا اواسط قرن اول پیش از میلاد مهم‌تر می‌شمارید؟ چرا مهمتر می‌شمارید؟

فصل سوم

سقوط جمهوری روم
امپراطوری روم و دوره‌ی نیرومندی آن

بند نهم

برقراری رژیم امپراطوری درروم

۱ـ افزایش نقش نظامیان رومی

با قیام بردگان درسالهای **۷۳** و ۷۱ قبل‌از میلاد، چیزی نمانـده بود که حکومت برده‌داران رومی ساقط شود. تنها سرداران نظامی که ارتش‌های نیرومندی در اختیار داشتند،موفق شدنـد رم رانجات داده، قیام را سرکوب کنند.

برده‌داران، درمبارزه با بردگان، نقطه‌ی اتکای اصلی خـود را در وجود یك ارتش نیرومند مشاهده می‌کردند. در قرن اول پیش از

میلاد، در ارتش‌های روم، سرداران نظامی‌ای وجـود داشتند کـه در نبردها افتخاراتی بدست آورده بودند و سخاوت بیشتری نسبت بـه‌سپاهیان خود روا میداشتند و نفوذشان به‌همان اندازه‌ی نفوذ کنسول‌ها و سناتورها بود.



تصویر شماره‌ی ۲۰

یک سردار رومی در قرن اول پیش از میلاد

سپاهیان‌مزدور فقط از فرماندهان خود، که حقوقشان‌رامیپرداختند و بخشی ازغنایم غارت شده را به‌آنها می‌دادند، اطاعت میکردند.یك سردار نظامی می‌توانست نه تنها باسپاهیانش بـه‌همسایگان روم، بلکه برای مبارزه با دشمنان خود در جمهوری روم، به‌خـود جمهوری نیز حمله کند.

بسیاری از برده‌داران مایل بودند که یك فرمانده نظامی نیرومند

زمام حکومت روم را بدست گیرد. آنها امیدوار بودند که چنین فرمانده پرتحرك و نیرومندی بهتر از یك کنسول و یا یك سناتور خواهد توانست سیادت آنها را بر ستم‌دیدگان، حفظ کند. پمپی که در سال ۷۱ قبل از میلاد، در کار سرکوب بردگان قصاوتی به‌تمام از خود نشان داده بود، خیلی بدرد اینکار می‌خورد.

۲ـ اعتلای سزار

ژولی سزار نیز دررم طالب قدرت بود. او از فامیل‌های اشراف پاتریسین بود و از همان دوران جوانی در آرزوی کسب قدرت و افتخار، پروبال میزد. سخنرانی‌هایش بسیار آشکار و قانع کننده بود.

اگرچه سزار اشراف‌زاده ـ سزار هزار فامیل ـ فقرای روم را خوار می‌شمرد، لیکن برای انجام اهدافش به‌آن‌ها نیاز داشت. سزار ضمن کوشش برای خوش خدمتی به فقرا، برای آن‌ها نبردهای گلادیاتوری ترتیب میداد، و از حکومت میخواست که به‌آن‌ها مجاناً نان‌بدهد. او بعنوان کنسول منصوب شده و پس از یکسال به‌حکومت سرزمین گولها[1] رسید.

سرزمین گول‌ها شامل اراضی ایتالیای شمالی و فرانسه‌ی کنونی میگردید. در آن زمانی که سزار بعنوان حاکم آن منصوب شد، رم هنوز نتوانسته بود تمامی این سرزمین را تصرف کند. فقط جنوب آن را در اشغال داشت.

سزار جنگ با گول‌ها را آغاز کرد تا تمامی سرزمین ایشان را

1- Gaul فرانسه‌ی کنونی



تصویر شماره‌ی ۲۱
یک فرمانده جزء رومی در
قرن اول پیش از میلاد

تسخیر کند. این جنگ هشت‌سال طول کشید، اهالی گول با رشادت در راه حفظ آزادی و استقلال خود جنگیدند. ولی بدان سبب که آنها به‌قبایل بیشمار تقسیم میشدند، نتوانستند برای مبارزه با اشغالگران، یك جبهه‌ی واحد مبارزه تشکیل دهند.

رومیان تمامی گول را گرفته، صدها هزارنفراز افراد قبیله‌ها را به‌بردگی اسیر کردند. آن‌ها اماکن مقدس گول‌ها را که در آن‌طلاهای هدیه شده بخدایان حفظ می‌شد، غارت کردند.

سزار به‌حساب غنایم حاصله، حقوق سپاهان خود را دوبرابر کرد و بردگانی نیز به‌ایشان هدیه نمود.



تصویر شماره‌ی ۲۲

لژیون رومی در قرن اول پیش از میلاد

۳ـ سزار به‌حکومت‌میرسد.

سزار پس از پیروزی برسرزمین گول‌ها، دارای‌ارتشی‌نیرومندتر و ثروتی سرشارتر گردید.

سزار در سال ۴۹ قبل ازمیلاد با سپاهیانش بسوی رم حرکت کرد. سنا از این امرترسید، غافلگیر شد. پس فرماندهی کل قوای جمهوری روم را به‌پمپی سپرد.

تعداد لژیون‌های تحت فرماندهی پمپی بمراتب بیشتر بود،ولی سپاهیان او در ایالات مختلف پراکنده شده بودند. پس با شتاب از رم خارج شد تا درشبه‌جزیره‌ی بالکان نیروها را گردآورد.

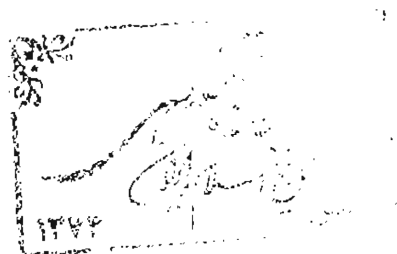
فقرای رومی که امیدوار بودند سزار وضع زندگی آن‌ها را

بهتر خواهد کرد، جانب او را گرفتند. سزار ظرف دوماه، تقریباً بدون روبرو شدن با مقاومتی، وارد رم شد، حکومتش را در رم و تمامی نقاط ایتالیا مستقر ساخت.

پمپی موفق گردید که در شبه‌جزیره‌ی بالکان سپاه بزرگی فراهم کند، ولی لژیون‌های سزار، که درجنگهای بیشمار آبدیده شده‌بودند، در برخورد با سپاه پمپی طی مدت زمان کوتاهی لژیون‌های او را درهم کوبیدند. پمپی گریخت. ولی بزودی به‌قتل رسید. اما سزار، دشمنان دیگری هم داشت، جنگ با آنها نیز سه‌سال دوام یافت.

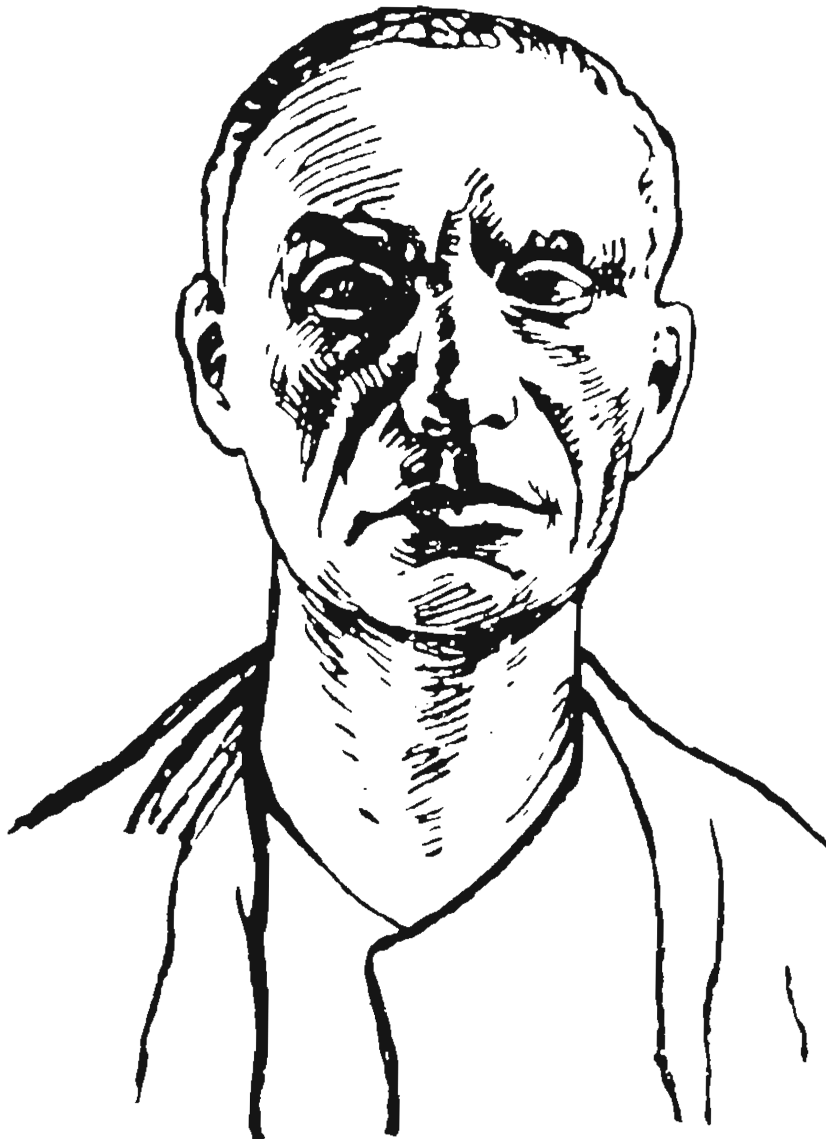
۴- سزار - فرمانروای روم

سزار پس از پیروزی بردشمنان، به‌رم‌باز گشت. او ازاختیارات نامحدود برخوردار بود. سنای رم، گوش بفرمان، از دستورات‌سردار بزرگ اطاعت میکرد. سزارخود را **امپراطور** نام داد. واژه‌ی‌امپراطور که بزبان لاتینی«فرمانروا» معنی می‌دهد، به‌آن عده از سردارانی گفته می‌شد که به‌جنگ می‌رفتند وفقط در موقع جنگ امپراطور خوانده می‌شدند. سزار این عنوان را نه‌بطور موقت، بلکه بطور دایمی بخود اختصاص داد. او اکنون مثل پادشاهان زندگی می‌کرد. برتختی از عاج و طلا تکیه می‌زد، که شبیه تخت پادشاهان بود. روی سکه‌ها چهره‌اش حک می‌شد و مجسمه‌هایش را در ردیف مجسمه‌ی خدایان نصب میکردند.



۵- مرگ سزار

بعضی از سناتورها از حکومت مطلقه‌ی سزار ناراضی بودند. آنها برعلیه وی توطئه کردند. و بروتوس[1] در رأس توطئه‌گران قرار داشت، که از اشراف و ثروتمندان برده‌دار روم بود.



تصویر شماره‌ی ۲۳

ژولی سزار

مجسمه‌ی نیم تنه‌ی رومی

1- Brutus

درسال ۴۴ قبل از میلاد، وقتی که سنای رم اجلاسیه‌ی خـود را تشکیل داده بود، توطئه‌گران سزار را محاصره کرده و با شمشیرهائی که درزیر لباسشان پنهان کرده بودند، بـه او حمله نمودنـد. بیش از بیست‌ضربه‌ی شمشیر سزار را از پای درآورد، همان‌جا جان داد.

توطئه‌گران اعلام کردند که بار دیگر قوانین ورسوم جمهوری روم برقرار شده است.

این‌بار کوشش برای برقراری حکومت‌مطلقه در روم، باشکست روبرو شد.

سزار از دید پلو تارخ

هنگامیکه سزار به‌رم‌می‌آمد، مجبور بود ازرودخانه‌ی کوچکی بنام روبیکون[1] بگذرد که سرحد گـول و جمهوری روم بشمار می‌رفت. عبور سپاه از مرز با جنگ آشکار علیه جمهوری آغاز شد. طبق معمول که سزار در مواقع حساس عرابه‌ی خود را متوقف می‌کردومدتی‌مدیددراندیشه فرومیرفت، راه‌حل‌های مختلف‌را می‌سنجید وسرانجام دست ازتفکرمی‌شست و با شجاعت به‌استقبال آینده میشتافت و فریاد میزد: «تصمیم قطعی گرفته شد!» این‌بار نیز چنین کـرد و دستور داد از معبر بگذرند



ژولی‌سزار که درآسیای صغیرباسرعت‌به‌آسانی بریکی از دشمنان خودپیروز شده بود، درمورداین‌پیروزی سه‌کلمه‌نوشت و ارسال داشت: «آمدم، دیدم، پیروز

1- Rubicon

شدم،» که بزبان لاتینی از این قـرار است «وه‌انـی، ویدی، ویستی».

(در کجا کوتاه سخن گفته میشد؟ کوتاه‌سخن گفتن را چه‌مینامند؟)

پرسش و تمرین:

۱ـ چرا برده‌داران مایل بودند یک فرد نظامی حکومت روم را اداره کند؟

۲ـ چه تحولاتی در قرن دوم پیش از میلاد سزار را به‌حکومت روم رساند؟

۳ـ چه چیزی، حکومت سزار را پس از پیروزی بر دشمنانش از حکـومت کنسول‌ها متمایز می‌کرد؟

۴ـ چند سال از پایان قیام اسپارتاکوس گذشته بود که سزار بـه‌حکومت رم رسید؟



تصویر شماره‌ی ۲۴
اوکتاویان اوگوست در ظاهر خدای
رعد و برق ژوپیتر. مجسمه‌ی نیم تنه‌ی رومی

بند دهم

امپراطوری روم در زمان اوکتاویان اوگوست[1]
و جانشینانش

بخاطر آورید: چه رژیمی جمهوری خوانده میشد؟ (بند ۲. ماده‌ی ۱)، رژیم پادشاهی را توضیح دهید (بند ۱۸، ماده‌ی ۵ جلد دوم).

۱ـ شکست جمهوری‌خواهان

توطئه‌گرانی که سزار را به‌قتل رساندند، مورد حمایت مردم روم قرار نگرفتند. تعداد افراد حامی جمهوری اندك بود، زیرا که جمهوری را هزار فامیل اداره میکرد.

لژیون‌های سزار میخواستند توطئه‌گران را قطعه قطعه کنند.

1- Octav Augustus

پس توطئه‌گران به‌شرق گریختند. آن‌ها سپاهی درمقدونیه فراهم وخود را آماده میکردندکه به‌ایتالیا لشکرکشی کنند.

اکنون لژیونهای سزار فرماندهان تازه‌ای یافته بودند. یکی از آن‌ها آنتونی[1] بود، که فرماندهی مجرب، مردی بلند بالاو قوی هیکل بشمار می‌رفت و در گذشته پست معاونت سزار را داشت. فرمانده دیگر ـ اوکتاویان جوان بودکه قوم و خویش سزار محسوب می‌شد. اوکتاویان موجودی بود علیل مزاج و ناتوان. او استعداد یک رهبر نظامی را نداشت، ولی حیله‌گر و محتاط بود و می‌دانست چگونه معاونان زیرك و بااستعدادی برای خود انتخاب کند.

آنتونی و اوکتاویان چشم دیدن یکدیگر را نداشتند،لیکن‌برای مبارزه با جمهوری‌خواهان، متحد شده بودند. آن‌ها سپاه خود رابه‌رم هدایت‌کردند وبابی‌رحمی تمام،دشمنان خویش راسرکوب وپراکنده ساختند.

طبق دستور آن‌ها چندین‌هزار نفر قتل عام شدند.

سپاه آنتونی واوکتاویان به‌مقدونیه گسیل‌شد. جمهوری‌خواهان در نبرد شکست خوردند، بقایای سپاه آن‌ها به دشمن محلق شدند. بروتوس با شمشیر به‌زندگی خویش خاتمه داد.

۲ـ مبارزه‌ی آنتونی و اوکتایان بخاطرقدرت

آنتونی و اوکتاویان اداره‌ی جمهوری روم را بین خود تقسیم کردند. آنتونی برایالات شرقی حکومت می‌کرد و در اسکندریه، در

1- Antony

کاخ‌های سلطنتی اقامت داشت. او کتاویان بخش غربی جمهوری را رهبری می‌نمود ودررم میزیست. آنتونی سودای سلطنت درسرداشت. او کتاویان میکوشید حکومت مطلقه در رم مستقر سازد، بدین ترتیب هردوی آن‌ها برای جنگ با یکدیگر آماده می‌شدند. درسال ۳۱ قبل‌از میلاد آنتونی ارتش خود را در ساحل غربی شبه‌جزیره‌ی بالکان، در جوار دماغه‌ی آکتیوم[1] متمرکز کرد. ناوگان دریائی او نیز به آن‌جا آمد.

در نبرددریائی، ناوگان او کتاویان پیروز شد. آنتونی سپاه‌خود را ترك‌کرد، باکشتی به‌اسکندریه باز گشت. سپاه او که بدون فرمانده باقی مانده بود، تسلیم شد.

ارتش او کتاویان تقریباً بدون روبرو شدن با مقاومتی مصر را گرفت و آنتونی بزندگی خویش خاتمه داد. مصر بیکی از ایالات‌روم تبدیل گردید.

۳- برقراری رژیم امپراطوری در روم

او کتاویان از این دربیم بودکه با تغییر سنت‌های موجود در روم نارضائی مردم را برانگیزد. به‌همین جهت تمامی سنن و آدابی‌را که درجمهوری معمول بود،حفظ‌کرد. معذلك با اتکاء به‌نیروی‌نظامی از سال ۳۰ قبل از میلاد عملاً حاکم مطلق روم بشمار می‌رفت.

او کتاویان سناتورهای مخالف خود را ازسنا بیرون میکرد و هنگامیکه یکی از اهالی رم برخلاف اراده‌ی او میخواست کنسول

1- Actium

شود، او را زندانی می‌کرد و آنقدر درزندان نگاه می‌داشت تا بمیرد.

هیچ‌کس جرأت نداشت برخلاف تمایل او و مخالف او نظر بدهد، اعضای مجلس ملی از افراد گوش بفرمان انتخاب می‌شدند. کنسول‌ها و تریبون‌های خلق بدون قید وشرط مجری اوامر او بودند، در سنا، اول ازهمه او رأی می‌داد وسناتورهای رم، بنده‌وار تصمیماتی را که به‌نفع او بود، تصویب میکردند.

اوکتاویان ـ خود را امپراطور مینامید. سنای رم نیز برسبیل چاپلوسی لقب‌افتخاری «اوگوست» را که به‌معنای «مقدس» است،به‌او اعطاء کرد.

اگرچه در موقع حکومت اوگوست، مؤسسات جمهوری‌حفظ شد، لیکن درواقع رژیم جمهوری نابود گردیده، جای آن را رژیم سلطنتی گرفت. رژیم سلطنتی‌روم را امپراطوری و پادشاه راامپراطور مینامیدند.

نظم و ترتیب اداره‌ی حکومت که بوسیله‌ی اوکتاویان بوجود آمده بود، بعد از مرگش نیز حفظ شد. رم بوسیله امپراطوران، یکی بعد از دیگری اداره می‌شد و یا اینکه حکومت بشکل وراثت‌به‌دیگران میرسید یا دیگران حکومت را به‌زور بدست می‌آوردند.

نه‌تنهابرده‌داران‌روم، بلکه برده‌داران ایالات دیگرنیزازحکومت امپراطوری حمایت می‌کردند. آنها به‌عینه میدیدند که یك امپراطور نیرومند، بشکل اطمینان‌بخش‌تری سیادت آنها را بربردگان و فقیران تأمین می‌کند.

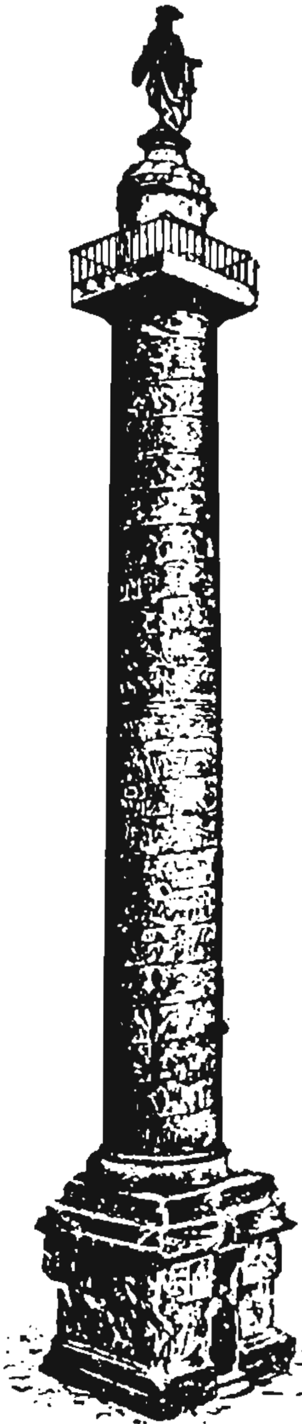
۴- آخرین پیروزی‌های امپراطوری‌روم

استقرار امپراطوری، دولت بـرده‌دار روم را تحکیم بخشید. امپراطوران که سپاهیان کثیری در اختیار داشتند، قیام ستم‌دیـدگان‌را در خود امپراطوری سرکوب می‌کردند و جنگ‌های اشغالگـرانه‌ی تازه‌ای براه می‌انداختند.

(روی نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰، اراضی متصرفی‌امپراطوری روم را پیدا کنید).

درسال ۱۱۵ و۱۱۶ میلادی* بودکه سپاه امپراطور **ترایان**[1] میان‌دورود (بین‌النهریـن) را تسخیر کـرد و وارد خلیج فارس شد. در گذشته هیچ‌گاه لژیون‌های‌رومی تا بدین‌حدبطرف‌شرق پیشروی نکرده بودند.

ترایان بـرای حمله به هند تدارك می‌دید. لیکن پشت‌جبهه‌ی‌او ملت‌هائی‌که به زنجیر انقیاد کشیده



تصویر شماره‌ی ۲۵

ستون یادبود امپراطور ترایان، که به‌افتخار پیروزی او ساخته شد، ارتفاع ستون مساوی با یك بنای ۷ طبقه است. در بالای ستون، مجسمه‌ی ترایان نصب شده است.

1- Traian

* بعد ازمیلاد

شده بودند، قیام کردند.

عدم موفقیت لشکرکشی ترایان به‌آسیا، بـه‌پیروزیهای نظامـی امپراطوری روم خاتمه داد. امپراطور دیگری کـه بعد از ترایان به‌حکومت رسید، مجبور شد تقریباً از کلیه‌ی متصرفات آسیائی ایتالیا صرفنظر کند. زیرا برای حفظ این متصرفات سپاه روم کفایت‌نمیکرد، معذلك هنوز آنقدر از قدرت کافی برای سیادت برملت‌هائی‌که قبلاً در اروپا، آسیا و آفریقا به‌تسلط درآمده بودند، برخوردار بود.

پرسش و تمرین:

۱ـ ابتدا واژه‌ی امپراطور چه معنایی داشت، بعد چه معنایی یافت؟

۲ـ چگونه رژیم امپراطوری از دوران او کتاویان در روم برقرار شد؟

۳ـ چرا برده‌داران از امپراطوری حمایت می‌کردند؟

۴ـ روی نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰، اراضی الحاقی به‌روم را در زمان امپراطوری مشخص کنید، چه زمانی خاک امپراطوری روم وسعت گرفت؟

۵ـ او کتاویان چند سال به‌عنوان حاکم مطلق، حکومت کرد؟ حکومت او چند سال پیش شروع و چند سال پیش خاتمه یافت؟

فصل چهارم

معیشت و فرهنگ روم در آغاز امپراطوری

بند یازدهم

طرز معیشت برده‌داران و فقیران در روم طی قرون اول و دوم میلادی

بخاطر آورید: طرز معیشت پاتریسین‌ها در نخستین قرن‌های موجودیت روم از چه قرار بود؟ (بند ۷، ماده‌ی۴)، چرا دهقانان‌ایتالیا ورشکست شدند؟ (بند۷،ماده‌ی۱).

۱ـ معیشت برده‌داران در قرون اول و دوم میلادی

روی تپه‌های رم کاخ‌های برده‌داران، که با پارك‌ها احاطه شده بود، قرار داشت.

در این کاخ‌ها، اتاق‌های زیادی وجود داشت. روی دیواراتاقها

تصاویری ترسیم شده بود. سقف کاخ را ستون‌هائـی از سنگ مرمر برپا میداشتند و محسمه‌هائی از برنز، عاج فیل ومرمر، کاخ را زینت میدادند. کف اتاق‌ها بوسیله‌ی **موزائیك*** پوشیده شده بود.وسط تالار های بزرگ، در میان حوض فواره‌های آب بچشم میخورد.

برده‌داران برای برگزاری ضیافت‌هایشان از ایالات دور دست روم، ماهی تازه که درتغارهای پراز آب نگاهداری میشد و میوه‌های وحشی از آفریقا به‌ایتالیا می‌آوردند.

بخش اعظم اوقات آنها در حمام‌های مجلل ـ یعنی در **ترما**[1] می‌گذشت (تصویر شماره‌ی ۲۶).

یك ثـروتمند صدها برده دراختیار داشت. بردگان در خیابانها ثروتمندان‌را روی‌تخت‌روان (تصویررنگی‌شماره‌ی ۶)حمل‌می‌کردند.

بجای سگ نگهبان نیز از بردگان استفاده می‌شد: زنجیری به‌گردن‌برده‌می‌بستند، به‌دیوارمیکوبیدندودم درخانه‌ی اشراف‌به‌نگهبانی وامیداشتند. درمیان‌بردگان، پزشکان، موسیقی‌دان‌ها و نقاشان هنرمندی یافت می‌شدند.

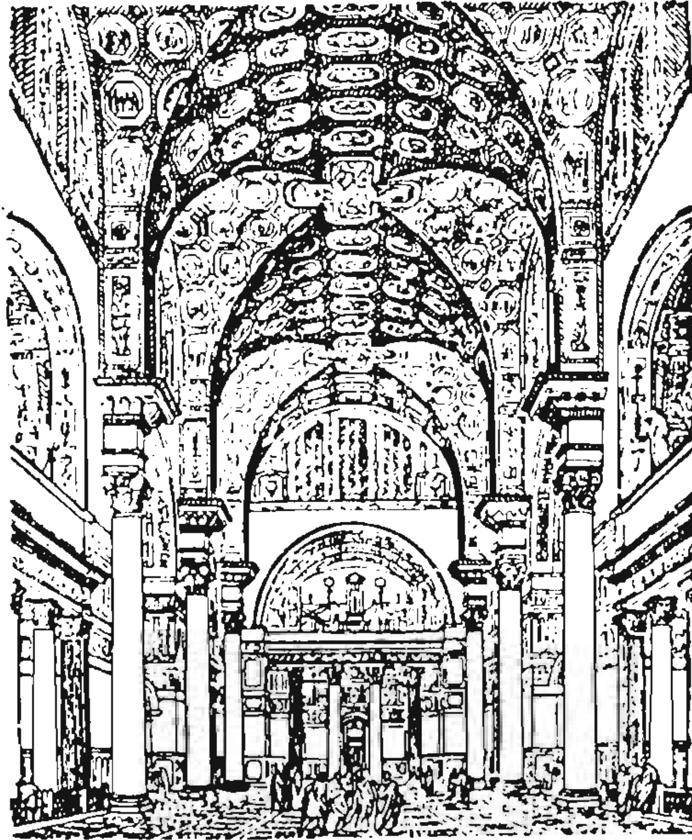
اغلب اوقات بسیاری از بردگان یونانی با سوادتـر از اربابان رومی خود بودند.

۲ـ تأثیر یونانی‌ها برروم

فرهنگ یونان تأثیر زیادی برطرز معیشت برده‌داران رومـی و

* موزائیک ـ تصاویر و نقش و نگارهایی که با سنگ‌های ریزالوان ترسیم و ساخته می‌شد.

1- Thermae



تصویر شماره‌ی ۲۶

ترما ـ گرمابه‌ای در رم. تجدید بنا شده. این گونه بناها استخرهایی داشتند که از سنگ مرمر بود و دارای آب سرد و گرم بودند. تالارهایی نیز برای ورزش و قرائت در آن‌ها وجود داشت.

برتمامی فرهنگ روم، بجای گذاشته بود.

در کولونی‌های یونانی واقع در جنوب ایتالیا، رومیان با زبان و فرهنگ وهنر یونانیان آشنا می‌شدند. آنها با اخذ خط یونانی، الفبای خود را که الفبای لاتین نامیده می‌شد، تنظیم نمودند. رومیان شروع به‌پرستش خدایان المپ کردند، لیکن فقط اسامی آنها راتغییر داده بودند. آنها به‌زئوس ـ ژوپیتر می گفتند (کدامیك از خدایان را رومی‌ها ولکان Vulcanus می‌نامیدند؟).

مخصوصاً پس از اشغال یونان توسط روم درقرن دوم پیش از میلاد بود که تأثیر یونان برروم فزونی گرفت.

رومیان پیروز، درکناریونانیان شکست خورده تحصیل‌میکردند وبه‌ایشان تأسی می‌جستند.

رومیان تعداد زیادی از تندیس‌ها، تصاویر و سایر آثار هنری یونان را به‌ایتالیا برده بودند. معماران یونانی، مجسمه‌سازان ونقاشان این‌کشور برطبق سفارش اشراف و ثروتمندان روم، آثارهنری خود را بوجودمی‌آوردند. در رم، آثار نویسندگان یونانی بزبان لاتین برگردانده‌می‌شد. جوانان اشراف‌زاده‌ی‌رومی، دربهترین‌مدارس‌یونان تحصیل می‌کردند.

۳- نمایش در روم

در بسیاری از شهرهای رومی تئاترهائی بسبك تئاتر یونانی ساخته شده بود.

ولی نمایش مورد علاقه‌ی رومیان، نبردهای گلادیاتوری و مسابقات اسب‌دوانی بود.

در زمان حکومت امپراطوری، این نبردها نسبت به دوره‌ی جمهوری دامنه‌ی زیادتر و وسیع‌تری کسب‌کرده بودند.

طبق دستور اوگوست در ناحیه‌ی رم، دریاچه‌ای احداث شده بود که درآن ۳۰ کشتی‌بزرگ و تعدادی کوچك، جای داده شده بود. در دریاچه نبردهای دریائی‌ای صورت می‌گرفت‌که درآن‌قریب ۳ هزارنفر شرکت میکردند.

در نیمه‌ی دوم قرن اول میلادی، بدستور امپراطور آمفی‌تئاتر

بزرگی بنام **کولیزیوم**[1] دررم ساخته شد. در کولیزیوم ۹۰هزار تماشاگر جای می‌گرفت.

ترایان پس از یکی از اردوکشی‌های موفقیت‌آمیز خود، جشنی برپا کرد که ۱۲۳ روز طول کشید. طی روزهای جشن ۱۰ هزار نفر در نبردهای گلادیاتوری شرکت کردند و ۱۱ هزار جانور درصحنه‌ی آمفی تئاتر رها شدند.



تصویر شماره‌ی ۲۷

نقشه‌ی شهر رم

برای مسابقات اسب‌دوانی سیرک‌هائی ساخته شده بود. برای دور زدن صحنه‌ی سیرک بزرگ رم، می‌بایست قریب یک کیلومتر طی شود. اطراف صحنه، پله‌هائی احداث شده بود برای نشستن تماشاگران.

1- Colizium

در میدان‌چهاراسب تندپوی به‌حرکت در می‌آمدند که صاحب خود رادرارابه‌ی کوچکی‌بدنبال میکشیدند. مسابقه‌دهندگان لباس‌های الوانی‌به‌تن میکردند. بندرت مسابقه‌ای‌بدون بروز حادثه‌ی مصیبت‌باری صورت می‌گرفت‌که به‌مرگ‌عده‌ای از ارابه‌ران‌ها نیانجامد.

۴ـ «نان و نمایش»

بموازات شکوه و جلال پرزرق و برق اشرافی در رم، سیمای فقر و مسکنت شدید مردم نیز نمایان بود.

افلاس دهقانان، که از همان دوران جمهوری شروع شده بود، درزمان امپراطوری نیز ادامه یافت. پیشه‌وران نیز به‌ورشکستگی کشیده شده بودند. از تمام خاك ایتالیا فقرا به‌رم هجوم می‌آوردند.

در ناحیه‌ی شهر، خانه‌های پنج ـ شش طبقه‌ای ساخته شده بود که فقرا در آن زندگی می‌کردند. معابر بین این خانه‌ها بقدری تنگ بودکه نور آفتاب هم بدان راه نمی‌یافت. اهالی فقیر، فضولات خود رامستقیماً دراین معابر خالی می‌کردند و از درون خانه‌ها بوی گند و تعفن شدیدی بمشام میخورد. خانه‌ها بطرز بدی ساخته شده و بندرت آب وجارو می‌شدند و اغلب درآنها حریق رخ می‌داد و سکنه، یا در زیر آوار و یا درمیان شعله‌های آتش، جان می‌سپردند.

باتمام این احوال، فقیران زیادی وجود داشتندکه حتی از دارا بودن چنین مساکنی نیز محروم بودند. آنها شبهای‌خود را درخیابان‌ها و میدان‌های شهر به‌صبح می‌آوردند.

برای اینکه موج خشم و توفان فقیران بلند نشود، امپراطورها

مقداری نان بین ایشان تقسیم می کردند. درقرن اول میلادی در رم بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مردم، صدقه بگیر محسوب می‌شدند. صدها تـن از فقرا، دم کاخ‌های ثروتمندان جمع می‌شدند بامید اینکه لقمه‌ی نانی به‌صدقه، دریافت کنند.

فقیر رومی که به‌یك بیکار اجباری و صدقه‌بگیر حـرفه‌ای مبدل شده بود، دیگر میلی هم به کار کردن نداشت. نه تنها برده‌داران، حتی صدقه‌بگیران نیز کار را مال بردگان میدانستند. تنها چیزی که از امپراطوران میخواستند «نان و نمایش» بود.

کار بردگان، که درنتیجه‌ی آن ثروت برده‌داران کلان ترشده بـود، به‌افلاس دهقانان و پیشه‌وران منجر شد. در ایتالیا تعداد دهقانان بی‌زمین و بی‌خانمان، که نیم گرسنه بحساب صدقـه‌ی امپراطـوران و ثروتمندان رومی میزیستند، پیوسته افزایش میبافت.

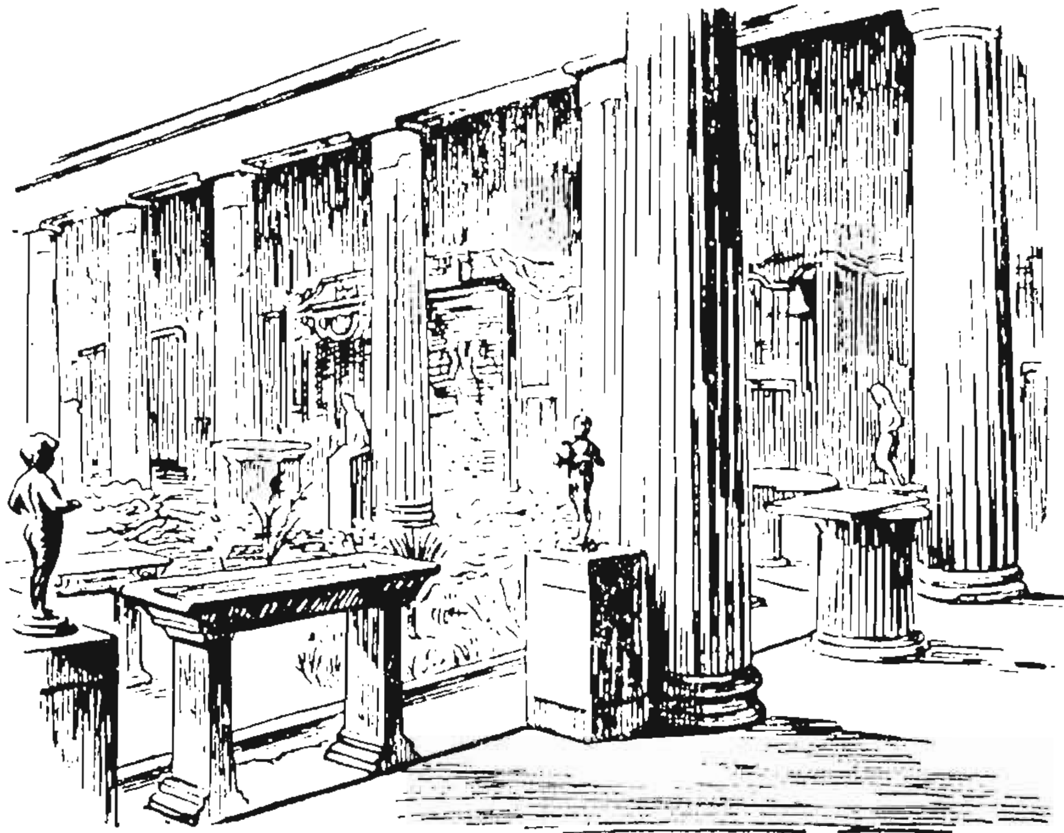
(متن کلاسیکی که درصفحات بعد درج می‌شود، شما را بهتر باوضع صدقه‌بگیران آشنامی‌سازد).

***

حفاری شهر پمپی

برای بررسی ومطالعه‌ی طرز معیشت مردم وفرهنگ ایتالیا، حفاری‌شهر رومی پمپی، اهمیت زیادی داشت. این شهر کمی دورتر از آتشفشان وزو، کـه غیر فعال شمرده میشد، قرارگرفته بود. درنیمه‌ی دوم قرن‌اول میلادی بناگاه آتشفشان زبانه کشید و از دهانه‌ی آن

مقدار زیادی مواد مذاب به‌اطراف بیرون ریخت.
شهر پمپی در زیر قشری از خاکستر که تقریباً ۱۰متر قطر داشت، دفن شد. اکثر سکنه‌ی شهر موفق به‌فرار شدند. مردمی که نتوانستند بگریزند، مردند. غلامان نیزکه در زیرزمین‌ها بزنجیر کشیده شده بودند،هلاك گردیدند.
پلینی[1] دانشمندمشهوررومی‌نیزکه ازجای امنی‌مشغول نظاره‌ی مواد مذاب وزو بود، در زیرخاکسترمدفون شد. درقرن هیجدهم میلادی حفاری شهر پمپی‌آغاز شد، اکنون بخش اعظم شهر از زیر خاك و خاکستر



تصویر شماره‌ی ۲۸

منظره‌ی داخلی خانه‌ی یک ثروتمند رومی در پمپی. اطراف خانه، ستون‌ها و مجسمه‌های یونانی و رومی به‌چشم می‌خورد.

1- Plliny

بیرون آورده شده است، معابر و بناهای مسکونی و آمفی تئاتر و گرمابه‌ها و معابد نیز حفاری شدند. روی دیوار خانه‌ها، یادداشتهایی بچشم میخورد که تاریخ برنامه‌های تئاتری و مبارزات گلادیاتوری را به‌اهالی اطلاع میدادند. در داخل منازل ثروتمندان، کف‌های موزائیک، ظروف و تصاویر روی دیوارها، حفظ‌شده بود. در خانه‌ی یک رباخوار ثروتمند، فهرستی یافت شد که اسامی بیش از یکصدنفر مقروض، در آن نوشته شده بود. محصول، اجساد آدمها و جانوران سوخته و خاکستر شده‌بودند لیکن اثر آنها بر خاکستر همچنان باقی بود. باستان‌شناسان از این آثار با گچ قالب‌گیری کردند و اندازه‌ی دقیق اجساد و اشیاء را بدست آوردند.

مسافری که اکنون به‌شهر پمپی میرود، می‌تواند خود را در شهری درقرن اول میلادی، که‌گوئی خالی از سکنه شده است، احساس کند. طبق یافته‌های باستان‌شناسی، یک نقاش زندگی در شهرپمپی را ترسیم کرده است که در تصویر رنگی شماره ۹ مشاهده می‌کنید.

پرسش و تمرین:

۱ـ زندگی اشراف روم در زمان امپراطوری چه تفاوتی با زندگی پاتریسین‌ها در نخستین قرن‌های موجودیت شهر رم داشت؟

۲ـ چرا تعداد بیکاران رم تا بدین حد زیاد بود؟ مفهوم «نان و نمایش» را توضیح دهید. به‌خاطر آورید که فقیران در زمان تیبریوس و گایوس گراکوس چه می‌خواستند؟

۳ـ نمایش مورد علاقه‌ی رومیان را نام ببرید، در نمایشات روم و یونان چه وجه اشتراکی وجود دارد؟ تفاوتشان در چیست.

۴ـ چگونه یونان بر روم تأثیر گذاشت؟

بند دوازدهم

تکنیک وهنر در رم

۱ ــ آب لوله کشی رم

در قرنهای اول و دوم میلادی قریب یك میلیون نفر دررم زندگی می کردند. رم وسایر شهرهای بزرگ امپراطوری به آب فراوان احتیاج داشت.

رومیان در کوه‌ها به جست و جوی منابع آب پرداختند. آنها از میان کوه‌ها لوله‌ی آبی کشیدند که با شیب ملایمی بسوی شهر می آمد. برای ایجاد چنین شیبی لوله‌ها را درنقاط مرتفع روی زمین قرار میدادند و در نقاط پست روی پل‌هائی که از سنگ احداث می‌شد (تصویر شماره‌ی ۲۹). آب در لوله‌ها وناودان‌ها خود بخود به‌جریان می‌افتاد و به‌شهر میرسید. بیش از ده‌ها لوله، آب مورد نیاز مردم رم را تأمین میکرد. بعضی از این‌لوله‌ها تا ۷۰ کیلومتر طول داشتند.

۲- وسایل فنی ساختمانی

رومیان‌توانسته بودندبتون را اختراع کنند. با کمك‌بتون‌طاقهای قوسی فوق‌العاده محکمی ساخته می‌شد (تصویر شماره‌ی ۲۹).طاق‌ها شبیه کمانی کشیده بودند. به‌همین جهت‌آنها را «آرکوس»[۱] مینامیدند که بزبان لاتینی «کمان» معنی می‌دهد.

طاق‌های قوسی و یا کمانی رواج وسیعی در رم داشت،به‌هنگام احداث لوله کشی آب، بناها، پل‌های عبور از روی رودخانه‌ها،مورد استفاده قرار می گرفت. بعضی از پل‌هائی که در رم ساخته شدند،اینك پس از گذشت دوهزار سال بازهم باقی مانده‌اند.

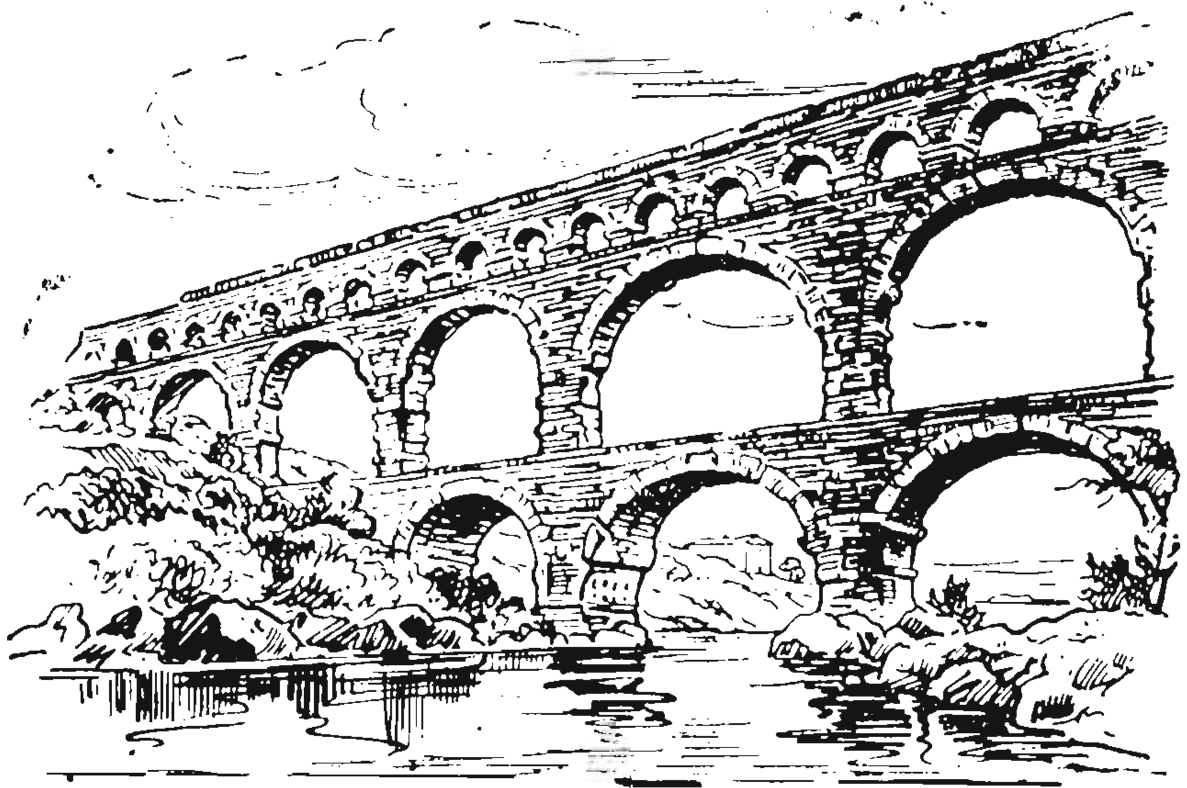
امپراطوران دستور میدادند که به‌افتخار پیروزیهایشان طاق نصرت‌های بزرگی ساخته شود، درموقع مراسم تری‌یومف امپراطور از زیرطاق نصرت عبورمیکرد.

رومیان توانسته بودند سالن‌های بزرگ سرپوشیده‌ای بسازند که شبیه یك‌جام وارونه بود و «کوپولا»[۲] یعنی گنبد، نام‌داشت.نمونه‌ی آنها - معبد «پانتئون»[۳] رم است که تا زمان حاضر نیز باقی مانده (تصویر شماره‌ی۳۰).

۳- مجسمه‌سازی رومی

بناهای روم را با مجسمه‌ها ونقوش برجسته‌ای که بخشی از آن را از یونان آورده بودند و تعدادی را درخود رم ساخته بودند،تزئین می کردند.

1- Arcus 2- Cupola 3- Pantheon



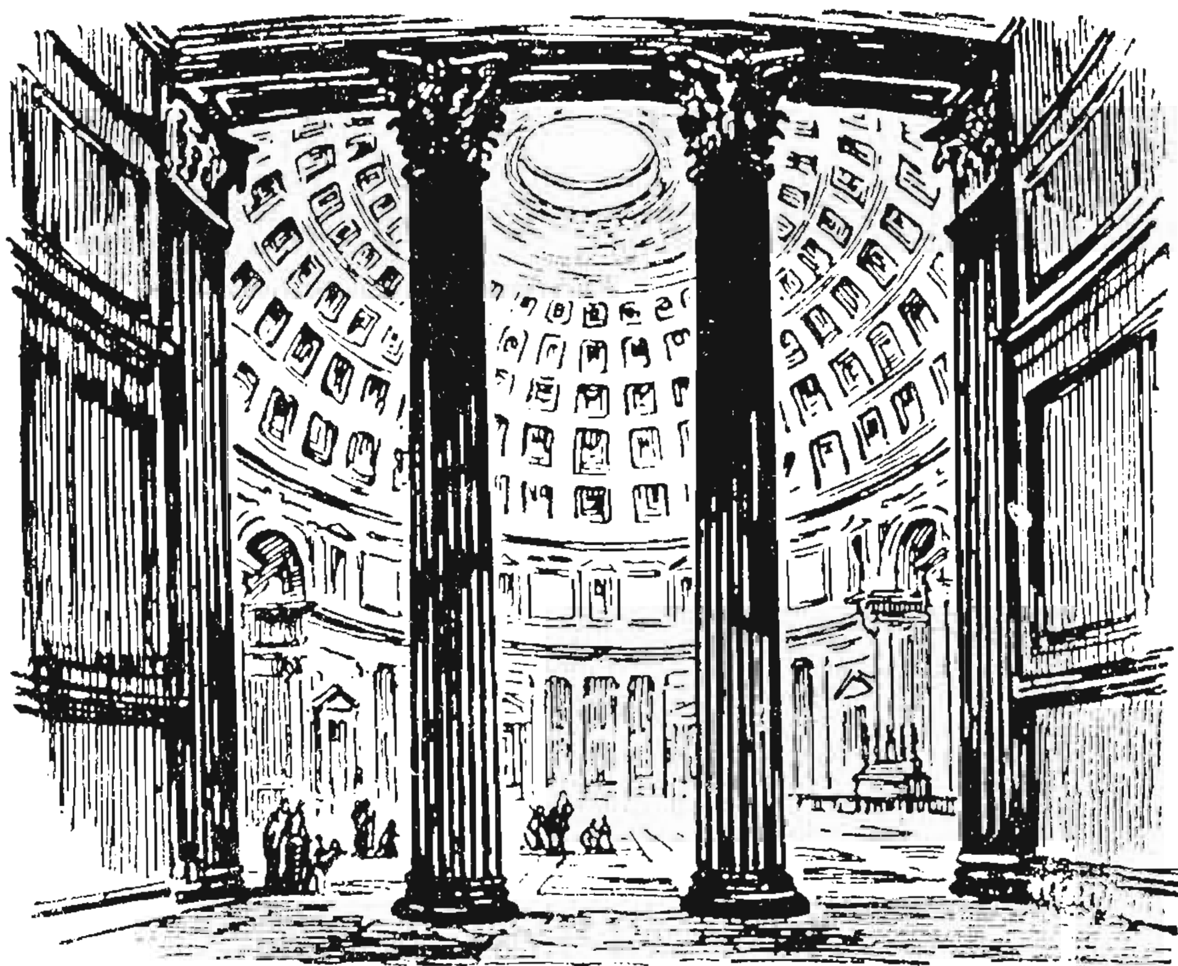
تصویر شماره‌ی ۲۹

یک پل قوسی رومی در جنوب فرانسه‌ی کنونی. از روی این پل، لوله‌ی آب عبور می‌کرد. آب در یک ناودان روباز جریان می‌یافت. ارتفاع پل نسبت به‌سطح رودخانه تقریباً ۵۰ متر است.

رومیان درزمینه‌ی مجسم‌ساختن صورت‌انسان بوسیله‌ی مجسمه‌سازی به‌اوج قدرت هنری نایل شده بودند. نیم‌تنه‌ها و تندیس‌های رومی بیانگر هنرمندانه‌ی سیمای اشخاص است.

مجسمه‌ساز بادقت فوق‌العاده زیادی سیمای آدمیزاد وزمانی نیز خصال وصفات او را مجسم میکرد. (به‌تصویرهای شماره ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ توجه کنید).

مثلاً در نیم‌تنه‌ی رباخوار، که در پمپی یافت شد، مجسمه‌ساز در نهایت هنر، حرص و آز وبی‌عاطفگی انسانی را مجسم کرده که



تصویر شماره‌ی ۳۰

نمای داخلی پانتئون

در حال حاضر از پانتئون به‌عنوان گورستان افراد برجسته‌ی ایتالیا استفاده می‌شود. محوطه‌ی پانتئون با روزنه‌ی بزرگ مدوری که در میان گنبد قرار دارد، روشن می‌شود

زندگی خویش را وقف سودپرستی نموده است.

امپراطوران روم میکوشیدند از هنر نیز به‌نفع تحکیم پایه‌های حکومت‌خود استفاده کنند. درمیدان‌هاوخیابان‌های شهر ومحل برگزاری اجلاسیه‌ی مجلس ملی ـ فروم ـ مجسمه‌ی آنها نصب میشد. مجسمه‌سازان، امپراطوران را درحال پیروزی بردشمن نشان میدادند.



تصویر شماره‌ی ۳۱

زیاخواری از پمپی

گاهی امپراطوران به‌شکل خدایان در مجسمه‌ها تجلی میکردند (تصویر شماره‌ی ۲۴) مخصوصاً فروم ـ پر از تندیس‌های مختلف بود (تصویر شماره‌ی ۳۵).



تصویر شماره‌ی ۳۲

یک زن اشرافی روم

ترایان دستور داده بود به‌افتخار پیروزیهایش ستون یادبود مرتفعی به‌اندازه‌ی یك خانه‌ی هفت‌طبقه بسازند (تصویر شماره‌ی ۲۵). نقوش برجسته روی مرمر، بسان نواری، از بالا تا پائین این ستون را در بر گرفته بود.



تصویر شماره‌ی ۳۳

پیرمردی از روم

موضوع نقوش برجسته را صحنه‌هائی از نبردها، عبور سپاه از رودخانه‌ها، گرفتن اسرا و غیره تشکیل میداد.

۴ـ ادبیات

آغازدوره‌ی‌امپراطوری روم، باشکوفائی شعر ونظم آن‌همزمان بود. درخانه‌ی برده‌دار ثروتمندی بنام **میسه‌ناس**[1] که دوست او گوست بود، عده‌ای از شاعران و نویسندگان رومی گرد می‌آمدند. **ویرگیل**[2] **وهوراس**[3] شاعران برجسته نیز بدین محفل کوچك، انس داشتند. میسه‌ناس به‌هریك از آن‌ها ملکی داده و هدایای دیگری نیز اعطاء

1- Maecenas 2- Virgil 3- Horace

مینمود. واژهٔ میسه‌ناس به‌معنای «حامی‌هنر» مشهور شده بود.

ویرگیل منظومه‌ای نگاشته بود بنام «اینه‌اید»[1]. این منظومه به شیوه‌ی اشعار ایلیاد و اودیسه نوشته شده بود. در منظومه از ماجرای لژیونری بنام اینه‌یاس[2] سخن می‌رفت که از تروبا دفاع می‌کرد و فرزند الهه‌ای بود و درموقع نابودی شهر، نجات حاصل کرد و به‌ایتالیا آمد.

ویرگیل در منظومه‌ی خود می‌گفت که رم باید آقای جهان شود:

«ای رومی!
بخاطر بسپار که تو، باید
ملت‌ها را رهبر باشی،
صلح را
برقرار سازی،
به‌شکست‌خوردگان
رحم‌آوری،
و با جنگ،
سرکشان را به‌اطاعت واداری»...

ویرگیل مداح اوگوست بود و میگفت که او عصر سعادت را برای زمین به‌ارمغان آورده است.

هوراس هنوز نوجوان بود که ژولی‌سزار به‌قتل رسید. پس به سپاه بروتوس پیوست و بهمراه او در نبرد، بزرگ شد. او بعدها «ساعات وحشتناك نبرد» را چنین بخاطر می‌آورد:

گریختم، ناپاکانه، سپرانداخته*
لرزان به‌ندرونیاز پرداخته...

1- Aenied 2- Aeneas

* ضرب‌المثل یونانی را به‌خاطر آورید: «باسپریاروی سپر». م.

تصویر شماره‌ی ۳۴

فروم در دوره‌ی امپراطوری

طرف چپ ـ ستون‌های معبدی دیده می‌شود که در زمان اوگوست ساخته شد. پشت ستون‌ها، بناهایی است که با طاق‌های قوسی احاطه گردیده. در انتهای تصویر معابد دیگر با فواره‌ها و طاق‌نصرت‌ها دیده می‌شود. طرف راست، در وسط ستون‌ها، مجسمه‌ی مادر گرگ قرار دارد. در میدان، مجسمه‌های امپراطوران و سرداران نظامی دیده می‌شود. در آخر سمت راست، در روستای کاپیتول دیده می‌شود. منظره‌ی این میدان بر اساس حفاری‌های باستان‌شناسی، دوباره سازی شده است

هوراس با اوگوست کنار آمد و به‌مدح امپراطور پرداخت.
هوراس با نفرت از «راهزنان اسپارتاکوس» صحبت میکرد. او نوشت:

تا زمانی که برتمام جهان

حاکم مطلق است شاه اوگوست،
من نترسم زهیچ آشوبی،
صلح وهستی من ز قدرت اوست...

در این ابیات هوراس بیانگر کوشش برده‌داران رومی بـرای حفظ و تحکیم پایه‌های حکومت مطلقه‌ی امپراطور روم است.

۵ـ اهمیت فرهنگ روم

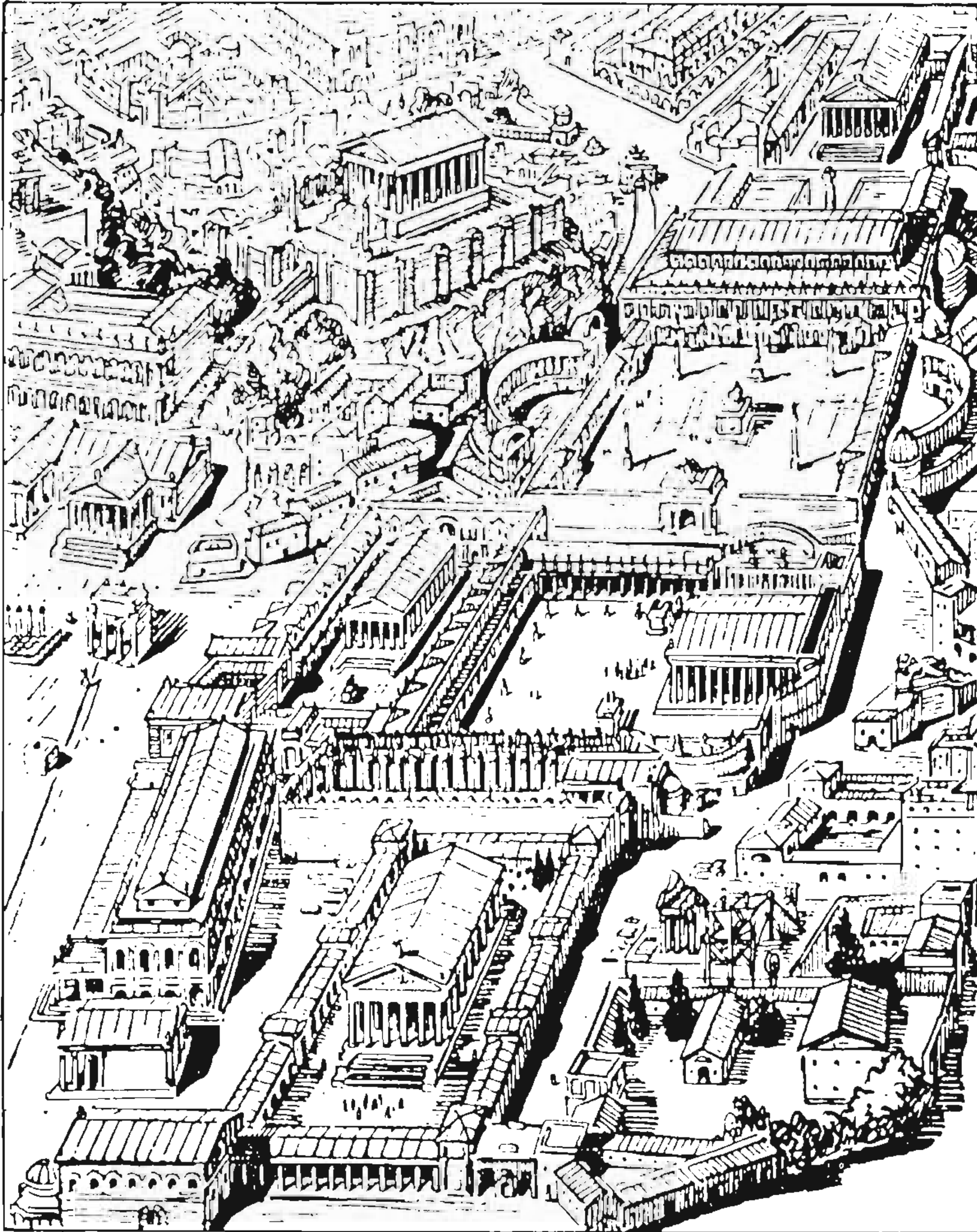
نه‌تنها درایتالیا، بلکه در خارج از سرحدات آن نیز زبان لاتین رواج وسیعی یافت. تا مدت‌های مدید، مردم تحصیل کرده‌ی اروپای غربی بدین زبان سخن گفته و می‌نوشتند. اکنون نیز درعلـوم معدن‌شناسی، گیاه‌شناسی، جانور شناسی اسامی بـه‌زبان لاتین بکار میرود. این اسامی و اصطلاحات برای دانشمندان کلیه‌ی کشورها مفهوم می‌باشند.

بسیاری از واژه‌های زبان لاتینی به‌زبان ملت‌هـای کنونـی راه یافته است. مثلا واژه‌ی «اسکول ـ مدرسه»، «کلاس» «کریدور ـ کریدور»، «دیرکتور ـ مدیر، سرپرست». از آن جمله‌اند. دراتحاد شوروی، ملت‌های جماهیری که در حوضه‌ی بالتیك قرار دادنـد، از الفبای لاتین استفاده می‌کنند.

ما از سالنامه‌ی رومی استفاده می‌کنیم. درسالنامه‌ی رومی تغییر اندکی داده شده است. اسامی لاتینی ماه‌ها همچنان حفظ گردیده‌اند. واژه‌ی «ژونیه» به‌افتخار ژولی سزار پدید آمد و ماه اوت ـ به‌افتخار «اوگـوست» وسپتامبر یعنی «هفتمین» و اکتبر که «هشتمین» معنی می‌دهد (در روم ماه مارس نخستین ماه‌سال شمرده می‌شد).

اشعار ویرگیل و هوراس، که بزبانی جالب و شیوه‌ای ظریف

نگاشته شده و نیز تألیفات بسیاری از شاعران و نویسندگان رومی، در



تصویر شماره‌ی ۳۶

منظره‌ی عمومی بخش مرکزی رم در زمان امپراطوری (تجدید بنا شده).

حال حاضر هم چاپ ومنتشر می گردد.

رومیان دررشته‌ی معماری و هنر پیکرتراشی مهارت زیادی بدست آورده بودند. آنها کپیه‌ی بسیاری از شاهکارهای مجسمه‌سازان یونانی را که اصل آن ازبین رفته بود، تهیه نمودند.

ساختمان‌های عظیم رم، لوله‌کشی آب، معابد، آمفی تئاترها، طاق‌های قوسی ـ از ثمره‌ی کار بردگان بیشمار و در قبال غارت بی‌رحمانه‌ی ملت‌های شکست‌خورده، پدید آمدند.

از یاداشت‌های «اعمال خدایگان اوگوست»

براساس نوشته‌ی ذیل، درمورد زندگی ساکنان رم درقرن‌اول میلادی چه‌تصویری حاصل‌می کنید؟ درمورد دارائی او گوست ووضع او درحکومت رم چه‌چیزی می‌توانید بیان نمائید؟

«من، برطبق‌وصایای‌ژولی‌سزار، به‌هرنفرسیصد سسترس (سکه‌ی نقره‌ای روم) صدقه دادم. موقعی که برای پنجمین بار کنسول شدم، از غنایم جنگی به‌هرفرد چهارصد سسترس بخشیدم ودر یازدهمین‌بار کنسولی خویش، من‌دوازده‌بار نانی‌را که ازپول من‌خریداری شده بود بین فقرا تقسیم نمودم ووقتی‌که من برای دوازدهمین بارتریبون شدم، سه‌بار به‌هرنفر چهارصد سسترس صدقه‌دادم، این صدقات من‌هیچ‌گاه نصیب عده‌ای کمتر از دویست‌وپنجاه‌هزارنفر نمیشد. وقتی که من‌برای هیجدهمین‌بارتریبون شدم‌ودوازدهمین بار کنسول، به‌هریك از سیصدوبیست‌هزار نفرفقیران شهر، دویست‌وچهل سسترس به‌صدقه نثارکردم وبه‌هریك از سربازان خود ازغنایم جنگی هزارسسترس

بخشیدم‌واین‌هدیه‌را قریب‌صدو بیست‌هزارتن،دریافت داشتند. در سیزدهمین بار کنسولی خویش بود که به‌هرنفر از یك جماعت دویست‌هزار نفری،دویست‌و چهل سسترس اهداءکردم. پول زمین‌هائی را که‌من بین سربازان تقسیم کردم، ازخزانه‌ی خودپرداختم. این پول به‌هشتصدوشصت‌میلیون‌سسترس‌بالغ‌شد. من برای‌اینکه سربازانم‌را پاداشی داده باشم، از دارائی خود صد وهفتاد میلیون سسترس خرج‌کردم».

پرسش و تمرین:

۱ـ بناهای رومی و یونانی را مقایسه کنید. رومیان چه تغییری در سبک معماری یونان دادند؟ چه چیز تازه‌ای در معماری بوجود آوردند؟

۲ـ چه چیز تازه‌ای به‌هنر مجسمه‌سازی افزودند؟

۳ـ هنر چگونه برای تحکیم حکومت مورد استفاده قرار می‌گرفت؟

۴ـ شاعران محفل «میسه‌ناس» از منافع چه کسانی دفاع می‌کردند؟ از روی آثار آن‌ها، مثال بزنید.

فصل پنجم

انحطاط وانهدام امپراطوری‌روم

بند سیزدهم

آغاز انحطاط امپراطوری برده‌دار روم درقرن سوم میلادی

بخاطر آورید: رم ازکار بردگان درچه رشته‌های اقتصادی بهره میگرفت؟ چرا از کار بردگان آنهمه استفاده می‌شد؟ (بند۶، ماده‌ی۲).

درقرن دوم میلادی، امپراطوری روم،بزرگترین ونیرومندترین دولت جهان بود. معذلك رشد تعداد بردگان در رم، نیروی آن را پیوسته تحلیل می‌برد واقتصادش را به‌انحطاط می‌کشاند.

۱- کاربردگان

اگرچه کار بردگان برای برده‌داران ارزان تمام می‌شد، ولی درعوض، بدکار میکردند. برای‌بردگانی که زمین را عمل‌می‌آوردند،

تفاوف نداشت که محصول خوب باشد یا بد، بیش باشد یا کم. هرچقدر هم که بردگان با دلسوزی بیشتری کار میکردند، بازچیزی جزلقمه‌ای نان بخورونمیر، نصیبشان نمی‌شد و جز پلاسی تنشان را نمی‌پوشاند. بدین جهت بردگان میکوشیدند که تا حد امکان آهسته و بـدتر کار کنند، آنها که چشم دیدن اربابان خود رانداشتند، ابزارکار را می شکستند و احشام را معیوب میکردند.

یك برده‌دار قرن اول میلادی کار بردگان را چنین وصف کرده است: «بردگان آفتی بزرگ برای مزارع هستند. گاوان نـر وبقیه‌ی احشام را بد میچرانند، زمین را بطور احمقانه‌ای شخم میزنند، مراقبت نمیکنند که بذری که روی زمین پاشیده شد، خوب عمل آید وخـود، غلـه را میدزدنـد و غله‌ی دزدیـده شده را نیز از دزدان ناشی دیگـر میربایند».

۲- بردگی - سدی در راه پیشرفت اقتصاد

در شرایط رژیم برده‌داری امکان نداشت که زمین را بهتر از این عمل آورد و اختراعات جدید را بکار گرفت و نژاد حیوانات را بهبود بخشید. این اطمینان نیز وجود نداشت که ابزار کار گرانبها را که شکستنشان امکان‌پذیر بود و نیز گله‌های باارزش را، بدست‌بردگان سپرد.

در رم گاوآهن پیچیده‌ای اختراع شده بود که با استفاده از آن خاك بمراتب بهتر بعمل می‌آمد. لیکن این گاوآهن را بطـور کلی در آن ایالاتی بکار میبردند که دهقانان آزاد زندگی می کردند. بردگان با

همان گاوآهن کهنه‌ی سنگین کار می کردند.

یك چرخ آبی نیز اختراع شده بود و روی رودخانه‌های امپراطوری روم آسیاهای آبی پدیدار شده بودند، لیکن بردگان اکثراً با همان آسیاهای دستی گندم را آرد می کردند.

در کارگاه‌ها، درمعادن و درتمامی نقاط رم کار با ساده‌ترین و خشن‌ترین ابزارها صورت می گرفت.

بردگی از پیشرفت تکنیك جلو گیری می کرد، زمین را از حاصل‌بخشی بسیار بازمیداشت ومحصول را سال‌به‌سال بدتر میکرد. معاصری نوشت که «زمین اگر دهقان رویش کار کند، حاصل‌بخش می‌شود و اگر برده آن را بعمل آورد، بی‌محصول». تعداد بردگان در ایتالیا بیش از همه‌جای دیگر بود وبدین سبب انحطاط اقتصادهم شدیدتر.

بتدریج دیگر کار بردگان برای برده‌داران سودی نداشت. علاوه براین، داشتن برده‌ی زیاد نیز خطرناك شده بود. برده‌داران می گفتند: «هرچه بردگانت زیادتر باشند، دشمنانت فزون‌ترند».

۳- کولون‌ها و «کلبه‌داران»

هنوز درهمان قرن اول پیش از میلاد بود که پس ازقیام بزرگ بردگان، بعضی از برده‌داران ترسیده و شروع کردند به اجاره دادن قطعات کوچك اراضی خویش به‌فقیران آزاد (غیر برده). مستاجر پس از اینکه سهم مالك را از محصول زمین می‌پرداخت بقیه را خود بر میداشت. بدین‌جهت یك مستأجر بهتر از یك برده زمین را بعمل می-

آورد. مستأجران خرده را در روم، کولون[1] مینامیدند.

درقرن اول میلادی تعداد کولون‌ها هنوز زیاد نبود. در قرن دوم میلادی بمراتب افزون‌تر شدند. و دیگر بسیاری ازبرده‌داران،اراضی خود را به‌قطعات کوچك تقسیم کرده، اجاره میدادند.

کولون‌ها ابزار کار، احشام و بذر را از صاحب زمین به‌عاریه میگرفتند، ولی نمی‌توانستند دین خود را بپردازند. زیرا که محصول زمین به‌زحمت میتوانست کفاف استهلاك دیون آنها رابدهد. کولون مدیون حق خروج از ملك را نداشت. او کاملا بـه‌مالك زمین وابسته میشد.



تصویرشماره‌ی ۳٦

کولون‌ها سهمیه‌ی ارباب را به‌وی می‌دهند

نقش برجسته‌ی رومی

کولون‌ها به‌عنوان سهم ارباب، اغلب اوقات مرغ و خروس و جوجه و بچه‌خوك می‌آوردند یکی ازکولون‌ها در ماهی بزرگ حمل می‌کند و دیگری سبدی پر از تخم‌مرغ برای ارباب آورده است.

بعضی از برده‌داران به‌بردگان نیز قطعات کوچکتری ازاراضی و ابزارکار وبذر اجاره وعاریه می‌دادند و به‌بردگان اجازه میدادندکه

1. Colon

مزرعه و خانواده داشته باشند. آنها روی این امر حساب می کردند که بردگانی از این قبیل بهتر کار می‌کنند و فرار نخواهند نمود و درپی انتقام گرفتن از اربابان خویش بر نخواهند آمد. اینگونه بردگان را «برده‌های کلبه‌دار» مینامیدند.

۴ـ قیام‌ها در امپراطوری

اگرچه بردگان موفق شده بودند بعضی از جنبه‌های زندگی خویش را بهبود بخشند، ولی وضع آنها کما فی‌السابق دردناك بود. برده بسان گذشته تحت تسلط ارباب قرار داشت. وضع کولون‌ها نیز از وضع بردگان بهتر نبود.

مبارزه‌ی برده‌ها با ثروتمندان همچنان ادامه داشت. کولون‌ها نیز دراین مبارزه شرکت می‌جستند. در نواحی مختلف امپراطوری شعله‌های قیام زبانه میکشید.

مهم‌ترین قیامی که روی داد در اواسط قرن سوم میلادی شروع شد. آتش قیام تمامی سرزمین گول را در بر گرفت. قیامیان خود را **«باگائود»**ها که به‌معنای «جنگجویان» است، مینامیدند.

چوپان‌ها نیروی سوار و دهقانان نیروی پیاده‌ی آنها راتشکیل میدادند. آنها املاك برده‌داران را به‌آتش میکشیدند و اموالشان رابین خویش تقسیم میکردند.

قیام بزرگی نیز در آفریقای شمالی روی داد. در خود رم هم پیشه‌وران و بردگان به‌قیام برمیخاستند. آنها در تپه‌های رم پنهان شده و در معابر و میدانهای شهر به‌نبردهای بی‌امانی دست میزدند.

ولی امپراطوری روم هنوز ارتش عظیمی در اختیار داشت و از حمایت برده‌داران برخوردار بود. ارتش با بی‌رحمی تمام سکنه‌ی نقاطی را که به‌اشغال شورشیان درمی‌آمد، تیرباران مینمود. حکومت روم با سنگدلی وحشتناکی قیام ستم‌دیدگان را سرکوب میکرد.

پرسش و تمرین:

۱ـ چرا در قرون دوم و سوم میلادی، بردگی از پیشرفت تکنیک جلوگیری می‌کرد و اقتصاد روم را به‌سوی انحطاط می‌کشاند؟

۲ـ چه‌چیزی برده‌داران را مجبور کرد که اراضی را به‌اجاره دهند و از بردگان برای حفظ اقتصاد خود استفاده کنند؟

۳ـ وضع کولون‌ها چه تفاوتی با وضع دهقانان داشت؟

۴ـ به‌تصویر رنگی شماره‌ی یک نگاه کنید، بگویید که اگر کولون‌ها در این ملک کار می‌کردند، چه تغییراتی حاصل می‌شد؟

بند چهاردهم

پیدایش مسیحیت*

بخاطر آورید: چه داستان‌هائی در مورد مرگ و از مرگ برخاستن خدایان میدانید؟ این داستانها چگونه بوجود آمدند؟ (بند ۱۰ ماده‌ی ۳، بند۵، ماده‌ی۲).

۱ـ علت پیدایش مسیحیت

طغیان بردگان و کولون‌ها در امپراطوری روم با شکست‌روبرو می‌شد. امپراطوری روم شکست‌ناپذیر جلوه میکرد. فقط مرگ قادر بود برده‌ها و کولون‌ها را از کار طاقت‌فرسا و ازتوهین وتحقیربرهاند. آنها امید خود را نسبت به‌این امر از دست داده بودند که مبارزه با ستم‌گران می‌تواند درراه بهبود وضعشان مؤثر باشد. اعتقادبه‌خدایان

* قبل از مطالعه‌ی این بند، به‌جلد اول، صفحه ۴۹، بند ۲ مراجعه فرمایید. م

قدیمی، که نتوانسته بودند زندگیشان را بهتر سازند نیز از بین رفته بود.

درمیان ستم‌دیدگان اعتقاد به‌خداوندی مهربان وتوانا که قادر است آنها را از بند ستم نجات دهد و به‌رنج ومحنت ایشان یادرزمین ویا پس از مرگ دربهشت پایان بخشد، قوت می‌گرفت. ستم‌دیدگان، با صبوری منتظر ظهور این خدای مهربان بودند.

۲- مسیح

درقرن اول میلادی این خبر منتشرشد که خداوند پسر خویش را بشکل انسانی به **فلسطین** فرستاده و او بخاطر آن بزمین آمده تا بردگان وفقیران را مدد رساند. او را عیسی‌مسیح میخواندند ومیگفتند که حاکم رومی وی را به‌صلیب کشیده وعیسی، بدلخواه، این رنج و مصیبت راتحمل کرده است و نیز گفته می‌شد که پس از مرگ به‌آسمان پرواز نموده و وعده داده است که بزودی باز خواهد گشت و داوری خویش را درمورد روح آدمیان آغاز خواهد نمود و هرکسی که رنج ودرد را تحمل کند وعیسی را به‌پسری خداوند بپذیرد، بهشت جاودان را نصیبش خواهدکرد و بقیه را به‌عذابی الیم و ابدی محکوم خواهد ساخت.

درقرون دوم الی سوم میلادی این‌اخبار‌به‌نوشته‌آمدومجموعه‌ی این نوشته‌ها **انجیل** نام‌گرفت که بزبان یونانی به‌معنای «**خبرخوش، بشارت**» است. و این بشارت نیز همانی بود که ستم‌دیدگان، صبورانه منتظر دریافتش بودند.

در انجیل‌های مختلف، زندگی عیسی به‌اشکال گوناگون تجلی میکند. ولی مأخذ تمامی آنها را مرگ و ازمرگ‌برخاستن **اوسیریس**[1] و **دینونیسوس**[2] وغیره تشکیل میدهد.

۳- اشاعه‌ی مسیحیت

پس ستم‌دیدگان بامیل ورغبت خود را به‌حکایات تسلی‌بخش انجیل‌سپردند. زیرا که دراین‌حکایات وعده داده می‌شد که آنها، بخاطر رنج وعذابی که می‌کشند، به‌بهشت خواهند رفت وظالمان وستم‌گران کیفر خواهند دید. مردمانی کـه به‌انجیل باور داشتند، مسیحی نامیده میشدند. بدینسان بود که اعتقاد به‌مسیح - یعنی - مسیحیت - در میان فقیران وبردگان آسیای صغیر ومصروسپس یونان وایتالیا قوت گرفت. در میان مسیحیان هم یهودیان و یونانیان دیده می‌شدنـد وهم رومیان و مصریان وگول‌ها و هم افراد متعلق به‌ملیت‌های دیگر.

چون مسیحیان به‌خدای یگانه اعتقاد داشتند، ازخم‌شدن درمقابل امپراطوران سر باز میزدند و بـه‌همین جهت، مورد تعقیب آنها قرار داشتند. پس مسیحیان مخفیانه گرد می‌آمدند و بیشتر در زیرزمین‌ها و درغارها انجمن میکردند و در این بیغوله‌ها دست‌زاری و التماس بلند مینمودند و به‌قرائت انجیل گوش میدادند.

۴- مسیحی‌شدن ثروتمندان

در قرن سوم میلادی امپراطـوری روم باخطر آشوب روبـرو

1- Osiris 2- Dionysius

گردید. در جریان طغیان‌ها ثروتمندان نه‌تنها ملك و دارائی، بلکه‌جان خویش را هم از کف میدادند. قبایل متحد شده به امپراطوری حمله می‌نمودند و کشور را بی‌رحمانه به‌ویرانی می کشیدند. تمام این‌وقایع اطمینان ثروتمندان را به‌فردایشان سلب کرده بود. آنها نمیدانستندفردا زنده خواهند بود و دارائیشان ازچپاول درامان خواهد ماند یا خیر. همه درورطه‌ی یك اضطراب دایمی غوطه میخوردند.

پس ثروتمندان نیز بسان فقیران‌دل به‌زندگی پس ازمرگ‌خوش کرده و بدینسان، خود را تسلی میدادند.

علاوه براین، ثروتمندان به‌عینه مشاهده می کردندکه مسیحیت، بردگان و ستم‌دیدگان را به‌تسلیم و بردباری و در نهایت امر به‌عدم مبارزه با برده‌داران دعوت میکند. بدین جهت برده‌داران نیز به‌بردگان پیوستند ومسیحی شدند.

برای تجاری که به‌شهرهای مختلف آمد و شد داشتند، مفیدتر این بودکه مسیحی شوند، چون اهالی مسیحی شهرها با میهمان‌نوازی خاصی از ایشان در خانه‌هایشان پذیرائی میکردند و به آنها در کار تجارتشان مدد می‌رساندند.

۵- کلیسای مذهبی

افراد ثروتمند بین مسیحیان نفوذ فراوانی بدست آورده‌بودند. معمولا کشیش‌ها که نماز جماعت را اداره می کردند واسقف‌ها، از میان ثروتمندان برگزیده می‌شدند. کشیش یعنی مرد روحانی و اسقف بزبان یونانی یعنی «نگهبان» . مسیحیان ملزم بودندکه بدون قیدوشرط

از اسقف‌ها اطاعت کنند.

در اواخر قرن سوم میلادی درامپراطوری روم مسیحیت انتشار چشم گیری حاصل کرد. مسیحیان شهرهای مختلف، بین یکدیگر ارتباط برقرار نموده و سازمانی مخفی بوجود آورده بودند. در این سازمان ده‌ها اسقف و کشیش وصدها هزار مؤمن به‌مسیحیت عضویت داشتند.

نام این سازمـان کلیسا بود. و کلیسا به‌معنای محل عبادت است. بعدها کلیسای‌مسیحی دارای‌چنان قدرت‌عظیمی شد که حتی امپراطوران نیز فاقد آن بودند.



معدن سنگ رم

بـه‌خاطر آن کـه سـالیان دراز، از سـنگ ایـن مـعادن اسـتفاده مـی‌شد، کـریدورهای زیـرزمینی عـظیمی درست شـده بـود کـه مـجموع طـول آن‌هـا بـه ۵۰۰ کیلومتر می‌رسید.



پرسش و تمرین:

۱ـ چرا ستم‌دیدگان مسیحی شدند؟

۲ـ چرا حکایات انجیل با شرح اوسیریس و دیئونیوس شباهت دارد؟

۳ـ مسیحیان در ابتدا چه ترکیبی داشتند؟ بعد چه تغییراتی در ترکیب آن‌ها حاصل شد؟

۴ـ مفهوم کلیسا را بیان کنید.

بند پانزدهم

بدتر شدن وضع امپراطوری روم در قرن چهارم میلادی

بخاطر آورید: مذهب چه‌نقشی در کشورهای جهان باستان ایفا میکرد؟ (بند۱۱، ماده‌ی ۲۰ وبند ۱۶ جلد اول).

۱ـ حکومت امپراطوری درقرن چهارم‌میلادی

امپراطوران‌روم‌تلاش می‌کردند پایه‌های حکومت خوددرامحکم سازند واز این اعتقادات برای مطیع نگاهداشتن توده‌های خلق‌استفاده برند.

دراواخر قرن سوم میلادی بود که ارتش امپراطـوری وسعت خاصی گرفت دیگر اتباع خود امپراطوری برای پر کردن‌ارتش کفاف نمیدادند. پس امپراطوران ارتش‌های کاملی مرکب از افراد قبایلی که

در سرحدات کشور زیست میکردند، اجیر می‌نمودند، برای پرداخت مزد اجیر شدگان، به‌پول کلانی احتیاج بود. تمامی سکنه‌ی شهر و روستا مجبور بودند مالیات زیادی بپردازند و بدین‌جهت دامنه‌ی نارضائی مردم وسعت می‌گرفت. تعداد زیادی مأمور مخفی بوجود آمدند که «کنجکاوان»[1] نامیده میشدند. وظیفه‌ی آنها پیدا کردن افراد ناراضی بود.

امپراطور خود را فرزند ژوپیتر اعلام کرده بود و مردم مجبور بودند در مقابل او، بسان خدایان، سربخاك سایند. امپراطور بعنوان ابراز عنایت خاصه‌ی خویش، به‌اشراف‌زادگان اجازه میداد پا یا گوشه‌ی لباسش را ببوسند.

۲ـ تشدید ستم بر توده‌های ملت

در آغاز قرن چهارم میلادی بود که سردار پرتحرکی بنام کنستانتین[2] حکومت امپراطوری را تصرف کرد.

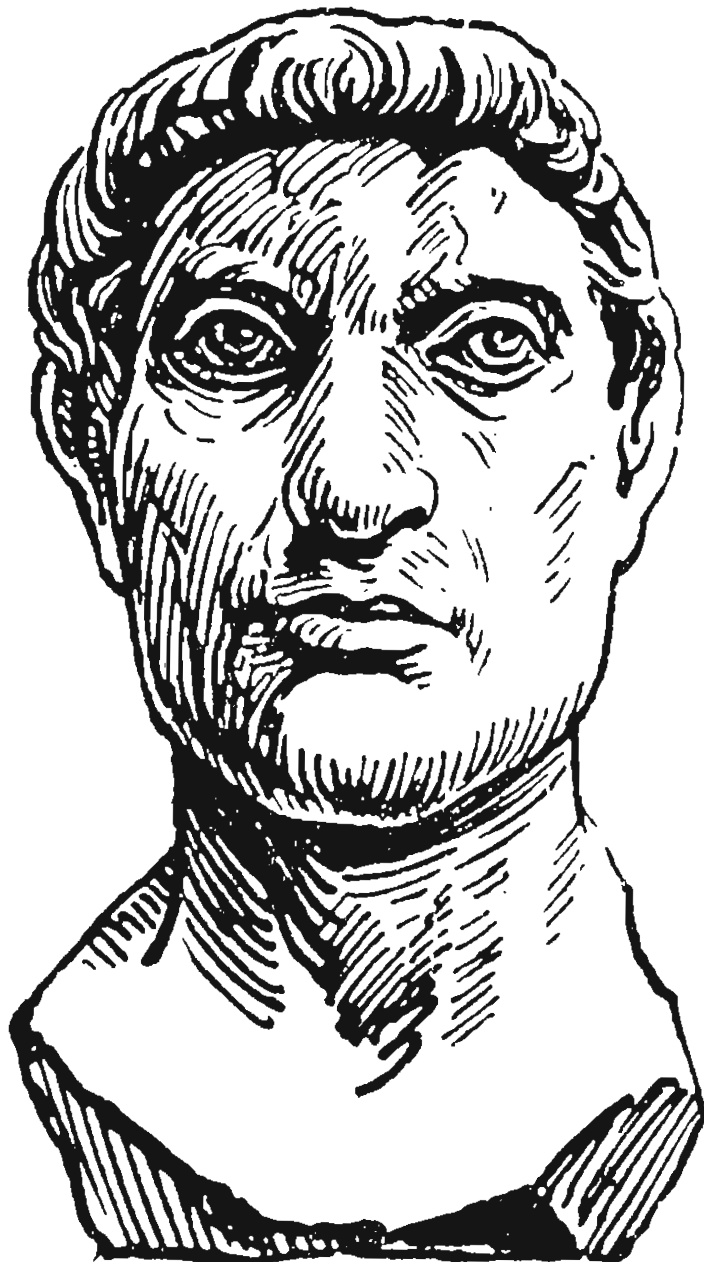
کنستانتین مردی بود بغایت بی‌رحم و عهدشکن: بخاطر کسب قدرت از هیچ جنایتی ابا نداشت: رقبای خود را میکشت، عهدش را می‌شکست و حتی روزی دستور داد فرزندش را که خیال میکرد در پی خلع قدرت اوست، بکشند.

کنستانتین نسبت به زحمتکشان رفتار بی‌رحمانه‌تری داشت. برای اینکه منافع صاحبان املاك و ثروتمندان حفظ شود، قانونی وضع کرد که بموجب آن هیچیك از کولون‌ها حق نداشت مزرعه و یا ملك

1- Inquisitor 2- Constantine

را ترك کند. آن کولونی که از محل کارخود فرار میکرد، باز گردانده شده و به‌زنجیر کشیده می‌شد.

کارگران نیز بسان بردگان، در کارگاههای امپراطوری داغ



تصویر شماره‌ی ۳۸

امپراطور ـ کنستانتین

تندیسی از روم باستان

میخوردند و نشان‌دار می‌شدند. مالیات‌ها بشدت افـزایش مـی‌یافت و مردمی که قادر به‌پرداخت مالیات‌نبودند، حق نداشتند از محل‌سکونت خود به‌شهر دیگری عزیمت کنند و یا مشاغل خود را تغییر دهند.

کودکان ایشان نیز مجبور بودندبه‌همان‌کاری اشتغال ورزنـد که والدینشان بدان مشغول بودند.

۳- مسیحیت - مذهب اکثریت

کنستانتین برای تحکیم پایه‌های حکومت خود کلیسای مسیحی را مورد استفاده قرار داد. او درك کرده بود که مسیحیت بهتر ازمذاهب دیگر می‌تواند بردگان وفقیران را به‌اطاعت از او وادار سازد.

درسال ۳۱۳ میلادی بود که کنستانتین اجازه داد مسیحیان بـه - آشکار، معابـد خود را بسازند و دور هم جمع شونـد. امپراطـور و ثروتمندان‌پول وزمین دراختیار کلیسا قرارمیدادند، کشیش‌ها واسقف‌ها نیز در قبال این‌هدایا، سنگ‌تمام گذشته، به‌بردگان و فقیران می گفتند که بدون چون وچرا از امپراطور روم و اربابان خود، اطاعت کنند. با وجود ظلم وستمی که کنستانتین برمردم روا میداشت، مسیحیان اورا «مقدس» مینامیدند.

کلیسای مسیحی در کارمبارزه با ستم‌دیدگان، به‌برده‌داران‌یاری میکرد. خود کلیسا نیز ثروت کلانی گردآورده و به‌یك‌زمین‌دارورباخوار بزرگ، تبدیل‌شده بود.

امپراطورانی که پس از کنستانتین براریکه‌ی قدرت نشستند، نیز از مسیحیان حمایت میکردند.

مسیحیان با استفاده از حمایت امپراطوران، معابد باستانی‌را ویران میکردند، مجسمه‌ی خدایان را خرد مینمودند، و بدینسان بسیاری از آثار برجسته‌ی هنری را به‌نابودی کشاندند.

مسیحیان درضمن، باعلم نیز درافتادند. آنها کتابخانه‌ی مشهور اسکندریه را سوزاندند و تألیفات علمی را درشهرهای دیگر نابود کردند و درخیابان اسکندریه، زن دانشمندی بنام اپاتیا[1] را که اعتقادی به‌خدا نداشت و به‌همین‌جهت مورد خشم و نفرت جماعت مسیحی بود، قطعه قطعه کردند. اپاتیا نخستین دانشمندی بود که بدست مسیحیان کشته شد.

۴ـ ورشکستگی سکنه

اگرچه کلیسای مسیحی ستمدیدگان را از مبارزه باستمگران باز میداشت، لیکن نتوانسته بود نیروی مقاومت آنها را درهم شکند.

.مالیات‌های کلان نه‌تنها کولون‌ها و پیشه‌وران بلکه برده‌داران کوچك و متوسط را نیز ورشکست کرده بود.

بردگان، کولون‌ها وشهرنشینان مفلس به‌جنگل میزدند. آنهادر واحدهای کوچکی گرد می‌آمدند به دولتیان و پولداران و به‌املاك برده‌داران‌وحتی‌به‌شهرها حمله می‌کردند.

یکی از اسقف‌ها با نفرت چنین نوشته است: «جسارت‌نوکران علیه اربابان خود فزونی میگیرد و بردگان علم رغم تعلیمات مسیح، نه تنها از خانه‌ی ارباب میگریزند، بلکه ارباب را غارت کرده، به‌وی

1- Ipathia

بی‌رحمانه حمله هم میکنند».

افلاس سکنه و مبارزه‌ی طبقاتی منجر به‌این شده بود که شهرها و حتی ایالات، متروك و خالی ازسکنه شوند. خود رم نیز بتدریج به‌بیابانی برهوت مبدل میشد.

۵ـ انتقال پایتخت

از اواخر قرن چهارم میلادی بود که امپراطوران دیگر در رم زندگی نمیکردند، بلکه در ایالات ثروتمند شرقی میزیستند. کنستانتین درساحل تنگه‌ی بوسفر[1] شهری بنا کرد. قبلا بجای این‌شهریك کولونی یونانی واقع شده بود که بیزانت[2] نام داشت.

بعدها شهری که بوسیله‌ی کنستانتین‌ساخته‌شد، بنام کنستانتینوپول[3] یا قسطنطنیه مشهور گردید که معنای آن «شهر کنستانتین» است.

با وجود ته‌کشیدن خزانه‌ی دولت، بازهم درقسطنطنیه کاخ‌ها و معابد مجللی ساخته شد. درسال ۳۳۰ میلادی پایتخت امپراطوری روم به‌قسطنطنیه منتقل گردید.

***

امپراطوران باوجود سرکوبی‌خشن ستم‌دیدگان واتکاء به‌کمك کلیسای مسیحی، موفق نشدند پایه‌های سست شده‌ی امپراطوری برده‌دار خودرا تحکیم بخشند. اقتصادامپراطوری به‌انحطاط‌چشم‌گیری دچار شد و مبارزات بی‌امان طبقاتی بین ستم‌کش و ستمگر، پایه‌های حکومت روم را بازهم سست‌کرد. دراین اوقات که برای امپراطوری

1- Bosphorus 2- Bysantium 3- Constantinopole

زمان دشواری بود، حمله ژرمن‌ها[1] به‌سرحدات امپراطوری قوس بالای قوز شد.

***

قوانین امپراطوری روم درباره‌ی کولون‌ها

یك کولون چه‌تفاوتی ازلحاظ زندگی بایك برده داشت؟قوانین امپراطوری روم ازمنافع چه کسانی حمایت‌میکرد؟ این‌موضوع از کجا درك میشود؟

> کولون‌ها ، بمثابه رشته‌ای اززنجیر بردگی ملزم به اجرای‌کلیه‌ی وظایفی میباشندکه با پرداخت مالیات سالانـه و با وضع ایشان، ارتباط دارد. امکان ندارد اجازه داده شود که کولون‌ها از طـریق دادگـاه، اسباب زحمت‌کسانی را فراهم آورندکه حق دارند ایشان را به‌همراه ملك‌ومزرعه بفروشند. ماتلف‌کردن اوقات‌شریف‌مالکان را دردادگاه‌ها ممنوع‌می‌سازیم. بگذار کولون‌ها بدانند که به‌چه‌کسی تعلق دارند و چه‌کسی صاحب آنان است.

***

> این غیرانسانی است که زمین از نیروی کـولونهای خون محروم شود وکولون‌ها به‌اراضی دیگـری نقل مکان کنند و به‌مالکان خسارات کلانی وارد آورند، بدین سبب، ما، مقرر میداریم‌که کولون باید وابسته به‌زمین باشد.کودکان‌آنها نیز به‌همان زمینی وابسته می‌باشندکه زمانی والدینشان روی‌آن‌کار میکردند.

---

1. German

کولون‌هائی کـه بفکر فرار می‌افتند نیز بایـد بسان بردگان، زنجیر شوند.

پرسش و تمرین:

۱ـ برده‌داران در اواخر قرن سوم و آغاز قرن چهارم میلادی به‌وسیله‌ی چـه مذهبی تلاش می‌کردند وضع امپراطوری را تحکیم بخشند؟

۲ـ در قرن چهارم میلادی چگونه وضع کولون‌ها دگرگون شد؟

۳ـ کلیسای مسیحی در قرن چهارم میلادی چه تغییراتی کرد؟

۴ـ چند سال از برقراری رژیم جمهوری رم تا انتقال پایتخت بـه‌قسطنطنیه سپری شده بود؟

بندشانزدهم

ژرمن‌ها در نخستین قرن‌های میلادی

۱ - مکان زندگی ژرمن‌ها

دوهزارسال پیش جای آلمان کنونی، جنگل‌های انبوه و باتلاق‌های فراوانی قرار داشت. گاوهای وحشی، خرس‌ها و گرازها براین جنگل‌ها حکومت میکردند.

بین رودخانه‌ی راین[1] و الب[2] بود که ژرمن‌ها زندگی میکردند. اراضی مشرق رود الب سکونتگاه اسلاوها بود.

ژرمن‌ها به‌قبایل بیشمار وقبایل هم به‌تیره‌های مختلف تقسیم‌می‌شدند. هرتیره‌ای، روستای جداگانه‌ی مخصوص بخود داشت. درمیان جنگلها و باتلاقها، کلبه‌هائی که سقفشان با کاه پرشیده شده بود، قرار داشت.

1- Rhine 2- Elbi

۲ـ اقتصاد ژرمن‌ها

اراضی اطراف روستاها به‌تمام عشیره متعلق بود. اعضای عشیره احشام خود را در آن به‌چرا می‌بردند، آنها با کار اشتراکی جنگل را عقب میراندند و در مزارعی که از اراضی جنگلی بدست مـی‌آمد، هریك از خانواده‌ها، قطعه‌زمینی برای کشت دریافت‌میکرد.

ژرمن‌ها پس از دو الی سه‌سال استفاده ازاین اراضی، مـزارع جدیدی برای خود فراهم میکردند.

آنها هیچگونه اطلاعی از تاك وتاك‌داری نداشتند و در مـورد باغ‌داری چیزی نمیدانستند. در همان هنگـام هـم بین ایشـان تساوی بـرقرار نبود، در میان آنها خانـواده‌هـای اشراف وجود داشت. خانواده‌های اشرافی بزرگترین و بهترین قطعات زمین را تصاحب می‌کردند و گله ورمه‌ی آنها نیز بزرگتر از گله‌ی سایر خانواده‌های عشیره بود.

روی اراضی متعلق‌به‌اشراف مردمانی کارمیکردندکه در جنگها به‌اسارت گرفته شده بودند. تعدادشان زیاد، ولی زنـدگیشان بهتر از زندگی‌بردگان روم بود. به‌اسیر قطعه‌زمینی واگذار می‌شدکـه او، با کشت و زرع هم خود را سیر میکرد و هم بخشی از محصول را بـه ارباب میداد.

۳ـ چه کسی و چگونه برقبایل و عشیره‌ی ژرمـن حکـومت میکرد؟

اشراف قدیمی‌تر ژرمـن، قبیله و یا عشیره را اداره مینمودنـد.

شورای تمام قبیله نیز از اینگونه افراد تشکیل می‌شد.

شورای شیوخ، مجلس ملی را دعوت به‌تشکیل می کرد. مردان قبایل، از روستاهای مختلف، درمحوطه‌ی باز جنگل، گرد می آمدند، آنها امور مربوط به‌اعلام جنگ و یا عقد صلح را حل و فصل کرده، رهبران خویش را برمیگزیدند و بزه‌کاران عشیره را محاکمه نموده‌و طبق یك سنت ژرمنی، خائنین را بدرخت دار میزدند و ترسوهـا را توی باتلاق می‌افکندند.

در اجلاسیه، فقط اشراف‌زادگان حق سخن داشتند و بقیه، نظر خود را که یا موافق بود و یا مخالف، نسبت به پیشنهاد شیوخ ابـراز میداشتند. اگر آنها موافق بودند، سلاح‌های خود را که هیچ‌زمان از آن دور نمیشدند، به‌صدا در می‌آوردند ومخالفت خود را با فریادهای کر کننده، ابراز میداشتند.

رهبران‌ژرمن نیزاز میان‌اشراف‌انتخاب می‌شدند. رهبربر گزیده شده را روی سپر بلند میکردند.

۴ـ امور جنگی ژرمن‌ها

در موقع جنگ کلیه‌ی مـردان ژرمن کـه قادر به‌حمل سلاح بودند، وارد ارتش میشدند. آنها در واحدهائی گرد می آمدند که از افراد قبایل ویاعشیره‌ی خودشان تشکیل می‌شد. ژرمن‌ها نیم‌برهنه می‌جنگیدند، سلاح‌عمده‌ی آنها را نیز تشکیل میداد.

هنگامیکه ژرمن‌ها به‌جنگ می‌رفتند، به‌افتخار خدای خود کـه



تصویر شماره‌ی ۳۹

اجلاس مجلس ملی

مردان ژرمن در حاشیه‌ی باز جنگل کنار درخت بلوطی که مقدس شمرده می‌شد، اجلاس می‌کردند. در این تصویر دو نفر را می‌بینیم که با هم اختلاف دارند، برای حل اختلاف خود به پیرترین فرد حاضر در کنار درخت بلوط رجوع کرده‌اند، هرکدام از آنها می‌کوشند ثابت کند که حق خودشان است.

دونار[1] نام داشت، سرود میخواندند. طبق باور آنها دونار با ریشهای قرمز رنگ بوسیله‌ی ارابه‌ی پرسروصدائی در آسمان رفت و آمدمیکرد و بهمراه رعد، چکش‌هائی از سنگ را پرتاب مینمود.

1- Donar

ژرمن‌ها پس از نبرد هریك به‌روستاهای خود میرفتند و پراکنده می‌شدند. ولی بتدریج، رهبران ژرمن، گروههای نظامی دائمی ایجاد کردند. رهبران و گروههای نظامی آنها بطرز خوبی مسلح میشدند. آنها دارای اسب و شمشیرهای فلزی بودند. بخش اعظم غنایم جنگی نیز نصیب ایشان میشد.

گروه‌های مسلح رهبران و خود رهبران کار نمیکردند و بطور کلی به‌حساب غنایم حاصله، روزگار میگذراندند.

جنگ بخاطرغارت دارائی دیگران، هدف اصلی آنها راتشکیل میداد.

رهبران و گروههای مسلح نه‌تنها به‌قبایل همجوار، بلکه به‌املاك



تصویرشماره‌ی ۴۰

پیاده نظام ژرمن

تصویر رومی



تصویر شماره‌ی ۴۱

پیاده نظام ژرمن

تصویر رومی

متعلق به روم نیز حمله میکردند.

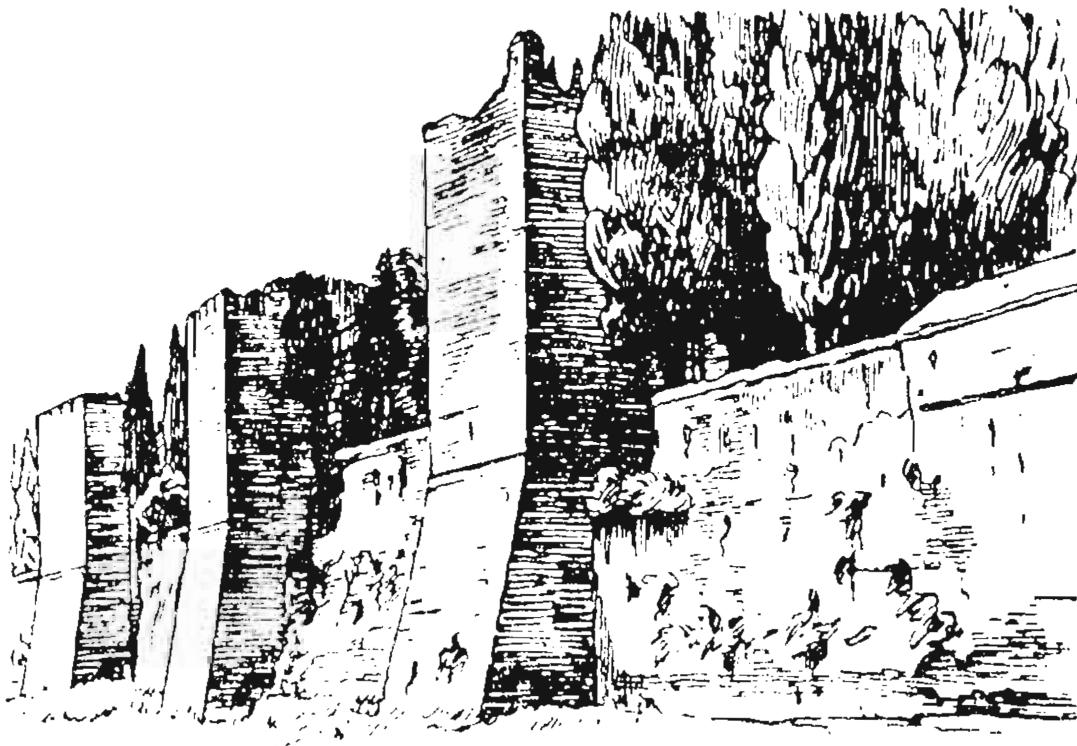


تصویر شماره ۴۲

۵- جنگ درسرحدات امپراطوری

خطر اصلی‌ای که روم را تهدید میکرد، تاخت‌وتاز گـروه‌های مسلح نبود، بلکه یورش قبایل کامل ژرمـن و سایر ملت‌هائـی بشمار می‌آمد که در اروپا، در جوار مرزهای امپراطوری، زندگی میکردند. رومیان کلیه‌ی این ملت‌ها را بربر[1] خطاب میکردند.

قبایل «بربر» در جست‌وجـوی زمینی کـه به‌درد کشت و زرع بخورد، دائم در تغییرمکان بودند. پشت سرمردان جنگی آنها، گله و تخت روان زن‌ها و بچه‌هادرحرکت بود. جلگه‌های امپراطوری تـوجه



تصویر شماره‌ی ۴۳

تصویر رومی دیوار دژ و برج روم

در قرن سوم میلادی رم با دیوارهای جدید سنگی و برج‌های تازه‌ای محصور شد. از روی نقشه‌ی شهر رم، دیوارهای آن را پیدا کنید. برای این کار به‌تصویر شماره‌ی ۲۷ مراجعه شود.

1- Barbar

خاص «بربر»ها را جلب کرده بود. رومیان برای دفاع از سرحدات خود، دژهای محکمی برپا می کردند که درفواصل آن خندق‌هائی کنده شده و نرده‌های نك‌تیزی دراطرافش کشیده می‌شد.

روی خاك‌ریزها برج‌هائی ساخته می‌شد که نگهبانان از فراز آن ناحیه را زیرنظر میگرفتند.

درقرن‌های دوم ـ سوم میلادی، در امتداد مرزهای امپراطوری خطی متشکل از اینگونه استحکامات کشیده شده بود.

تقریباً همیشه درسرحدات امپراطوری روم جنگ بین رومیان و ژرمن‌ها و «بربر»های دیگر که می کوشیدند از خط استحکامات رومی بگذرند، جریان‌داشت.

لیکن درقرن‌های دوم وسوم هنوز امپراطوری روم از قدرت و نیروی کافی برای‌خنثی کردن حمله‌ی دشمنان خویش، برخورداربود. بسیاری از «بربر»ها به‌اسارت افتادند و به‌بردگی رومیان کشیده‌شدند.

پرسش و تمرین:

۱ـ از کجا می‌توان معلوم داشت که درنخستین قرون میلادی، دیگر نظام جماعتی نخستین در میان ژرمن‌ها از هم پاشیده شده بود؟

برای پاسخ بدین سؤال به‌جدول ذیل توجه کنید:

آنچه را که از نظام جماعتی نخستین در میان ژرمن‌ها حفظ شده بود، توضیح دهید.

چگونه آن‌ها کوچ می‌کردند؟

زمین به‌چه کسی تعلق داشت؟

مسایل مهم‌تر قبیله را چه کسی حل می‌کرد؟

چه چیزی بیانگر گذار ژرمن‌ها از نظام جماعتی نخستین به‌نظام طبقاتی بود؟

آیا دارایی تمام عشیره یکسان و برابر بود؟

چه کسی غیر از اهل عشیره در مزارع کار می‌کرد؟

آیا تمام ژرمن‌ها در امور اداره‌ی قبیله، برابر بودند؟

نتیجه بگیرید که آیا بین ژرمن‌ها برابری وجود داشت؟

۲ـ در نخستین قرن‌های میلادی، زندگی ژرمن‌ها چه شباهتی با زندگی یونانی‌های عصر هومر داشت؟

۳ـکدام یک از خدایان یونانی شبیه به‌دونار بودند!

بند هفدهم

سقوط امپراطوری غربی روم

۱ ـ افزایش حمله‌ی بربرها به‌امپراطوری

درقرن‌چهارم میلادی مخصوصاً حملات «بربر»ها به‌امپراطوری روم افزایش یافت. قبایل «بربر» تحت ریاست رهبران انتخابی خود، متحد شده و گروه‌های بزرگی از سپاهیان تشکیل داده بودند. ده‌ها و صدها هزار «بربر» استحکامات سرحدی روم را مورد حمله قرار میدادند: بارها ازمرز میگذشتند، همه‌چیز را درسرراه خویش‌بنابودی میکشاندند.

درضمن، همچنانکه حملات «بربرها» دامن می گرفت، برعکس امپراطوری روم‌به‌ضعف‌وفتورمیرفت. برای امپراطوری روم‌سال‌به‌سال مقابله با حملات و دفع یورش «بربرها» دشوارتر می‌شد. امپراطوران روم‌مجبور شده بودند تعدادی ازقبایل «بربر» را برای دفاع ازخویش

درمقابل حمله‌ی قبایل «بربر» دیگر به امپراطوری، به‌ضرب پول اجیر کنند.

۲- تاخت وتاز گوت‌ها[1]

قبیله‌ی ژرمنی گوت ازامپراطوری اجازه‌یافت که درشبه‌جزیره‌ی بالکان سکوت کند. ده‌ها هزار گوت با اعضای خانواده‌ی خویش از سرحدات امپراطوری عبور کردند. مأموران امپراطوری به‌آنها وعده داده بودند که خواربار مورد نیازشان را تأمین کنند، ولی بوعده‌ی خود وفا نکردند. گوت‌ها که از گرسنگی بحال مرگ افتاده بودند، مجبور می‌شدند کودکان و دختران و یا خانواده‌ی خود را در قبال لقمه‌ای نان به‌بردگی بدهند.

پس آنها قیام کرده، بسوی قسطنطنیه به‌حرکت درآمدند. ارتش امپراطوری روم علیه آنها وارد میدان شد. در نبردی که درسال **۳۷۸** میلادی در حومه‌ی آدریانوپول درگرفت، ارتش امپراطوری بوسیله‌ی شورشیان گوت درهم کوبیده شد وخود امپراطور هم به‌قتل رسید.

۳- تقسیم امپراطوری

درسال **۳۹۵** میلادی بودکه سرزمین روم به‌دوامپراطوری، یکی امپراطوری شرقی روم ودیگری امپراطوری غربی روم، تقسیم گردید.

شبه‌جزیره‌ی بالکان، مصر و متصرفات آسیائی روم جزو امپراطوری شرقی روم شد. پایتخت امپراطوری شرقی همان قسطنطنیه باقی ماند. وایتالیا و ایالات غربی روم درمصر و آفریقا درچهارچوب

1- Goth

امپراطوری غربی گنجانیده‌شد. اوضاع امپراطوری غربی روم مخصوصاً وخیم بود. اقتصاد آن در گرداب انحطاط کامل فرو رفته وقیام‌هائی که روی میداد، آن را درخون غرق میکرد و یورش گوت‌ها ضربه‌ای خردکننده بر آن وارد آورد.

۲- تسخیر روم توسط گوت‌ها

گوت‌ها، **آلاریك**[1] را بفرماندهی خودبر گزیده، به‌ایتالیا یورش آوردند. هیچ نیروئی وجود نداشت که از امپراطوری دفاع کند. امپراطور روم دریك دژ محکم: پنهان گردیده بود. برده‌داران بشدت خود را باخته بودند، ارتش مزدوری که بطور کلی از خود «بربر»ها تشکیل می‌شد، ارتشی غیرقابل اعتماد بود.

بردگان و کولون‌ها که چشم دیدن امپراطوری را نداشتند، به گوت‌ها می‌پیوستند. اکنون آن نیروهائی برعلیه امپراطوری متحد میشدند که قبلا جداگانه علیه آن مبارزه میکردند: «بربر»های بیگانه و ستم‌دیدگان خود امپراطوری.

درتمام ایتالیا رعدشورش به‌غرش درآمده بود، املاك برده‌داران به‌غارت میرفت و ثروتمندان و دولتیان قتل عام می‌شدند.

در سال ۴۱۰ بود که گوت‌ها رم را محاصره کردند. آلاریك جرأت نداشت به‌دیوارهای غیر قابل نفوذی که شهر را دراحاطه گرفته و برج‌های محکمی داشت، حمله کند. ولی بردگان ستم‌دیده‌ای که در شهرزندگی میکردند، شبانه دروازه‌ی شهر را به‌روی آلاریك گشودند

1- Alaric

و گوت‌ها بدرون شهر سرازیر شدند. آنها به‌اتفاق برده‌ها سه روز تمام شهر رم را غارت میکردند، و پس از چپاول و غارت، شهر ویران و متروک را ترک نمودند.

۵- یورش ژرمن‌ها به‌امپراطوری غربی روم

بدنبال قبیله‌ی گوت‌ها، سایر قبایل ژرمن نیز هجوم خود را بـه امپراطوری غربی روم آغاز کردند.

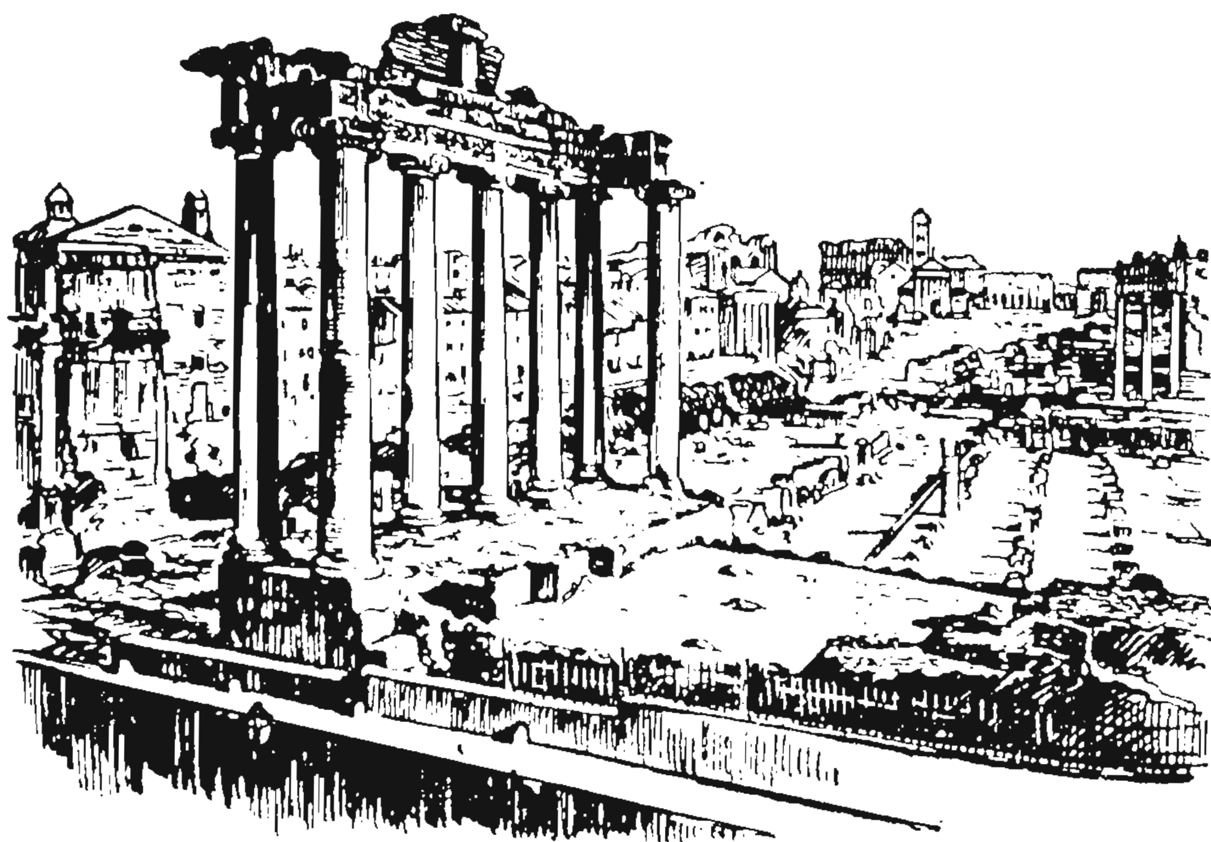
ژرمن‌ها بدون آنکه با مقاومتی جدی روبرو شوند، گول واسپانیا را تسخیر کردند و از طریق اسپانیا به‌افریقای شمالی نفوذ نمودند.



تصویر شماره‌ی ۴۴

بهمن سرازیر شده‌ی یورش ژرمن‌ها سرتاسر امپراطوری رادر خودغرق کرد. ژرمن‌ها ضمن سکونت دراراضی‌حاصل‌خیز، تاکستانها را ازبن‌ویران می کردند واززمین آن برای کشت وپرورش جووچاودار استفاده مینمودند وبیشه‌های درخت زیتون را تبدیل به‌مرتع میکردند.

ژرمن‌ها به‌شهر احتیاجی نداشتند. هنگامیکه بـه‌سنگ نیاز پیدا میکردند تا دژی بسازند، از سنگ دیوارهای کاخ‌ها و معابد استفاده نمودند. بدین ترتیب بسیاری از شهرهای روم ویران شد و جای آن زمینی سرشار ازعلف‌های هرزه دامن گسترد. درمیان اینگونه‌ویرانی‌ها بود که کلبه‌ی ژرمن‌ها برپا می‌شد.



تصویر شماره‌ی ۴۵

رم ویران شده

دراواسط قرن پنجم میلادی قبایل واندال[1] ژرمن که در آفـریقا شکل پذیرفته بودند، به‌ایتالیا سرازیر شده و رم را گرفتند. سرکوبی وغارت شهردوهفته‌طول کشید. واندال‌ها نه‌تنها شهررا غارت‌میکردند، بلکه به‌کاری که هیچ ضرورت نداشت، یعنی به ویران کردن شهر نیز دست زدند. آنها تندیس‌ها را خرد میکردند، کتابها را نابود میساختند و خانه‌ها را به‌آتش میکشیدند. پس از تاخت‌وتاز واندال‌ها فقط هفت هزارنفر از اهالی رم زنده مانده بودند.[2]

در سال ۴۷۶ میلادی بود که آخرین امپراطور روم بوسیله‌یکی از رهبران ژرمن سرنگون شد، امپراطـوری غربی روم، از عـرصه‌ی خاك، پاك شد.

٦ـ اهمیت قیام‌ها وتاخت‌وتاز «بربرها»

سقوط امپراطوری غربی روم، کـه بـزرگترین دولت برده‌دار جهان باستان بود، پایان تاریخ دنیای قـدیم شمرده مـی‌شود. با سقوط امپراطوری روم نظام برده‌داری نیز دراروپای غربی از میان رفت.

قیام‌هائی که در امپراطوری روم رخ میداد وتاخت‌وتاز«بربر»ها به‌آن، نظام برده‌داری را که مانـع پیشرفت وشکوفائی‌اقتصادوفرهنگ بود، در اروپای غربی نابودکرد و تاحدودی، شرایط زندگی بردگان وکولون‌ها راکه درزیرزنجیراسارت وستم‌برده‌داران رومی‌ازتوان‌شده بودند،آسان‌تر ساخت.

1- Vandal

۲ـ واژه‌ی‌واندالیسم که درنتیجه‌ی ویرانی رم بدست واندال‌ها بوجود آمدبه‌مفهوم نابودکردن بی‌رحمانه‌ی آثار هنری وسایر مظاهر فرهنگی است.

پرسش و تمرین:

۱ـ از روی نقشه نقاطی را پیدا کنید که در آن مردم امپراطور روم طی قرون چهاردهم و پنجم میلادی قیام می‌کردند.

۲ـ روی نقشه جهات اصلی یورش «بربرها» را به‌خاک امپراطور روم تعیین نمایید.

۳ـ چرا آلاریک توانست رم را بگیرد و سردار برجسته‌ای چون هانیبال بدین کار موفق نشد؟

۴ـ علل سقوط امپراطوری غربی روم را بیان کنید؟

۵ـ با در نظر گرفتن آغاز حکومت مطلقه‌ی اوکتاویان، محاسبه کنید که چند سال حکومت وی دوام یافت.

نتیجه‌ی بخش «روم باستان»

نظام برده‌داری روم چه‌تفاوتی بانظام‌های برده‌داری شرق و یونان داشت؟

نظام برده‌داری، در قرن چهارم پیش از میلاد در شرق باستان بوجود آمد. درشرق باستان سنگینی کارهای دشوار ـ احداث‌سدها، کانال‌ها و سایر تأسیسات بزرگ ـ بردوش بردگان بود. کارعمده‌ی کشت و زرع را دهقانان و امور مربوط به‌حرفه وفن را پیشه‌وران‌آزاد انجام میدادند.

یونانیان کارهای دشوارتررا به‌عهده‌ی بردگان گذاشتند. بردگان یونانی در معادن کار میکردند و از نیروی آنها بطور وسیعی نیز در صنایع دستی استفاده می‌شد.

در روم بود که نظام برده‌داری وسعت بیشتری حاصل کرد.

پیروزی‌های روم باعث شد که سیل بردگان به‌ایتالیا سرازیر شود. کار بردگان موجب گردید کـه افراد آزاد از کار در حیطه‌ی کشاورزی، صنایع دستی و ساختمانی خارج‌شوند. تعداد بردگان بقدری زیاد بود که برده‌داران رومی ازوجود آنهابرای تفریحات‌خونین خویش‌استفاده میکردند.

چه‌چیزی سبب شد نظام برده‌داری در اروپای غربی از میان برود؟

خود جریان رشد نظام برده‌داری بود که آن را بورطه‌ی‌نابودی وسقوط اجتناب‌ناپذیر کشاند.

درشرایط کاربردگان، بهبود تکنیك تقریباً غیرممکن گـردیده بود. طرز استفاده از اراضی برای کشت‌وزرع بوسیله‌ی بردگان، خاك را از حیز انتفاع أنداخته بـود. بدین سبب اقتصاد امپراطـوری روم، با انحطاط عمیقی روبرو گردید.

تجمع‌عظیم بردگان، که چشم دیدن اربابان خـود را نداشتند، خطر بزرگی‌برای امپراطوری روم‌بوجودآورد. تازمانی که‌امپراطوری روم نیرومندبود، قیام‌های بردگان را اگرچه با دشواری، ولی‌سرانجام سرکوب میکرد. اما افلاس دهقانان در شرایط نظام برده‌داری، قدرت امپراطور روم را تحلیل برد.

با به‌وجـود آمدن اتحاد بین قبایل «بربر»، تاخت وتاز آنها در سرحدات امپراطوری روم شدت گرفت.

قیام ستم‌دیدگان، بایورش «بربر»ها درهم آمیخت، امپراطوری

غربی روم را از هم پاشاند، نظام برده‌داری را ساقط کرد.

توده‌های مردم با ساقط کردن نظام برده‌داری روم، راه‌خود را در اروپای غربی، بسوی بسط و ترقی هرچه بیشتر اقتصاد و فرهنگ گشودند.

پرسش و تمرین:

۱ـ با استفاده از جدول وقایع مهم تاریخ روم باستان تعیین کنید که در این کتاب، تاریخ روم، به‌چه دوره‌هایی تقسیم شده؟ از روی فصول کتاب توضیح دهید که فصل‌ها مربوط به‌چه دوره‌ای هستند؟

آ) روی نقشه خاک روم را از آغاز تا پایان دوره‌ی مربوطه، علامت‌گذاری کنید.

ب) با در نظر گرفتن این امر معین کنید چه تغییراتی در وضع زندگی زحمتکشان نسبت به‌دوره‌ی قبل حاصل شده است؟

ج) بین کدام یک از طبقات و گروه‌های سکنه مبارزه درگیر بود؟ این مبارزه چه هدفی داشت؟ در چه چیزی متجلی می‌شد؟

د) سیستم حکومتی روم را شرح دهید. در دوره‌ی مورد نظر چه تغییراتی در سیستم حکومتی روی داد؟ ارتش روم دوره‌ی مربوطه چه تغییراتی حاصل کرده بود؟

ه) در دوره‌ی مورد نظر، روم چه جنگ هایی برپا کرده بود؟ هدف این جنگ‌ها چه بود؟

۳ـ روم باستان چه سهمی در فرهنگ جهانی داشت؟



شكل ١

تصویر شماره‌ی ۱

اعدام بردگان

بردگانی که به‌مرگ محکوم میشدند. معمولاً به‌صلیب کوبیده میشدند. دست و پای آنها را با میخ به‌صلیب میکوبیدند، برده‌ی صلیب شده، با مرگی دردناك و تدریجی، در زیر اشعه‌ی سوزان آفتاب، جان میداد.



شكل ٢

تصویر شماره‌ی ۲

بسوی نبرد

سپاهیان رومی در قرن اول پیش از میلاد. لژیون از اردوگاه بسوی جبهه میرود فرمانده‌ی لژیون سوار بر اسب، در حرکت است. فرمانده یکی از واحدهای لژیون نیز پیشاپیش سپاهیان خود، میرود. جلو افراد لژیون منجنیق‌ها کشیده می‌شوند. پشت منجنیق‌ها، یک تنی که پوست خرس پوشیده، بیرق لژیون را حمل میکند که عبارت است از سر نقره‌ای عقابی بر دسته چوبی.

در قسمت عقب تصویر استحکامات اردوگاه مشاهد میشود.


شكل ٣

تصویر شماره‌ی ۳

تریومف امپراطور

در قسمت جلو، اشراف‌زادگان اسیر در زنجیر حرکت میکنند. در میان اشراف‌زادگان، زنی که کودک مرده‌ای را در بغل دارد، دیده میشود. پشت سر اسرا، تریبون‌های خلق در حرکتند. امپراطور از زیر طاق نصرت تری‌یومف میگذرد. بردگان سایه‌بانی از طلا روی سر او گرفته‌اند. پشت طاق‌نصرت، آمفی‌تئاتر کولیزیوم دیده میشود. شرح تری‌یومف را در بند ۵، ماده‌ی ۴ مطالعه کنید.



شكل ۲

تصویر شماره ۴

حمله بردگان شورشی به‌سپاهیان رومی

بردگان که تقریباً لخت بودند و سلاح بدرد بخوری در اختیار نداشتند، به‌واحدهای مجهز ارتش روم حمله میکردند. تنها عامل غافلگیری و شجاعتشان بود که موفقیت‌هایی برایشان به‌ارمغان می‌آورد. مقاومت رومیان در برابر شورشیان بطور کلی درهم می‌شکست در تصویر، چهار سپاهی که پشت سپرهایشان پنهان شده‌اند، از خود دفاع میکنند، ولی با سنگ به‌آنها حمله مینمایند. شورشیان میکوشند که هرچه سریع‌تر با شمشیر و نیزه‌های رومیان مقتول مسلح شوند.